

جادبه‌های گردشگری

مُدْبَان

تألیف:

سید محمد ابراهیمی قوزلو

بهار ۱۳۹۵

سرشناسه	: ابراهیمی، سیدمحمد
عنوان و نام پدیدآور	: جاذبه‌های گردشگری مغان/ سید محمد ابراهیمی.
مشخصات نشر	: اردبیل: نشر نایاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص: مصور (رنگی)، جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۴-۰۰۰-۰
موضوع	: دشت مغان
ردی فنی	: ۲۰۵۳/۲ ۱۳۹۴ DSR
ردی بندی کنگره	: ۹۵۵/۳۲۷
ردی بندی دیوبی	: ۹۸۵-۴۲۷۲۶
شماره کتابشناسی ملّی	: م



جاذبه‌های گردشگری مغان

مؤلف: سید محمد ابراهیمی قوزلو

ناظر فنی: جعفر حسینی فر

ویراستار علمی: مینا معرفت اجرلو

ویراستار ادبی: سمانه جعفری

ناشر: انتشارات نایاب

طراح روی جلد: سید مصطفی جمشیدی

صفحه آرایی: سید رسول زیرک

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۵ - ۱۰۰۰

قطع و تیراز: وزیری - ISBN: 978-600-8044-00-0 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۴-۰۰-۰

صحافی: افق قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

تقديم به؛

مردم آگاه و فهيم خطه زرخيز مغان

و تقديم به؛

ستارگان درخشان زندگى ام؛ سيده زهرا و آيدا سادات

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
الفبای مورد استفاده در نام مکان‌ها	۱
پیشگفتار	۲
بخش اول: موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی	۷
موقعیت جغرافیایی مغان	۷
تقسیمات سیاسی مغان	۹
بخش دوم: جاذبه‌های طبیعی	۱۷
ارتفاعات و قله‌ها	۱۷
شکارگاهها و زیستگاهها	۲۰
رودخانه، چشمه، قنات و کanal‌های آبرسانی	۲۲
دره‌های منطقه مغان	۲۵
آبشارها	۲۷
دریاچه‌ها و تالاب‌های مغان	۲۹
یخچال‌های طبیعی و غارها	۳۰
جنگل‌های طبیعی و مصنوعی	۳۱
درختان دیرزیست منطقه	۳۲
باغات منطقه مغان	۳۲
کشتزارهای گندم و جو	۳۴
بخش سوم: جاذبه‌های تاریخی	۳۵
قلعه‌ها و دژها	۳۵
اوجاق‌ها و اماکن مذهبی	۳۸
گورستان‌های تاریخی	۴۰

۴۴	تپه‌های تاریخی
۴۶	سایر آثار تاریخی
۵۲	بخش چهارم: جاذبه‌های انسانی و فرهنگی
۵۳	زبان و دین مردم
۵۳	آداب و رسوم و اعتقادات مردم
۵۴	ادبیات شفاهی
۵۷	جشن‌ها و سرورها
۵۹	سوگ‌ها و عزاهای
۶۰	موسیقی بی‌وی‌سی
۶۱	بازی‌های محلی
۶۲	شیوه‌های معيشت در مغان
۶۴	نوع مساکن مغان
۶۸	نهادهای فرهنگی
۶۸	صنایع دستی
۷۱	سوغاتی‌های مغان
۷۲	بخش پنجم: امکانات رفاهی، نواقتادات و پیشنهادات
۷۳	بررسی امکانات گردشگری مغان
۷۴	نواقتادات صنعت گردشگری مغان
۷۵	پیشنهاداتی برای رونق گردشگری
۷۹	بخش ششم: فهرست آثار دیدنی، منابع و تصاویر
۷۹	فهرست آثار دیدنی مغان
۸۵	منابع و مأخذ
۸۶	تصاویر جاذبه‌های گردشگری

الفبای مورد استفاده در نام مکان‌ها (الفبای تورکی آذربایجانی با رسم الخط عربی)

جدول نوشتاری حروف صدادار (سیسلیلرین یازیلیشی)

اورنک (میثال)			الفبای تورکی آذربایجانی	الفبای تورکی آذربایجانی	الفبای فارسی عربی
تورکی آذربایجانی	تورکی لاتین	فارسی			
آلایلا	Alayla	آلیله	آ	a.A	آ
آفچه	Əfcə	آفچه	ا ھ	ə.Ə	أ
گئرمی	Germi	گرمی	ئ، ئ، ئ	e.E	إ
بولغارچایی	Bolg̤arçayı	بلغارچای	او، و	o,O	-
گؤی تپه	GöyTəpə	گوگ تپه	ؤ، ئ	Öö,	-
او نگوت	Üngüt	انگوت	او، و	ÜÜ,	-
اوجارلی	Ucarlı	اجارود	او، و	u,U	او
اینی	İni	انی	ای، ی، ی	i,I	ای
قیزقالاسی	QIzqalasi	قزلقلمه سی	ایا، یا، ی	I.I	-

جدول نوشتاری حروف بی صدا در الفبای تورکی آذربایجانی (سی سیز لرین یازیلیشی)

خ x.X	ج Ç غ، G	ج c.C	ت (ط) t,T	پ p,P	ب b,B
ش Ş, ş	س (ث، ص) s,S	ژ J,j	ز (ذ، ظ، ض) z,Z	ر r,R	د d,D
ل l,L	گ g,G	ک k,K	ف f,F	ق q,Q	غ Ğ, ġ
	ی y,Y	و v,V	ه (ح) h,H	ن n,N	م m,M

پیشگفتار:

آدمی در آغاز بر حسب سرشت خویش پا به سفر نهاده و از پیامدهای اجتماعی آن هیچ اطلاعی نداشته، ولی ضمن سفر دستاوردهایی برای وی فراهم آمده که به سفر او معنای تازه‌ای بخشیده است.

توسعة اقتصادي و فرهنگی جوامع انسانی نیاز به سفر را افزایش داده و هر چه جوامع ساختار پیچیده‌تری یافته‌اند نیاز به سفر هم افزایش یافته و اگر یک زمانی انسان تنها به انگیزه روانی خود سفر می‌کرده در مراحل پیچیده‌تر و تکامل یافته اقتصاد و فرهنگ، انگیزه‌های سفر رنگین‌تر شده است.

در قرآن کریم هم که یگانه منشور جاویدان الهی بوده و بی‌نظیرترین دستورات برای بهبود زندگی بشری در آن جای گرفته، بحث گردشگری تحت عنوان «سیروا فی‌الارض» در چندین آیه آورده شده است. در این کتاب آسمانی به منظور مطالعه اسرار آفرینش یا برای عبرت گرفتن از عواقب دردناک و شوم اقوام ظالم، به همه، به ویژه مسلمانان دستور داده شده که از محیط محدود زندگی خود درآیند و به سیر و سیاحت در جهان بپردازنند.

«فُلْ سِيَرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَا الْخَلْقُ...»؛

«ای پیامبر بگو به مردم که در زمین گردش کنند و ببینند خداوند چگونه خلق را ایجاد (آفرینش را آغاز) کرد» (عنکبوت آیه ۲۰).

بنابراین گردشگری ریشه در تاریخ بشریت و عمری به درازای عمر بشریت دارد. این صنعت که در اصطلاح اقتصادی به عنوان نوعی صادرات نامهای نیز تلقی شده و برخی آن را صنعت بدون دود و حتی بدون مخارج سرمایه‌گذاری ثابت در نظر می‌گیرند در بهبود شرایط مالی و به خصوص اشتغال نقش مهمی دارد.

طبق آمار سازمان جهانی گردشگری از هر ۱۲ تا ۱۵ شاغل در دنیا یک شغل به گردشگری اختصاص داشته و هر ۵ تا ۱۰ گردشگر یک فرصت شغلی ایجاد می‌کند. در حال حاضر حدود دویست و شصت میلیون نفر در جهان در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط به کار اشتغال دارند و درآمدهای حاصل از این صنعت در مجموع حدود نه درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است. یعنی گردش مالی صنعت

گردشگری بصورت سالانه بیش از یک میلیارد دلار می‌باشد در خصوص کاهش نرخ بیکاری هم تنها کافیست به این نکته اشاره شود که روند استغال‌زایی در بخش توریسم ۲/۱۱ برابر سریع‌تر از سایر بخش‌ها می‌باشد.

توزیع جغرافیایی درآمد این صنعت به شدت نامتعادل است به طوری که ۸۰ درصد درآمد و استغال ناشی از این صنعت به آمریکا و اروپا اختصاص دارد. از ۲۰ درصد درآمد باقی‌مانده ۵/۲ درصد سهم خاورمیانه می‌باشد و از ۵/۲ درصد سهم خاورمیانه هم کمتر از یک درصد سهم ایران می‌باشد. این صنعت در ایران به ویژه در منطقه آذربایجان مراحل اوّلیه رشد خود را طی می‌کند و صنعتی نوپا به شمار می‌آید. منطقه آذربایجان (به ویژه منطقه مغان) با وجود دارا بودن قدمت تاریخی و داشتن ارتباطات فرهنگی و بازارگانی با ملل غرب و شرق فاقد جایگاه مناسب بین مناطق توریست‌پذیر به شمار می‌رود.

یکی از راههای رونق‌بخش گردشگری و یکی از راههای مهم جذب گردشگر، معرفی جاذبه‌های گردشگری مناطق مختلف کشور است که متأسفانه در این زمینه تا حال زیاد کار نشده است و یکی از علل رکود گردشگری ما، عدم اطلاع گردشگران از استعدادهای طبیعی و تاریخی موجود می‌باشد و تا زمانی که نتوانسته‌ایم آثار جذاب و دیدنی طبیعی و تاریخی‌مان را به گردشگران بشناسانیم نمی‌توانیم به توسعه این صنعت امیدوار باشیم.

نوشته‌ای که پیش روی شماست با هدف معرفی جاذبه‌های مهم گردشگری منطقه مغان آمده شده و امید می‌رود مورد قبول واقع شود.

لازم است اشاره نماییم که بخاطر عدم هماهنگی آوایی و تفاوت در حروف صدادار زبان تورکی و زبان معیار کشوری که اسامی در تابلوها و استناد دولتی بر اساس آن نوشته شده‌اند، شکل اصلی و تلفظ واقعی و صحیح اسامی در تابلوها و استناد دولتی با اشکال نوشته شده و ما برای این‌که خوانندگان عزیز، نام‌های شهرها و روستاهای را به راحتی تلفظ کرده و دچار مشکل نشوند سعی کردیم این اسامی را بر اساس جدولی که در صفحات قبل آورده شده بنویسیم. در این خصوص لازم است تأکید کنیم که رعایت قانون اصوات در نوشتن کلمات تورکی حائز اهمیت فراوان بوده و عدم رعایت این قانون نه تنها موجب تغییر مفاهیم کلمات، بلکه در مواقعی هم موجب ایجاد مفهوم متضاد با واژه اصلی می‌گردد، مثلاً وقتی در نوشتن نام شهر گئرمی مغان با عدم رعایت صدای حرف اوّل که - می‌باشد مواجه شویم لغت مورد نظر، هم می‌تواند به صورت گرمی (مکان گرم) و هم بصورت گرمی (گرم = واحد

وزن) و هم به صورت گُرمی(گرم [گ] غم و اندوه و زحمت سخت و گرفتگی دل و دلگیری) درآمده و مفهومی کاملاً متضاد به خود گیرد.

در پایان لازم می‌دانم از همه عزیزانی که به نوعی در گردآوری این مجموعه ما را یاری نمودند، به ویژه از دوستانی که با ارائه عکس‌هایی زیبا از منطقه در معرفی منطقه سنگ تمام گذاشتند، تقدیر و تشکر نمایم. همچنین انتظار می‌رود که صاحبان علم و اندیشه، نوافضات و کاستی‌ها را به نویسنده متذکر شوند و راهنمایی‌های لازم را ارائه نمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

با این امید که راهنمایی‌های شما چراغی فراروی آینده منطقه عزیزمان، مغان باشد منتظر مطالب سودمند و مفیدتان می‌مانیم.

لازم است اشاره نمایم که این کتاب در سال ۱۳۸۵ به شماره شابک ۹۶۴-۷۸۷۵-۹۸-۳ و با شماره ۴۲۷۲۶-۸۵ م کتابخانه ملی ایران توسط انتشارات نیکآموز اردبیل مجوز چاپ و نشر دریافت نمود ولی به خاطر مشکلات مالی منتشر نشد و اینک با ویرایش و اصلاحاتی تقدیم شما علاقمندان می‌گردد.

گُرمی مغان - سید محمد ابراهیمی قوزلو

۹۳/۱۲/۱۰



نقشه راههای ارتباطی روستاهای مهم شهرستان‌های منطقه مغان

بخش اول

موقعیت و تقسیمات سیاسی

۱- موقعیت جغرافیایی مغان: مغان منطقه پهناوری است در شمال غرب کشور و غرب دریای خزر که حدود هفده هزار کیلومترمربع مساحت دارد. این منطقه از شمال به رودخانه کور^۱ و آراز محدود است، از جنوب رشته کوه سالاوات^۲ آن را از خیاو یا مشکین شهر و لنگران جدا می‌کند، از غرب رودخانه قاراسو(قاراچای، دره اورت) حد فاصل مغان با منطقه قاراداغ است و از شرق هم این خطه به دریای خزر محدود می‌باشد.

این منطقه بعد از قراردادهای گلستان(۱۳۹۸-۱۴۲۸ ه.ق) و تورکمن چای(۵ شوال ۱۴۴۳ ه.ق) به دو قسمت تقسیم شد که قسمت شرقی و شمال شرقی آن با وسعت بیش از ۱۱ هزار کیلومترمربع با نام مغان یا میل مغان در خاک جمهوری آذربایجان و قسمت غربی و جنوب غربی آن با وسعت ۵ هزار کیلومتر مربع با نام مغان در خاک آذربایجان ایران قرار گرفت. از شهرهای مهم مغان در خاک جمهوری آذربایجان؛ سالیان، بیله‌سوار، سابیرآباد و جلیلآباد و در مغان ایران؛ گئرمی^۳، بیله‌سوار، پارسا آباد، آسلاندوز، جعفرآباد و تازه‌کند اونگوت را می‌توان نام برد. مغان ایران در شمال شرقی آذربایجان و شمال استان اردبیل بین ۳۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است.

۱- گی

2- Salavat

۳- برای این‌که خوانندگان عزیز، نام‌های شهرها و روستاهای را به راحتی تلفظ کرده و دچار مشکل نشوند، ما این اسمای را بر اساس جدولی که در صفحات اول کتاب آورده شده نوشته‌ایم. در این خصوص لازم است تأکید کنیم که رعایت قانون اصوات در نوشتن کلمات تورکی حائز اهمیت فراوان بوده و عدم رعایت این قانون نه تنها موجب تغییر مفاهیم کلمات، بلکه در مواقعي هم موجب ایجاد مفهوم متضاد با واژه اصلی می‌گردد، مثلاً وقتی در نوشتن نام شهر گئرمی مغان با عدم رعایت صدای حرف اول که همی باشد مواجه شویم لغت موردنظر، هم می‌تواند به صورت گرمی (مکان گرم) و هم به صورت گرمی (گرم = واحد وزن) و هم به صورت گرمی (گرم [گ' غم و انده و زحمت سخت و گرفتگی دل و دلگیری) درآمده و مفهومی کاملاً متضاد به خود گیرد.



نقشه سیاسی استان اردبیل

این منطقه از شمال و شرق به جمهوری آذربایجان، از جنوب به جمهوری آذربایجان و بخش ارشق مشکین و از غرب به شهرستان‌های اهر و کلیبر آذربایجان شرقی محدود می‌باشد. طول مرز مشترک مغان با کشور آذربایجان هم ۲۲۱ کیلومتر است.

مرز طبیعی مغان هم در شمال رودخانه آراز، در جنوب رشته‌کوه سالاوات‌داغلاری، در جنوب شرقی و قسمتی از شرق رودخانه بلغارچای^۱(بولغارچای) و در غرب رودخانه قاراسو، قاراچای یا دره اورت می‌باشد.

مغان ۵۲۶/۹ کیلومترمربع مساحت دارد که معادل ۲۹/۱ درصد مساحت استان اردبیل می‌باشد. این منطقه تا سال ۱۳۷۲ جزو استان آذربایجان شرقی بود اما با استان شدن اردبیل از ۲۲ فروردین سال ۱۳۷۲ در ترکیب این استان جای گرفت. این منطقه فعلاً سه شهرستان مهم استان یعنی شهرستان‌های پارساآباد، بیله‌سوار و گئرمی مغان را دربرگرفته و جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۵۰۵۷۴ خانوار و ۳۰۲۵۳۵ نفر بوده است.

۲- تقسیمات سیاسی مغان: همچنان که در موقعیت جغرافیایی اشاره شد منطقه مغان از زمان قاجاریه به دو قسمت تقسیم گردید. مغان ایران که مورد بحث ما در این کتاب است تا اوایل دهه ۱۳۳۰ به عنوان یکی از بخش‌های شهرستان اردبیل بود و بعدها از آن منتزع و به یکی از بخش‌های شهرستان مشکین(خیاو) تبدیل شد تا این‌که در سال ۱۳۵۵ هـ.ش با تصویب هیئت وزیران از شهرستان مذکور جدا شد و با سه بخش به مرکزیت گئرمی مغان به صورت شهرستان درآمد. بعد از این تاریخ تا مردادماه سال ۱۳۷۰ تغییراتی در تقسیمات کشوری آن دیده نمی‌شود تا این‌که در تاریخ مذکور با تصویب هیئت وزیران بخش‌های بیله‌سوار و پارساآباد هم به شهرستان تبدیل شدند. بدین صورت از سال ۱۳۷۰ در محل شهرستان مغان سه شهرستان پارساآباد، بیله‌سوار و (گئرمی) مغان موجودیت یافتند. این خطه هم‌اینک با سه شهرستان، هشت بخش، نوزده دهستان و هزاروسی و دو آبادی به عنوان یکی از حاصل‌خیزترین مناطق کشور بشمار می‌رود. برای آشنایی بیشتر به شرح مختصر هر یک از شهرستان‌های این خطه می‌پردازیم:

شهرستان پارساآباد: شهرستان پارساآباد^۱ که نام خود را از نام مهندس پارسا گرفته و امروزه گاهی به غلط به صورت پارس آباد نوشته می‌شود در شمال غرب کشور، شمال شرقی آذربایجان ایران و شمال استان اردبیل بین ۳۹ درجه و ۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی واقع است. این شهرستان قسمت پهناوری از نواحی شمالی جلگه مغان را دربرگرفته است.

پارساآباد مغان از شمال و شرق به جمهوری آذربایجان، از جنوب به بیله‌سوار و گئرمی مغان و از غرب به شهرستان کلیبر محدود می‌باشد. این شهرستان ۱۵۵۶/۷ کیلومترمربع مساحت دارد که معادل ۳۰ درصد مساحت مغان و ۸/۷ درصد مساحت استان اردبیل می‌باشد.

این شهرستان در جلگه‌ای هموار قرار گرفته و به غیر از ارتفاعات جنوبی بخش آسلاندوز که قسمتی از کوههای خوروزلوداغلاری می‌باشد، بقیه نقاط آن صاف و مسطح می‌باشد. رودخانه‌های پرآب آراز و قاراسو و نیز رودخانه فصلی قوروچای در این شهرستان جریان دارد. آب و هوای آن هم معتدل و گرم است. بارش اغلب به صورت باران صورت می‌گیرد و میزان آن سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر می‌باشد.

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبانماه سال ۱۳۷۵ شهرستان پارساآباد ۲۲۳۱۸ خانوار و ۱۳۶۳۲ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۶۳۳۲۳ نفر یعنی حدود ۴۵/۶۳ درصد در نقاط شهری و ۷۳۳۰۹ نفر یعنی حدود ۵۲/۷۴ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند.

براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ هم این شهرستان ۳۴۱۶۶ خانوار و ۱۶۶,۱۳۱ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۱۸۵۲۸ خانوار با ۸۹,۰۳۲ نفر جمعیت در شهرها و ۱۵۶۳۸ با ۷۷,۰۹۹ نفر جمعیت در روستاهای ساکن بوده‌اند.

همچنین سرشماری سال ۱۳۹۰ هم نشان می‌دهد که در این شهرستان ۴۴,۰۶۵ خانوار با ۱۷۳,۱۸۲ نفر جمعیت سکونت داشته‌اند بر اساس همین آمار از این تعداد ۲۴,۹۳۳ خانوار با ۹۶,۲۷۹ نفر جمعیت در شهرها و ۱۹,۱۳۲ خانوار با ۷۶,۹۰۳ نفر جمعیت در روستاهای سکونت داشته‌اند.

شهرستان پارساآباد حدود ۴۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی دارد که در ۱۵ هزار هکتار آن گندم، ۱۴۰۹ هکتار جو، ۱۴۹۴۰ هکتار پنبه، ۴۵۵۲ هکتار علوفه، ۴۰۳۰ هکتار چغندر قند

و ۱۴۹ هکتار دانه‌های روغنی کشت می‌شود. پرورش انواع دام و بافت انواع صنایع دستی از دیگر فعالیت‌های مردم ساکن در این شهرستان می‌باشد. وجود مجتمع عظیم کشت و صنعت مغان و پارس این شهرستان را از نظر اقتصادی حائز اهمیت فراوان نموده است.

براساس آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان پارسا آباد از سه بخش (مرکزی، آسلاندوز^۱ و تازه‌کند)، دو نقطه شهری (پارسا آباد و آسلاندوز)، شش دهستان (ساوالان، قیشلاق شمالی، آسلاندوز، قیشلاق غربی، تازه‌کند و ایران آباد) و سیصد و سی و چهار آبادی تشکیل شده است. مرکز این شهرستان، شهر پر جمعیت، آباد و زیبای پارسا آباد مغان می‌باشد که در ۴۷ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی و ۳۹ درجه و ۳۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی قرار دارد. پارسا آباد مغان ۴۰ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارد و این شهر با گثرمی مغان ۱۰۹ کیلومتر، با بیله‌سوار مغان ۵۸ کیلومتر، با اردبیل ۲۰۶ کیلومتر، با تبریز ۴۳۰ کیلومتر و با تهران ۸۱۵ کیلومتر فاصله دارد.

شهرستان بیله‌سوار: شهرستان بیله‌سوار^۲ در شمال غربی جمهوری اسلامی ایران، شمال شرقی آذربایجان و شمال استان اردبیل بین ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی واقع است. این شهرستان قسمت پهناوری از نواحی مرکزی و شرقی جلگه مغان را در برگرفته است.

شهرستان بیله‌سوار از شمال و شمال غربی به پارسا آباد، از جنوب و جنوب غربی به گثرمی مغان و از شرق به جمهوری آذربایجان محدود می‌باشد.

مرز طبیعی این شهرستان در جنوب رشته کوه خوروز لوداغلاری و رودخانه ساری قمیش و در جنوب شرق رودخانه بلغارچایی می‌باشد. هم‌چنین این شهرستان حدود ۱۹۴۵ کیلومتر مربع وسعت دارد که معادل ۳۷ درصد مساحت مغان و ۱۰/۸ درصد مساحت استان اردبیل است. غیر از کوههای کمارتفاع خوروز لوداغلاری، ناهمواری دیگری در این شهرستان به چشم نمی‌خورد. آب و هوای آن در تابستان گرم و در بقیه ایام سال معتدل و مطبوع است و

میزان بارش سالانه در بخش مرکزی ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر و در بخش قیشلاق‌دشت ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر است. بارش اغلب به صورت باران و در زمستان گاهی به صورت برف است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبانماه سال ۱۳۷۵، این شهرستان ۱۰۱۴۲ خانوار و ۵۹۵۸۴ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۱۹۱۱۶ نفر یعنی حدود ۳۲/۰۸ درصد در نقاط شهری و ۴۰۴۶۸ نفر یعنی حدود ۶۷/۹۲ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ هم این شهرستان ۱۱۷۲۴ خانوار و ۵۵,۰۲۶ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۴۷۶۸ خانوار با ۲۱۳۵۸ نفر جمعیت در شهرها و ۶۹۵۶ خانوار با ۳۳۶۶۸ نفر جمعیت در روستاهای ساکن بوده‌اند.

همچنین سرشماری سال ۱۳۹۰ هم نشان می‌دهد که در این شهرستان ۱۴۰۳۰ خانوار با ۵۳۷۶۸ نفر جمعیت سکونت داشته‌اند بر اساس همین آمار از این تعداد ۶۰۵۷ خانوار با ۲۲۸۸۹ نفر جمعیت در شهرها و ۷۹۷۳ خانوار با ۳۰۸۷۹ نفر جمعیت در روستاهای سکونت داشته‌اند.

این شهرستان حدود ۱۱۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی دارد که همه ساله در حدود ۵۲۰۰۰ هکتار گندم، ۳۱۰۰۰ هکتار جو، ۱۷۲۰۰ هکتار حبوبات، ۴۲۰۰ هکتار پنبه، ۱۰۶۳ هکتار علوفه، ۲۷۰ هکتار چندرقند و ۴۶۷۵ هکتار دانه‌های روغنی کشت می‌شود. غیر از این پرورش انواع دام توسط عشایر ایل شاهسئون و نیز بافت انواع صنایع دستی چون؛ قالی، جاجیم، گلیم، مفرش(فرمش)، ورنی و... نیز در این شهرستان رواج دارد.

براساس آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان بیله‌سوار‌مغان از دو بخش(مرکزی و قیشلاق‌دشت)، دو نقطه شهری(بیله‌سوار‌مغان و جعفرآباد‌مغان)، چهار دهستان(گوئی‌تپه، انجیرلو، قیشلاق‌شرقی و قیشلاق‌جنوبی) و ۳۵۷ آبادی تشکیل شده است.

مرکز این شهرستان شهر تاریخی و زیبای بیله‌سوار‌مغان می‌باشد که در ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی و ۳۹ درجه و ۲۲ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض شمالی قرار دارد. ارتفاع بیله‌سوار‌مغان از سطح دریاهای آزاد ۹۰ متر است و این شهر با گثرمی مغان ۵۶ کیلومتر، با پارسا آباد‌مغان ۵۸ کیلومتر، با اردبیل ۱۶۶ کیلومتر، با تبریز ۳۷۵ کیلومتر و با تهران ۷۸۹ کیلومتر فاصله دارد.

شهرستان مغان(گئرمی): شهرستان مغان(گرمی) یا به عبارت صحیح‌تر مغان(گئرمی)^۱ در شمال‌غربی جمهوری اسلامی ایران، شمال‌شرقی آذربایجان و شمال استان اردبیل بین ۴۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و ۲۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهرستان قسمت وسیعی از نواحی جنوبی جلگه زرخیز مغان را دربرگرفته است.

شهرستان مغان از شمال به شهرستان‌های بیله‌سوار و پارسا‌آباد‌مغان، از جنوب به جمهوری-آذربایجان و شهرستان مشکین، از شرق به جمهوری‌آذربایجان و از غرب به محال قاراداغ محدود است.

مرز طبیعی این شهرستان در شمال ارتفاعات خوروز‌لوداغلاری و رودخانه ساری‌قمیش، در جنوب ارتفاعات سالاوات‌داغلاری، در شرق رودخانه بلغارچایی و در غرب قاراسو(قاراچای)، دره اورت) می‌باشد. هم‌چنین این شهرستان $1725/2$ کیلومترمربع مساحت دارد که معادل 33 درصد مساحت کل منطقه مغان و $9/6$ درصد مساحت استان اردبیل می‌باشد.

این شهرستان با دو رشته ارتفاعات یکی در شمال و شمال‌غربی و دیگری در جنوب محصور شده است. در جنوب آن کوه‌های سالاوات‌داغلاری قرار دارد که از مهم‌ترین رشته‌کوه‌های شمال شرقی آذربایجان ایران می‌باشد. کوه‌های کمارتفاع ولی پرآوازه خوروز‌لوداغلاری هم از دیگر ارتفاعات مهم منطقه است که با جهت شرقی - غربی در شمال و شمال‌غربی این شهرستان قرار دارند. آب‌وهوای شهرستان مغان هم در زمستان سرد و در بقیه فصول سال معتدل می‌باشد. میزان بارش در ارتفاعات بین 400 تا 500 میلی‌متر و بیشتر به صورت باران و گاهی به صورت برف و در نواحی هموار و جلگه‌ای بین 300 تا 400 میلی‌متر و اغلب به صورت باران می‌باشد.

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، در آبان ماه سال 1375 این شهرستان 17060 خانوار و 103732 نفر جمعیت داشته که از این تعداد 28166 نفر یعنی حدود $27/07$

۱ - برای این که خوانندگان عزیز، نام‌های شهرها و روستاهای را به راحتی تلفظ کرده و دچار مشکل نشوند، ما این اسمای را بر اساس جدولی که در صفحات اول کتاب آورده شده نوشته‌ایم. در این خصوص لازم است تأکید کنیم که رعایت قانون اصوات در نوشتن کلمات تورکی حائز اهمیت فراوان بوده و عدم رعایت این قانون نه تنها موجب تغییر مفاهیم کلمات، بلکه در موقعي هم موجب ایجاد مفهوم متضاد با واژه اصلی می‌گردد، مثلاً وقتی در نوشتن نام شهر گئرمی مغان با عدم رعایت صدای حرف اول که - می‌باشد مواجه شویم لغت مورد نظر، هم می‌تواند بصورت گرمی (مکان گرم) و هم بصورت گرمی (گرم = واحد وزن) و هم بصورت گرمی (گرم [گ] غم و اندوه و زحمت سخت و گرفتگی دل و دلگیری) درآمده و مفهومی کاملاً متضاد به خود گیرد.

در صد ساکن نقاط شهری و ۷۵۵۶۶ نفر یعنی حدود ۷۲/۶۱ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند.

براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ هم این شهرستان ۱۸۷۶۶ خانوار و ۹۱۲۷۰ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۶۷۶۹ خانوار با ۳۰۷۴۹ نفر جمعیت در شهرها و ۱۱۹۹۷ خانوار با ۶۰۵۲۱ نفر جمعیت در روستاهای ساکن بوده‌اند.

همچنین سرشماری سال ۱۳۹۰ هم نشان می‌دهد که در این شهرستان ۲۱۱۹۶ خانوار با ۸۴۲۶۷ نفر جمعیت سکونت داشته‌اند بر اساس همین آمار از این تعداد ۸۰۸۹ خانوار با ۳۱۴۹۷ نفر جمعیت در شهرها و ۱۳۱۰۷ خانوار با ۵۲۷۷۰ نفر جمعیت در روستاهای سکونت داشته‌اند.

شهرستان مغان حدود ۱۱۰ هزارهکتار اراضی قابل کشت دارد که همه ساله ۲۵ هزار هکتار آن آیش و ۸۵ هزار هکتار بقیه کشت می‌شود. گندم با ۵۴ هزار هکتار، جو با ۱۶ هزار هکتار، حبوبات با ۸۱۰۰ هکتار، علوفه با ۳۵۰۰ هکتار و پنبه با ۱۲۰ هکتار از مهم‌ترین محصولات کشاورزی کشت شده سالانه در این شهرستان می‌باشد. غیر از کشاورزی، به خاطر وجود مراتع خوب و وسیع و نیز سکونت عشایر، دامداری هم در این شهرستان رواج دارد. پرورش زنبورعسل، بافت انواع صنایع دستی از دیگر فعالیت‌های اقتصادی مردم مغان می‌باشد.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان مغان از سه بخش(مرکزی، اونگوت^۱ و موران^۲)، دو نقطه شهری(گئرمی و تازه‌کند)، نه دهستان(آزادلو، اوجارود شرقی، اوجارود مرکزی، اوجارود شمالی، اوجارود غربی، اینی، اونگوت شرقی، اونگوت غربی و برزنده) و سیصد و پنجاه و دو آبادی تشکیل شده است.

مرکز این شهرستان شهر تاریخی، زیبا و دیدنی گئرمی^۳ مغان می‌باشد که در ۴۸ درجه و ۳ دقیقه و ۳۵ ثانیه طول شرقی و ۳۹ درجه و یک دقیقه عرض شمالی واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریاهای آزاد حدود ۹۰۰ متر است و با پارسا آباد مغان ۱۰۹ کیلومتر، با بیله‌سوار مغان ۵۶ کیلومتر، با اردبیل ۱۰۰ کیلومتر، با تبریز ۳۲۰ کیلومتر و با تهران ۷۳۳ کیلومتر فاصله دارد.

1 - Üngut

2 - Moran

3 - Germi

با خاطر قرار گرفتن خانه‌های مسکونی این شهر مخصوصاً در نواحی جنوبی(محله‌های قالاباشی، بولاق‌باشی(سرچشم)، عباسیه، قاراخان‌داغی، موجارا و...) بر روی هم به صورت پلکانی، این شهر منظره جالب و دیدنی بخود گرفته و نظر هر رهگذری را به خود جلب می-کند.

در شهریورماه سال ۱۳۸۲ از سوی سازمان ایرانگردی و جهانگردی استان همایشی جهت معرفی این شهر کوهپایه‌ای به ایرانگردان و جهانگردان برگزار گردید که امید می‌رود تداوم چنین برنامه‌هایی در رونق صنعت گردشگری این شهر، شهرستان و نهایتاً منطقه مغان مؤثر واقع شود.

بخش دوم

جادبه‌های طبیعی مغان

۱- ارتفاعات و قله‌ها: کوه‌ها یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری در دنیا به شمار می‌روند و به جهت این که تأمین کننده نیازهای اساسی جامعه بشری می‌باشد اهمیت زیادی برای مردم دارند و به همین علت سازمان ملل سال ۲۰۰۲ را سال کوه‌ها نامگذاری نمود. کوه و کوهستان در فرهنگ مردم ما هم جایگاه خاصی دارد. این نعمت‌های عظیم نه تنها مظاهر عظمت و قدرت الهی به شمار می‌روند بلکه مظهر تفکر و تدبیر نیز می‌باشند. کوهستان با طبیعت زیبا و پرجاذبه خود همواره روح و جسم خسته انسان را به آرامش فرا می‌خواند، به همین علت امروزه کوهنوردی یکی از بهترین و مفرح‌ترین ورزش‌ها به شمار می‌رود. با کوهنوردی می‌توانیم یک دنیا خاطره از مناظر بدیع و بکر به ارمغان ببریم. گردش در کوهستان یا کوهنوردی در سطح بین‌المللی سبب ایجاد شاخه‌ای از توریسم بنام اکوتوریسم گردیده است.

مغان هم بعنوان یک منطقه جلگه‌ای و هموار از یک طرف به دریای خزر و از طرف دیگر به ارتفاعات سالاوات داغلاری محدود است. این ارتفاعات که چون دیواری در جنوب این خطه کشیده شده‌اند بخاطر داشتن مناظر طبیعی زیبا چون جنگل‌ها، سبزه‌زارها و چمن‌زارها، غارها، یخچال‌های طبیعی و سیاحت‌گاه‌ها و شکارگاه‌ها، عامل مؤثری در جذب گردشگران به ویژه در فصول بهار و تابستان می‌باشند. این ارتفاعات در صورت همت مسئولین و ایجاد مکان‌های ورزش زمستانی می‌توانند در زمستان هم جاذب گردشگران گردند.

ناهمواری‌های منطقه مغان به دو قسمت؛ رشته‌کوه سالاوات داغلاری و رشته‌کوه خوروزلوداغلاری تقسیم شده‌اند که برای آشنایی بیشتر به شرح مختصر هر یک می‌پردازیم:

الف) سالاوات داغلاری: رشته کوه سالاوات (که به اشتباه در برخی نوشته‌ها صلوات نوشته شده) از رشته کوههای مهم شمال شرقی آذربایجان می‌باشد که از یک سو دنباله کوههای قاراداغ در شرق و از طرف دیگر دنباله کوههای تالیش در شمال می‌باشد که با جهت شمال شرقی - جنوب غربی مانند دیواری در جنوب مغان کشید شده است. این ارتفاعات با حداقل ارتفاع ۲۲۲۸ متر و به طول حدود ۷۰ کیلومتر، سرچشمۀ رودهای دائمی و فصلی بلغارچایی، سامبورچایی، اوجارلی چایی، ساری قمیش، گئرمی چایی، دیزدۀ چایی و داش دیبی چایی می‌باشد.

گردنۀ های معروف و مهم لنگان و سالاوات در این ارتفاعات قرار دارند. از قله‌های مهم این رشته کوه هم از شرق به غرب می‌توانیم؛ میروداغی، قاراجاداغی، آل‌له‌سر(الله-سر) داغی^۱، سنگرداداغی، چجل داغی، آلایلداداغی(آلیله)، شین آوارداداغی، موغان گُوروکن، یئددی قارداش، آزناداغی، ایرناواش، گنجه داغی، آلی چاپان، قاراوول داغی، قولوداغی(قibile داغی)، قوش قایاسی، لنگان داغی، قوربان داغی، آرواناداغی، ماراللی داغی، گونئی داغی، سامانلی داغی، آنزبرداداغی و... را نام ببریم که برای نمونه به شرح چهار مورد از این قله‌ها می‌پردازیم:

- میرو داغی: شرقی‌ترین قله رشته کوه سالاوات داغی(میروداغی) است که بنا به نوشته مهندس جعفری در کتاب کوهها و کوهنامه‌های ایران حدود ۱۲۵۰ متر ارتفاع دارد. دامنه جنوبی این کوه به همراه کوه قاراجاداغی سرچشمۀ رودخانه معروف و مرزی بلغارچایی می‌باشد. در گذشته نه چندان دور تمام دامنه این کوه پوشیده از جنگل بوده که متأسفانه امروزه تنها حدود ۶۰ هکتار آن باقی مانده است.

این کوه حدود یک کیلومتر با مرز ایران و جمهوری آذربایجان فاصله دارد و در جنوب شرقی شهر گئرمی مغان و در بخش موران واقع است. در دامنه جنوب غربی آن و در غرب روستای میرو مقبره امامزاده‌ای معروف به «اوجاق پیرزید» قرار دارد که مردم محل علاقه و اعتقاد خاصی به آن دارند.

- شینآوار داغی: از دیگر قلهای مهم رشته کوه سالاوات داغی در منطقه مغان کوه «شینآوار داغی» می‌باشد که با حدود ۱۹۴۶ متر ارتفاع از سطح دریاهای آزاد، در جنوب شرقی شهرگئرمی مغان و در مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارد. دامنه شمالی آن در خاک آذربایجان ایران و دامنه جنوبی در خاک جمهوری آذربایجان واقع است. وجود جنگل انبوه، مراتع غنی بیلاقی، یخچال طبیعی معروف به «بیزخانا» و نیز مکان‌های تاریخی چون قلعه اینی(اینی قالاسی)، مسجد تاریخی غریب‌هه مچید، محوطه‌های تاریخی دیگه‌بر و سوداب و گورستان‌های تاریخی در دامنه این کوه از ویژگی‌های مهم آن می‌باشد که روزانه سبب جذب دهها نفر از علاقه‌مندان مخصوصاً در بهار و تابستان می‌شود.

شینآوار داغی سرچشمۀ اصلی روختانه اوجاری چایی می‌باشد و روستای آباد و پرجمعیت اینی در دامنه آن قرار دارد. همچنین در دامنه آن چشمۀ‌های فراوان و پرآبی قرار دارند که از مهم‌ترین آن‌ها اسماعیل بولاغی، چنانگ بولاق، ساری بولاق، شهر بولاغی، تاتی بولاغی و... را می‌توانیم نام ببریم.

- موغان گُئروکن: معروف‌ترین قله رشته کوه سالاوات‌داغی موغان گُئروکن یا موغان‌داغی می‌باشد که حدود ۲۲۲ متر ارتفاع دارد. این کوه در ۷ کیلومتری جنوب شهر گئرمی مغان و در مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارد. علت نام‌گذاری این کوه به این نام، اینست که تقریباً تمام نقاط مغان به ویژه هر سه شهر مهم و قدیمی این منطقه به خوبی از آن قابل رویت هستند.

موغان داغی سرچشمۀ روختانه گئرمی چایی، یکی از شعبه‌های اصلی بلغارچایی می‌باشد. غیر از آن چشمۀ‌های پرآب و فراوانی هم، مانند قوشابولاق و ساری بولاق در دامنه آن قرار دارند. دامنه سرسبز و بیلاقی این کوه بنام بیلاقات قاراقایا و ساری بولاق محل بیلاق عشاير می‌باشد. مساحت این بیلاقات بیش از ۵۰۰ هکتار بوده و در زمرة مراتع مهم بیلاقی مغان و استان می‌باشد. همچنین یخچال طبیعی قاراقایا در دامنه آن واقع است.

- آنژیرداغی: کوه زیبا و دیدنی آنژیرداغی در قسمت جنوب غربی مغان و در بخش اونگوت بین روستاهای گلین بولاغی، کلانتر و دومولو واقع شده است. این کوه حدود ۱۹۰۵ متر ارتفاع داشته و قلعه آنژیر و محوطه دیدنی طبیعی و تاریخی گلین بولاغی در دامنه آن قرار دارند. همچنین در دامنه این کوه جنگل زیبایی وجود دارد که این کوه را برای هر بیننده‌ای جالب توجه می‌نمایاند.

ب) خوروزلو داغلاری: در شمال رشته کوه سالاوات داغلاری و تقریباً به موازات آن و با جهت شمال شرقی - جنوب غربی، رشته کوه کم ارتفاع اماً منظم و زیبای خوروزلو داغلاری قرار دارد. این ارتفاعات به طول حدود ۲۰ کیلومتر و با ارتفاع حدود ۱۱۵۰ متر از سطح دریاهای آزاد از رشته کوههای معروف شمال شرقی آذربایجان می‌باشد. اهالی معتقدند که خوروزلو داغلاری در دهه‌های گذشته محل زیست پرنده «چوْل خوروزی» (خروس کوهی، قرقاول) بوده و به همین خاطر به این نام معروف شده است. امروزه هم از این پرنده در ارتفاعات مذکور دیده می‌شود. وجود مراع غنی، رودخانه ساری قمیش و نیز زیستگاههای وحش خوروزلو، آقابابا و زئیوه (زیوه) (جین دره‌سی) و همچنین قلعه تاریخی قیزقالاسی و کاروانسرای شورگُل (شورگل) مربوط به عصر صفوی در دامنه آن سبب شده که خوروزلو داغلاری یکی از نقاط مستعد گردشگری مغان باشد. از ارتفاعات مهم این رشته کوه؛ بئژراوان (باجروان)، چینار، اییده‌لو، یام بولاغی، جahan خانیم لو و آغ بیگلر را می‌توان نام برد.

۲- شکارگاه‌ها و زیستگاههای وحش: به علت شرایط خاص طبیعی و جغرافیایی و مساعدت شرایط زیستی و ویژگی‌های خاص اقلیمی و گیاهی انواع مختلفی از حیات جانوری در مغان دیده می‌شود و شرایط مذکور این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق زیست محیطی درآورده است. در این خطه چندین زیستگاه مهم وحش توسط سازمان حفاظت محیط زیست شناسایی شده که به آن‌ها اشاره می‌نماییم (در شرح زیستگاه‌ها از کتاب شگفتی‌های سبلان استفاده شده است):

- زیستگاه آقابابا: این زیستگاه در کوههای آقابابا در روستای آقامحمدبیگل (آغ آممت بیلی) از بخش اونگوت واقع شده و ۷۰ کیلومترمربع مساحت دارد. ارتفاع زیستگاه مذکور از دریاهای آزاد حدود ۷۰۰ متر بوده و فاصله آن تا شهر گئرمی مغان حدود ۵۳ کیلومتر می‌باشد. این زیستگاه از شمال به خط الرأس کوههای آقابابا و روستاهای تکه کندی، بهمن قیشلاق و حاجی آباز قیشلاقی، از جنوب به حسین قیشلاقی، دوز قیشلاقی و یوخاری قیشلاق، از شرق به خط الرأس کوههای آقابابا و آبریز دره خوروزلو و از غرب به روستاهای باغیشلی، قویتول و دلیک داش تا جاده پارسا آباد - اردبیل محدود است. این زیستگاه محل

زیست کل، بز، گرگ، خرگوش، خوک، کبک و شماری دیگر از پرندگان دائمی و فصلی می‌باشد.

- زیستگاه خوروزلو: این زیستگاه در ۶۵ کیلومتری شمال غربی شهرگئرمی مغان و در قسمت غربی و دامنه شمالی خوروزلوداغلاری و در ارتفاع ۷۰۰ تا ۸۰۰ متری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد. مساحت این زیستگاه ۱۲۰ کیلومترمربع بوده و وحشی چون آهو، کل، بز، گرگ، روباه، خرگوش، باقری قارا و دوی داغ (هوبره) در آن زیست می‌کنند.

زیستگاه خوروزلو از شمال به جاده بورران - سربند، از جنوب به روستای تکه‌کندی و بهمن قیشلاقی، از غرب به جاده پارساآباد - اردبیل و محدوده روستاهای یوخاری بورران و یوشانلی شام و از شرق به رودخانه قوروچای و محدوده روستاهای باشکند، هاچاکند و یوخاری و آشاغا شورگؤل محدود است.

- زیستگاه موران: این زیستگاه در قسمت شرقی رشته‌کوه سالاوات داغلاری و در بخش موران قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ متر می‌باشد. این زیستگاه در فاصله ۱۷ کیلومتری جنوب شهر گئرمی مغان واقع شده و حدود ۵۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. وحشی چون گرگ، روباه، خرگوش، کبک و گاهی خوک و خرس و نیز شماری دیگر از پرندگان، این منطقه را به عنوان محل زیست خود برگزیده‌اند.

این زیستگاه از شمال به روستاهای کalan سورا، هامارکند، پرمئیر(پرمه)، آل له سر (آل سر) و شاوون، از جنوب به قله‌های رشته‌کوه سالاوات داغلاری و مرز ایران و جمهوری آذربایجان، از شرق به رودخانه بلغارچایی و مرز ایران و جمهوری آذربایجان و از غرب به شعبه غربی رودخانه اوچارلی چایی و روستاهای قوزلو و اینی محدود است.

- زیستگاه زئیوه (جین دره سی): این زیستگاه در کوههای روستای چای زئیوه از توابع بخش اونگوت شهرستان مغان و در ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهرگئرمی مغان و در ارتفاع حدود ۷۰۰ متری از سطح دریاهای آزاد واقع شده است. مساحت آن هم ۶۰ کیلومترمربع می‌باشد. آهو، کل، بز، خوک، گرگ، روباه و کبک از جمله وحشی هستند که این منطقه را مأمن زیست خود ساخته‌اند.

زیستگاه جین دره‌سی از شمال به قیشلاقات حاج الهوردی و قوردلو قیشلاقی تا سامبورچای، از جنوب به روستاهای سروآغاجی و قاراخان بیگلو و جاده جیپ رو ایلخچی، از

شرق به سامبورچای و جاده پارساآباد - اردبیل و روستاهای قاراخان بیگلو تا چای زئیوه و از غرب به روستاهای ایلخچی، کاتالو(کدخدالو)، چات قیشlagی تا قاراسو محدود است.

۳- رودخانه، چشمه، قنات و کanal‌های آبرسانی: وجود رودخانه، چشمه و قنات در هر منطقه نشان از وفور آب در آن است و هر جا که آب زیاد باشد می‌توان به آبادانی و توسعه آن هم امیدوار بود. رودخانه‌ها و چشمه‌ها از مواهب الهی هستند که در رونق گردشگری هر منطقه مؤثرند. منطقه مغان یکی از مناطق پرآب کشور می‌باشد. این خطه دارای دهها رودخانه دائمی و فصلی چون آراز، قاراسو، بلغارچای، ساری قمیش، اوچارلی چای، سامبورچای، برزنده‌چای، گثرمی چای، داش دیبی چای، قوری چای، دیزده چای و... می‌باشد که سالانه میلیون‌ها متر مکعب آب در بستر آن‌ها جریان می‌یابد.

وجود چشمه‌های فراوان و پرآب در دامنه ارتفاعات سلاوات داغی و خوروزلوداغی از دیگر مواهی هستند که به این خطه ارزانی شده‌اند.

قنات یا کهریز از دیگر منابع مهم تأمین کننده آب مردم منطقه است که به جهت طراحی ویژه دارای ارزش زیاد می‌باشند. در نواحی جنوبی مغان چندین قنات وجود دارد که از گذشته در تأمین آب مورد نیاز مردم نقش حیاتی داشته‌اند.

علاوه بر موارد فوق، کanal‌های مهم آبرسانی مغان از دیگر منابع تأمین کننده آب منطقه می‌باشند که در جذب گردشگر نیز مؤثرند.

منابع آبی مغان علاوه بر تأمین آب مورد نیاز منطقه، همه ساله پرندگان مهاجر زیادی را هم مخصوصاً برای زمستان گذرانی پذیرا می‌شوند. براساس تحقیقات به عمل آمده حدود سه چهارم از انواع پرندگان مهاجر جهان در مغان به خصوص در کناره‌های آراز، بلغارچای و قاراسو و نیز در اطراف کanal‌های آبرسانی دیده شده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت زیستی این خطه برای پرندگان مهاجر است و به همین خاطر است که از مغان به عنوان بهشت پرندگان مهاجر یاد می‌شود. برای آشنایی بیشتر با این جاذبه‌ها از هر کدام نمونه‌هایی را انتخاب کرده و توضیح می‌دهیم.

- آراز چایی: این رودخانه پرآب‌ترین رودخانه آذربایجان می‌باشد که از کوه‌های مین گؤل داغ در ترکیه سرچشمeh می‌گیرد و از حدود دهستان آشاغا چای باسار در ۴۵ کیلومتری شمال شرق ماکو وارد مرز ایران شده و در تازه‌کند حسنخانلو در مغان از مرز ایران خارج

می‌شود. جهت جریان آن از غرب به شرق بوده و بجهت مرزی بودن دارای اهمیت سوق-الجیشی خاصی می‌باشد. این رود سرانجام به دریای خزر می‌ریزد.

آراز پس از عبور از محال قاراداغ از حوالی غربی شهر آستانه وارد جلگه مغان می‌شود. طول آن در منطقه مغان ۶۷ کیلومتر بوده و آبادی‌های بسیاری را مشروب می‌سازد. میزان آبدی‌هی این رود در محل سد میل مغان هفت میلیارد و هشتاد و نه میلیون متر مکعب آب می‌باشد.

در بستر این رودخانه جزایر کوچک و بزرگ زیادی وجود دارد که برای چرای حیوانات ساکنین اطراف رودخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جزایر در محل به شام معروف هستند. هم‌چنین بر روی این رودخانه چندین سد ساخته شده که آب آن را مهار و به سوی اراضی کشاورزی هدایت می‌کنند از جمله این سدها، سد انحرافی میل مغان می‌باشد که در کنار شهر آستانه واقع شده و حدود نود هزار هکتار از اراضی زراعی منطقه را به زیر کشت آبی برده است.

- رودخانه قاراسو: رودخانه قاراسو که در مغان دره اورت و قاراچای نیز نامیده می‌شود، دوّمین رود پرآب مغان بعد از آراز می‌باشد. این رود از کوه‌های باگرو در شرق و جنوب شرقی شهر اردبیل سرچشمه می‌گیرد. جریان آن از جنوب به شمال است و حدود ۲۵۵ کیلومتر طول دارد.

این رودخانه از جنوب روستای داش زئیوه وارد منطقه مغان می‌شود و بعد از پیوستن سامبوروچای و... به آن و عبور از کنار چند روستا و قیشلاق، در کنار روستای قاراواق در نزدیکی شهر آستانه وارد می‌شود. در ایستگاه دبی سنجی بوران، دبی لحظه‌ای رودخانه مذکور ۲۱۹ متر مکعب در ثانیه و حجم جریان سالانه آن در همان ایستگاه ۵۱۲/۷۳۷ میلیون متر مکعب بوده است.

- بولغارچایی: سومین رودخانه پرآب مغان بولغارچایی می‌باشد که از کوه‌های قاراجاداغی و میرودانگی در منتهی الیه شرقی رشته کوه سالاوات داغلاری سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه حدود ۱۳۰ کیلومتر طول دارد و جریان آن ابتدا به طرف شمال و شمال غربی است و سپس قوسی زده به طرف شمال و شمال شرقی تغییر مسیر می‌دهد. بلغارچایی از سرچشمه خود تا شهر بیله‌سوار مغان که از ایران خارج می‌شود مرز مشترک کشورهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد.

سرکار خانم بهناز اسدی کیا در کتاب «جمهوری آذربایجان» سطح حوزه آبریز این رودخانه را ۲۱۷۰ کیلومتر مربع نوشته است. از شعبات بلغارچای هم می‌توانیم گثرمی چای، اوچارلی چای، ساری قمیش و داش دیبی چای را نام ببریم.

- اسماعیل بولاغی: از چشمه‌های معروف و پرآب نواحی جنوبی مغان چشمه اسماعیل بولاغی است که در دامنه کوه شین آوارداغی در روستای اینی قرار دارد. این چشمه معدنی دارای آبی سالم و گوارا بوده و به جهت قرار گرفتن در محیطی زیبا و مناسب، در کنار جنگلهای اینی، بیشتر مورد استفاده گردشگران قرار می‌گیرد. آب چشمه اسماعیل بولاغی سبب تحریک دستگاه گوارشی شده و به همین علت لحظاتی بعد از نوشیدن این آب، احساس گرسنگی به انسان دست می‌دهد. این چشمه در ارتفاعی حدود ۱۳۵۰ متر از سطح دریاهای آزاد واقع شده و میزان آبدی آن حدود ۱۸ لیتر در ثانیه و دمای آن به حدی سرد می‌باشد که نگه داشتن دست در آن، بیش از چند ثانیه غیر ممکن است.

- لنگان بولاغی: از دیگر چشمه‌های پرآب منطقه مغان لنگان بولاغی می‌باشد که در دامنه کوههایی به همان نام واقع شده و از گذشته بخشی از آب شرب اهالی شهر گئرمی مغان و برخی از روستاهای اطراف را تأمین می‌نماید.

- ساری بولاق: در دامنه کوه موغان گوروکن چندین چشمه مهم و پرآب وجود دارد که یکی از آن‌ها ساری بولاق می‌باشد. این چشمه که از بین یک لایه سنگی بیرون می‌آید، در تأمین آب شرب کوهنوردان و عشایر نقش اساسی دارد.

- قنات گوده کهریز: گوده کهریز از روستاهای مهم بخش اونگوت می‌باشد که نام خود را از نام همین قنات(کهریز) گرفته است. آب قنات موجود در این روستا علاوه بر تأمین آب شرب اهالی چندین روستا، در آبیاری اراضی کشاورزی و باگی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- قنات دامداباجا: این قنات که به قنات «سوباشی» هم معروف است از قنات‌های قدیمی و مهم استان اردبیل و منطقه مغان می‌باشد. آبی که از این قنات به دست می‌آید با میزان آبدی حدود ۱۰۰ لیتر در ثانیه علاوه بر تأمین آب شرب اهالی و آبیاری اراضی منطقه برزند، سرچشمۀ اصلی رودخانه برزندچایی هم به شمار می‌رود. روستای دامداباجا در جنوب غربی شهر گئرمی مغان و در جنوب دهستان برزند قرار دارد.

- **قنات نفت‌لو(سیدلو):** روستای نفت‌لو یا سیدلو بین روستاهای قارآگاج و قاراخان بیلی در بخش اونگوت قرار دارد. در این روستا قناتی وجود دارد که از نظر قدمت و میزان آبدهی حائز اهمیت می‌باشد. برای لایروبی و مرمت این کهربیز در سال ۱۳۷۹ مبلغ ۵۰ میلیون ریال از محل اعتبارات تبصره ۶ حوادث غیرمتربقبه شهرستان مغان هزینه شده است.

- **کanal‌های آبرسانی شرکت کشت و صنعت مغان:** احداث کanal آبرسانی در منطقه مغان برای فاریاب نمودن اراضی کشاورزی آن، به سال ۱۳۳۱ برمی‌گردد. به دنبال اجرای موفق این طرح، در سال ۱۳۳۸ کanal دیگری در منطقه احداث گردید که به کanal A معروف شد. بعد از احداث سد انحرافی میل مغان در سال ۱۳۴۹ بر روی رودخانه آراز، کanal اصلی مغان با دبی ۸۰ متر مکعب در ثانیه با جهت شرقی - غربی از آسلاندوز تا اطراف بیله‌سوار به طول ۱۶۶ کیلومتر احداث شد که حدود ۹۰ هزار هکتار از اراضی اطراف را با شبکه مربوطه آبیاری می‌نماید.

- **کanal آبرسانی بی باگی:** این کanal در دو کیلومتری شمال شهر گئرمی مغان قرار دارد و آب رودخانه گئرمی چای را به مزارع کشاورزی روستاهای پایین دست هدایت می‌نماید.

- **کanal آبرسانی سد گیلارلو:** این کanal که احداث آن در سال ۱۳۷۳ به پایان رسیده آب رودخانه‌های برزندچایی و دیزده چایی را به دریاچه سد گیلارلو انتقال می‌دهد تا مورد استفاده اهالی شهر گئرمی مغان قرار گیرد. در صورت سرریزکردن این سد قرار است که حدود ۴۰۰ هکتار از اراضی پایین دست سد هم از همین آب آبیاری شود.

۴- دره‌های منطقه مغان: دره‌ها از عناصر شگفت‌انگیز طبیعت‌اند که غالباً در اثر ساختار توپوگرافیک شکل می‌گیرند. دره‌ها و چشم‌اندازهای پیرامون آن‌ها از عناصر مهم جاذب گردشگران می‌باشند در منطقه مغان هم با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و نیز جریان چندین رودخانه، دره‌های مهم و دیدنی زیادی ایجاد شده که به شرح مختصر سه مورد از آن‌ها می‌پردازیم:

- **آنار دره‌سی:** آnar دره‌سی در جنوب غربی منطقه مغان و در غرب بخش اونگوت در قسمت جنوبی روستاهای هئزان و شورستان و در بستر رود قاراسو واقع شده و به جهت وفور درختان آnar در این دره زیبا و دیدنی به این نام معروف شده است. این دره به جهت پوشش جنگلی خوب، مخصوصاً درختان میوه جنگلی چون آnar و انجیر و نیز واقع شدن در

مسیر کوچ عشاير ساكن در قسمت‌های غربی مغان از نقاط مهم دیدنی مغان و استان اردبیل می‌باشد که متأسفانه مانند دیگر آثار دیدنی منطقه ناشناخته مانده است. توصیف زیبایی‌های این دره در فصول بهار و پاییز یعنی موقع شکوفه دادن و رسیدن درختان انار واقعاً غیرممکن می‌باشد. فیلم جنجالی «مسافران دره انار» که در خصوص زندگانی عشاير مغان تهیه شده بود و چندین قسمت آن از شبکه اول سیماي جمهوری اسلامی ایران پخش شده بود و بعدها به علت اعتراض اهالی از پخش بازماند، در همین محل تصویربرداری شده بود.

- شوله‌لر دره‌سی: شوله‌لر دره‌سی یا دره آبشارها یکی از مناظر زیبا و دیدنی طبیعی استان اردبیل و منطقه مغان می‌باشد که به طول حدود ۴/۵ کیلومتر و با جهت شمالی - جنوبی در جنوب شرقی شهرگئرمی مغان واقع شده است. این دره زیبا که شعبه خلیفه لوچای رودخانه اوجاری در بستر آن جاری است از جنوب روستای قوزلو شروع شده و تا حوالی روستای شاوون ادامه می‌یابد.

شوله‌لر دره‌سی دره عمیقی است که بریدگی‌های دیوارهای صخره‌ای آن چشم‌اندازی زیبا و ویژه به آن بخشیده است. تمام مسیر این دره روح افزا و دیدنی را فضای سرسیز و بی نظیری از انواع تک درخت‌ها و درختچه‌های نسترن و تمشک، مرانع غنی و گیاهان دارویی مختلف پوشانیده است. مشاهده زندگی جانوری این دره هم برای خود عالمی دارد. در این مسیر در طول سال روباه و خرگوش و در فصل زمستان گرگ به وفور دیده می‌شود. شیب زیاد و پستی و بلندی دره، آبشارهای کوچک و بزرگ متعددی را در آن به وجود آورده که نام شوله‌لر دره‌سی یا دره آبشارها به همین علت به آن داده شده است. این محل در بین اهالی بنام تَنگ هم شناخته می‌شود.

پیوند عناصر زیبای طبیعی در این مکان مانند درخت و درختچه‌ها، سبزه‌زارها، آب‌وهوای مناسب، صخره‌ها و آبشارها، فضای بسیار آرام‌بخشی را برای تفرج در آن فراهم آورده است. سرتاسر سال به ویژه بهار و تابستان، این دره برای بازدید علاقمندان مناسب می‌باشد. علاوه بر دهها آبشار کوچک که ارتفاعشان از یک تا پنج متر می‌رسد دیگر آبشارهای مهم و معروف آن از جنوب به شمال بترتیب؛ جوماشوله‌سی (یوخاری شوله) شوران شوله، قیزیل قایا شوله سی، گئن دره شوله‌سی و سولدوشوله سی (بویوک شوله) می‌باشند که در شرح آبشارها برخی از آن‌ها را بررسی خواهیم نمود. وجود آبشارهای زیبا در شوله‌لر دره‌سی و

صدای دلنشیں جریان آب در این دره و نیز مناظر طبیعی زیبا و زمزمه‌های پرندگان در طبیعت به همراه نسیم محلی هر رهگذری را نوازش داده و این منطقه را در نظر گردشگران حائز اهمیت نموده است.

- قوبول دره‌سی: در جنوب غربی بخش اونگوت و در یک کیلومتری روستایی بنام چینتاب(که از نظر تقسیمات کشوری امروزه در محدوده بخش هوراند قرار دارد) دره‌ای با جهت شرقی - غربی وجود دارد که از تاریخی ترین مناطق آذربایجان و ایران به شمار می‌رود. طی حفاری‌هایی که در این دره تاریخی صورت گرفته، بیش از صد مجسمه که اکثراً صورت مردان جنگی را دارند پیدا شده که بزرگ‌ترین آن‌ها ۹۰ سانتیمتر طول، ۳۰ سانتیمتر عرض و ۱۵ سانتیمتر قطر دارد. این مجسمه‌ها که در اصطلاح «استل»^۱ نام دارند به موزه آذربایجان تبریز منتقل و در آن نگهداری می‌شوند.

غیر از این در همان محل میدان هوشنگ شاه واقع شده که در اینجا هم قطعات سفال و سنگ چخماق مربوط به قرون اویلیه هزاره اول قبل از میلاد به طور پراکنده دیده می‌شود. تپه اژدهاداشی هم که در همین میدان قرار گرفته از تاریخی ترین تپه‌های کشور به شمار می‌رود.

۵- آثارها: با توجه به قرار گرفتن منطقه مغان در قسمت آب و هوایی خشک کشور که دوره گرما در این قسمت‌ها نسبت به فصل بارش طولانی است، کمتر انتظار می‌رود که آثاری در این خطه وجود داشته باشد به خصوص این‌که کوه‌ها و رودهای این منطقه نسبتاً کم‌شیب و ملایم هستند. اما با این حال مغان از این جاذبه طبیعی زیبا هم بی‌نصیب نشده و چندین آثار دیدنی در نواحی جنوبی آن و در دامنه ارتفاعات سالاوات داغی دیده می‌شوند که به شرح برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

آثارهای قوزلو: همانطوری که در مبحث قبلی(شوله‌لر دره‌سی) توضیح داده شد در هفت کیلومتری جنوب شرقی شهر گئرمی مغان و در روستای قوزلو دره‌ای زیبا به طول حدود ۴/۵ کیلومتر قراردارد که به جهت زیادی تعداد آثارها به شوله‌لر دره-سی(دره آثارها) مشهور شده است.

شوله‌لر دره‌سی با داشتن ده‌ها آبشار بزرگ و کوچک یکی از نقاط مهم و دیدنی منطقه مغان و استان اردبیل می‌باشد. این دره در شعبه قوزلو چایی یا خلیفه‌لو چایی رودخانه اوجارلی واقع شده و آثارهای مهم آن که بیش از ۵۰ متر ارتفاع دارند عبارتند از:

جـوـماـشـوـله سـی یا **يوـخـارـيـشـولـه**: این آبشار در سیصدمترا جنوب شرقی روستای قوزلو واقع شده و ارتفاع آن حدود ۱۶ متر می‌باشد. ویژگی مهم این آبشار نزدیکی به روستاست و به آسانی و با کمترین زحمت قابل دسترس و دیدن است. وجود باغات گردو در اطراف آن از دیگر ویژگی‌های مهم این آبشار محسوب می‌شود.

سـولـدـوـزـشـولـه سـی یا **بوـيـوـكـشـولـه**: مرتفع‌ترین و دیدنی‌ترین آبشار شوله‌لر دره‌سی همین آبشار می‌باشد که با ارتفاع حدود ۲۲ متر در ۳ کیلومتری شمال شرقی روستای قوزلو واقع شده است.

قـيزـيلـقـاـياـشـولـه سـی: از دیگر آثارهای مهم و دیدنی شوله‌لر دره‌سی قیزیل قایاشوله‌سی می‌باشد که در یک کیلومتری شمال شرقی قوزلو قرار دارد. این آبشار ۱۴ متر ارتفاع دارد و اطراف آن را صخره‌های تماشایی مرتفعی احاطه کرده که ارتفاع برخی قسمت‌های آن از سطح رودخانه به بیش از ۲۰۰ متر می‌رسد.

شوران شوله‌سی با ارتفاع حدود ۱۳ متر و گلن دره شوله‌سی با ارتفاع حدود ۱۲ متر از دیگر آثارهای مهم و دیدنی شوله لردره سی می‌باشد.

آـبـشـارـ روـسـتـائـيـ سـالـالـاـ: در ۵۰۰ متری جنوب شرقی روستای سالالا که در ۲۶ کیلومتری شرق شهر گئرمی مغان قرار دارد و در شرق تپه تاریخی و ثبت شده آن آبشار زیبا و مرتفعی وجود دارد که در نزد اهالی به سالالاشوله سی و ائرمنی شوله‌سی معروف می‌باشد. این آبشار در دره شعبه‌ای از داشدیبی چایی و در دامنه کوه میروداغی قرار دارد. هر چند ارتفاع زیاد و موقعیت جغرافیایی خاص، این آبشار را حائز اهمیت نموده ولی واقع شدن در دره‌ای کم آب که در اغلب فصول گرم سال بستر آن خشک می‌گردد از اهمیت آن کاسته است.

آـبـشـارـ قـارـيـ قـيشـلاقـيـ: در جنوب غرب گئرمی مغان و در ۱۵ کیلومتری غرب روستای آلاه یارلو در بخش اونگوت، قیشلاق قاری قیشلاقی قرار دارد. این قیشلاق که در غرب جاده اصلی قارآآغاج - سالاوات و در مسیر آلاه یارلو - داش زئیوه واقع شده یکی از آثارهای زیبای منطقه را در خود جای داده که حدود ۱۲ متر هم ارتفاع دارد. قرار گرفتن

این آبشار در دره‌ای تنگ با دیواره‌های قائم به ارتفاع حدود ۳۰ متر و به طول حدود ۵۰۰ متر در پایین دست آبشار از ویژگی عمدۀ آن به حساب می‌آید. دیگر آبشارهای مهم منطقه مغان عبارتند از:

- آبشار افچه: در روستای افچه، دامنه قاراجاداغ، بخش سوران شهرستان مغان
- آبشار میشیله وآلمالوی آلايلا: واقع در روستای آلايلا، جنوب شرق گئرمی مغان
- آبشار دومولو: روستای دومولو، جنوب غربی بخش اونگوت شهرستان مغان
- آبشار مصنوعی قیرخ پیلله (چهل پله) پارساآباد: شهرک شهید غفاری مغان

۶- دریاچه‌ها و تالاب‌ها: در مغان چند دریاچه طبیعی کوچک ولی دیدنی وجود دارد و علاوه بر این‌ها بستن سد بر روی رودخانه‌های جاری منطقه سبب ایجاد دریاچه‌های زیبایی در پشت سدها شده که این دریاچه‌ها به جهت موقعیت و اهمیت خاصی که دارند از نقاط مهم جذب توریست بشمار می‌روند. دریاچه‌های مهم مغان عبارتند از:

دریاچه سد میل مغان: به دنبال موافقتنامه‌ای که در سال ۱۳۴۲ به منظور همکاری‌های فنی و اقتصادی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران به امضاء رسید، بند انحرافی میل مغان با هزینه مشترک این دو کشور در ۲۵۰ کیلومتری سد ذخیره‌ای قیزیل قیشلاق و سه کیلومتری غرب شهرآسلاندوز مغان بر روی رود آراز احداث شد. ساختمان سد در سال ۱۳۴۴ شروع و سال ۱۳۴۹ به پایان رسید.

برخی از مشخصات سد چنین است: طول کلی سد ۲۹۸۰ متر، طول متوسط دریاچه ۴۰۰۰ متر، ارتفاع تاج سد از بستر طبیعی رودخانه ۸/۵ متر، دبی کanal‌های ساحل راست و چپ هر کدام حدود ۸۰ مترمکعب در ثانیه.

دریاچه سد گیلارلو: در سه کیلومتری شمال غربی شهرگئرمی جهت تامین آب شرب اهالی شهر مذکور سد گیلارلو احداث گردیده است. این سد خاکی که آب آن از طریق کanalی از رودخانه‌های بزرگ و دیزده چایی تأمین می‌شود از مهم‌ترین سدهای موجود در منطقه مغان می‌باشد.

سال شروع احداث آن ۱۳۶۹ و سال بهره‌برداری از آن ۱۳۷۴ می‌باشد و برخی از مشخصات آن چنین است: گنجایش مخزن سد ۸/۵ میلیون مترمکعب، ارتفاع سد ۲۵ متر، طول تاج سد ۹۳۰ متر، توانایی آبدهی ۲۷۰ لیتر در ثانیه.

فالغانلی گؤل: در روستای خانکندی، جنوب غرب شهر گئرمی مغان.

شورگؤل: دامنه کوههای خوروزلو، روستای شورگؤل بیل‌سوار مغان.

آواس گؤلولو: روستای آواس(حوال)، بخش مرکزی شهرستان گئرمی مغان.

قارایاتاق گؤلولو: منطقه گؤل هاماری، روستای قارایاتاق بخش موران گئرمی مغان.

تالاب‌های مغان: تالاب‌های منطقه مغان که در اطراف رودخانه‌های آزار، قاراسو و بولغارچای واقع هستند به جهت پذیرش انواع پرندگان، یکی دیگر از مراکز مهم جذب گردشگر به خصوص شکارچیان محسوب می‌شوند. روزنامه همشهری در صفحه هفتم شماره ششصد سال سوم در مقاله‌ای در این خصوص چنین می‌نویسد: «تنوع گونه‌های پرندگان کوچنده در تالاب‌های مغان این منطقه را به عنوان یکی از اصلی‌ترین زیستگاه‌های پرندگان کوچنده در سطح کشور مطرح می‌کند. وجود گونه‌های بومی و مهاجرت پرندگان کوچنده به این منطقه باعث شده تا از دشت [جلگه] مغان به عنوان بهشت پرندگان کوچنده یاد شود».

۷- یخچال‌های طبیعی و غارها: در ارتفاعات سالاوات داغی چندین یخچال طبیعی وجود دارد. این یخچال‌ها در محل به «بیزخانا» معروفند و در گرم‌ترین ایام سال هم در آن‌ها یخ وجود دارد. مردم منطقه، چند دهه قبل یعنی زمانی که هنوز استفاده از نیروی برق رایج نبود و یخچال‌های خانگی وجود نداشتند یخ مورد نیاز بیماران را از این یخچال‌ها تأمین می‌کردند. غیر از این یخچال‌ها در ارتفاعات منطقه غارهای زیاد و زیبایی وجود دارد که برخی از نظر تاریخی حائز اهمیت می‌باشند. یخچال‌های طبیعی و غارهای مهم منطقه عبارتند از:

یخچال طبیعی اینی: واقع در کوه شین آوار در جنوب روستای اینی و در ۱۳ کیلومتری جنوب شرقی شهر گئرمی مغان.

یخچال طبیعی قارا قایا: واقع در ییلاقات کوه موغان گوروکن در جنوب روستای چلک و جنوب شرقی شهر گئرمی مغان.

غارها و تونل‌های تاریخی موجود در بیل‌سوار از جمله روستای پتلقان.

غار آلايلا: واقع در کوه لونج در روستای آلايلا در جنوب شرق شهر گئرمی مغان.

غارهای روستای قوزلو: واقع در ارتفاعات آغداش، جوما و کوهول لو داش در قوزلو، ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.

غار آبازآللیلی: روستای آبازآللیلی (عباسعلیلو)، جنوب شهر تازه کند اونگوت.

۸- جنگل‌های طبیعی و مصنوعی مغان: وجود جنگل علاوه بر آثار مثبتی که در سالم-سازی هوا و محیط زیست دارد در رونق گردشگری نیز بسیار مؤثر است. متأسفانه از چندین هزارهکتار جنگلی که در دهه‌های گذشته در ارتفاعات منطقه وجود داشته امروزه تنها حدود ۱۲۵۰ هکتار باقی مانده و کاهش وسعت جنگل‌ها بیشتر در نتیجه استفاده بی‌رویه روستاییان از چوب آن به صورت سوخت و نیز قطع درختان برای استفاده در خانه‌سازی و چراندن حیوانات در آن‌ها و نیز کم توجهی مسئولین در دهه‌های گذشته بوده است. جنگل‌های مغان که مجموعاً به حدود ۲ هزارهکتار بالغ می‌شود بیشتر در دامنه ارتفاعات سالاوات داغلاری و کنار رودهای آراز و بولغارچایی پراکنده‌اند. از درختان مهم جنگلی مغان می‌توان بلوط، ممرز، ولیک، ارس، بنه، افرا، آلوچه وحشی، فندق، انجیر، انار، زبان گنجشک، انواع بید، کاتالپا، سرو، ارغون، تبریزی و درختچه‌های نسترن و تمشک را نام برد. محدوده‌های مهم جنگلی منطقه مغان عبارتنداز:

جنگل‌های طبیعی دامنه کوه میروداغی در جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.

جنگل‌های طبیعی دامنه کوه قاراجاداغی در جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.

جنگل طبیعی دامنه شمالی کوه الله سرداغی در شرق شهرگئرمی مغان.

جنگل طبیعی دامنه کوه شین آوار اینی در جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.

جنگل طبیعی دامنه کوه کالانتر در جنوب غربی بخش اونگوت.

جنگل طبیعی دامنه کوه خوروزلو، اطراف روستاهای میللی، سیدلر و چینار.

جنگل مصنوعی اطراف رودخانه بولغارچایی در شهر بیله‌سوار مغان که توسط شهرداری کاشته شده است.

جنگل طبیعی و مصنوعی اطراف رودخانه آراز در محدوده شهر پارسا آباد مغان.

جنگل طبیعی دامنه غربی الله سرداغی در شرق روستای شاوون و جنوب شرق گئرمی مغان.

۹- درختان دیرزیست: درختانی که چند صد سال قدمت دارند جزو درختان دیرزیست به شمار می‌روند. در منطقه مغان هم با توجه به شرایط مساعد آب و هوایی باگداری از زمان‌های قدیم معمول بوده و درختانی از همین باغات قدیمی تا به حال باقی مانده‌اند که جزو درختان دیرزیست منطقه به شمار می‌روند. این درختان که در نقاط مختلف مغان به ویژه آبادی‌های جنوبی پراکنده‌اند، به شدت نیازمند ثبت در آثار ملی کشور و حفاظت و مراقبت هستند. برخی از درختان دیرزیست منطقه مغان عبارتند از:

درخت دیرزیست چinar: یکی از درختان دیرزیست منطقه، درخت چناری است که در روستای چینار در بخش اونگوت شهرستان(گئرمی) مغان قرار دارد. این درخت دیرزیست که اهالی منطقه آن را مقدس می‌شمارند دست کم هفت‌صد سال عمر دارد و روستای چینار که امروزه تقریباً خالی از سکنه شده نام خود را از همین درخت گرفته است.

درختان دیرزیست روستای قوزلو: روستای قوزلو به خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه و آب و هوای خوب و مساعد یکی از روستاهای مهم باغی منطقه است که در ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان قرار دارد. در این روستا چندین درخت دیرزیست گردو وجود دارد که قدمت برخی از آن‌ها دست کم به ۵۰۰ سال پیش می‌رسد. این درختان دیدنی و زیبا که هر کدام حدود ۵۰ مترارتفاع دارند نیازمند شدید محافظت، مراقبت و ثبت در فهرست آثار ملی کشور می‌باشد.

درخت دیرزیست گردوی روستای تولئیر: تولئیر روستای کوچکی است که در ۷ کیلومتری جنوب غربی شهرگئرمی مغان قرار گرفته است. در این روستا درخت گردوی دیرزیستی با حدود سیصد سال قدمت وجود دارد.

۱۰- باغات منطقه: به سبب مردمانی پرتلاش، آب فراوان، خاک مساعد و شرایط خوب آب و هوایی، در منطقه مغان باغات فراوانی ایجاد شده که از زمینه مساعدی برای جذب گردشگر برخوردارند. وسعت باغات منطقه با احتساب باغات شرکت کشت و صنعت مغان حدود ۵۰۶۰ هکتار برآورد می‌شود که سالانه از آن‌ها حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار تن میوه به دست می‌آید. باغات مهم منطقه مغان به قرار زیر هستند:

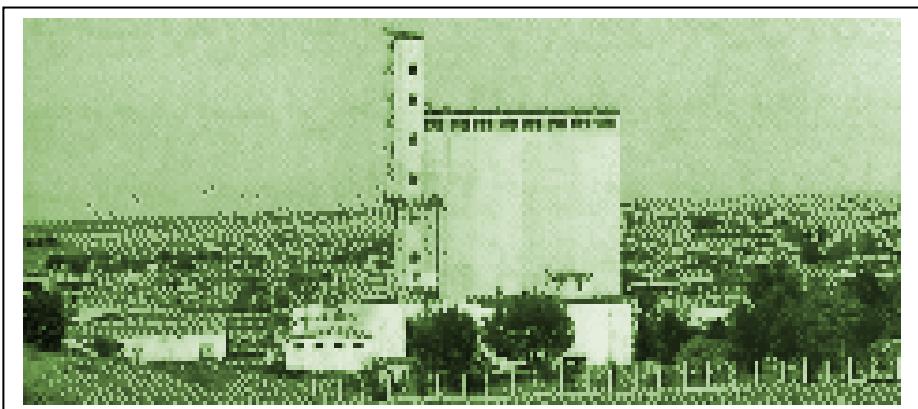
باغات شرکت کشت و صنعت مغان: بزرگ‌ترین مجتمع بازداری خاورمیانه در سطح بیش از ۲۵۶۰ هکتار از اراضی شرکت کشت و صنعت مغان در شهر پارسا‌آباد مغان قرار دارد. این باغات که با سیستم آبیاری قطره‌ای آبیاری می‌شوند شامل سیب، گیلاس، هل، شلیل، آبلو، فندق و گردو می‌باشد و در سال‌های اخیر کشت زیتون نیز بر آن افزوده شده است. واحد باغبانی به خاطر استفاده از روش‌های علمی در این باغات تا حال موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده از جمله در سال ۷۱ تا تولید ۱۱ تن گیلاس در هر هکتار مقام اول را در کشور کسب کرده بود. سالانه از باغات شرکت حدود ۲۰ الی ۲۴ هزار تن انواع میوه برداشت می‌شود که مقدار زیادی از آن به کشورهای حوزه خلیج فارس و قفقاز صادر می‌شود.

باغات اطراف رودخانه قاراسو: در اطراف رودخانه قاراسو (دره اورت) و با استفاده از آب این رودخانه باغات زیادی ایجاد شده که قسمت مهمی از آن در محدوده روستاهای هئزان و شورستان در بخش اونگوت قرار دارد. این باغات که اکثر درختان آن‌ها را انار و انجیر تشکیل می‌دهد از نظر وسعت و میزان محصول تولیدی مقام شایسته دارند.

باغات اطراف سامبورچایی: در کنار رودخانه سامبورچای باغات زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها در محدوده روستاهای پیرلو، قوزلو و... واقع شده است. دیگر باغات مهم منطقه مغان عبارتند از:

باغات روستای بی باغی (بگ باغی): ۳ کیلومتری شمال شرقی شهرگئرمی مغان
 باغات شلیل روستای آزادلی: در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی شهرگئرمی مغان
 باغات گردوی روستای قوزلو: واقع در ۷ کیلومتری جنوب شرقی گئرمی مغان
 باغات روستای آلايلا: واقع در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان
 باغات روستای بئل داشی: واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی شهرگئرمی مغان
 باغات روستای تنگ: واقع در ۳ کیلومتری جنوب شهرگئرمی مغان
 باغات روستای چالای (چلک): واقع در ۵ کیلومتری جنوب شرق شهرگئرمی مغان
 باغات روستای آوسوران (افسوران): ۳۵ کیلومتری جنوب شرق شهرگئرمی مغان
 باغات روستای تپه: واقع در ۱۸ کیلومتری جنوب شرق شهرگئرمی مغان
 باغات داخل شهر گئرمی مغان از جمله محله الله دره (جنوب شرقی این شهر)

۱۱- کشتزارهای گندم و جو: منطقه مغان به جهت وجود خاک حاصلخیز و آب فراوان یکی از مناطق غله‌خیز کشور به حساب می‌آید و به خاطر اهمیت این خطه در تولید گندم و جو از آن به نام انبار غله آذربایجان یاد می‌شود. وجود کشتزارهای پهناور گندم و جو از دیگر جاذبه‌های این خطه می‌باشد. علاوه بر گندم و جو در این خطه زرخیز کشتزارهای وسیع پنبه، بنشن و نیز برخی دانه‌های روغنی نیز وجود دارند که نظر هر رهگذری را به خود جلب می‌کنند.



سیلوی بتني ۸۰۰۰ تنی، شهر جعفرآباد مغان

بخش سوم

جادبه‌های تاریخی مغان

۱- قلعه‌ها و دژها: برای جلوگیری از هجوم بیگانگان به حریم دیار مغان در ارتفاعات منطقه، قلعه‌های زیاد و زیبایی بنا شده اند که اغلب جنبه دفاعی دارند. در مناطق پایکوهی و هموار و جلگه‌ای منطقه هم قلعه‌هایی وجود دارند که اغلب یا برای گردآوری لشکر مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و یا به صورت آتشکده بوده‌اند که بعدها به نام قلعه معروف شده‌اند. به هر حال این نوع بناها امروزه با سابقه تاریخی که دارند در مناطق کوهستانی و جلگه‌ای مغان پراکنده‌اند. مهم‌ترین قلعه‌های منطقه عبارتند از:

اینی قالاسی: در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان و در روستای اینی در بالای قله‌ای که شبی نندی دارد محوطه‌ای وجود دارد که به وسیله دیوارهایی محصور شده و داخل آن حوض‌های آبی خودنمایی می‌کنند و زمین آن پر از آهک، کچ و برخی مصالح ترکیبی دیگر است. درباره این محل که مردم منطقه سال‌هاست بنام قلعه می‌شناسند اطلاعات زیادی در دست نیست و هیچ کار باستان‌شناسی در آن انجام نگرفته است. تنها نقل و قول درباره آن این است که بابک خرمدین ایام زیادی را در این قلعه با خلفای ستمگر عباسی به نبرد پرداخته و نیز این که در دامنه آن شهر بزرگی وجود داشته (که آثار آن امروزه هم باقی است) و قلعه مذکور، مربوط به این شهر بوده است.

قلعه اینی دارای ۳ حوض آب بوده که عمق شان از ۲/۴۰ متر و طول و عرض هر کدام به ترتیب، حوض شرقی $۳/۵۰ \times ۴/۲۰$ متر، حوض غربی $۳/۲۰ \times ۸/۰$ متر و حوض وسط $۴/۲۰ \times ۲/۳۰$ متر می‌باشد. در اطراف قلعه به مقدار زیادی سنگ‌های تراشیده، ملات ساروج، سفال‌های ساده و لعابدار شکسته، تکه‌های آجر و... پراکنده‌اند و در سمت جنوب غربی آن آثار زندگی انسان‌های اویلیه که خانه‌هایشان توسط لایه‌های بزرگ سنگی به صورت اتفاقی ساخته شده بوده و به دولمن معروف‌نده دیده می‌شود که متأسفانه در سال‌های اخیر مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. اطراف قلعه را پرتگاه‌های صعب‌العبور احاطه کرده و فقط از

یک راه باریک می‌توان به آن وارد شد. این قلعه از نظر شکل ظاهری به قله «جُمهور» کلیبر شباهت زیادی دارد.

اولتان قالاسی: این قلعه در جوار روستای قدیمی و تاریخی اولتان(آلتان) در شهرستان پارساآباد مغان واقع و به شماره ۲۶۵۴ در فهرست آثار تاریخی ثبت گردیده است. آقای سیدجمال ترابی طباطبائی درباره این قلعه در صفحه ۶۶۳ و ۶۶۴ کتاب آثار باستانی آذربایجان چنین می‌نویسد: قلعه اولتان در ۵۰۰ متری روستای اولتان، کنار رودخانه ارس قرار دارد و در زمینی صاف به ابعاد 400×800 متر بنا گردیده است. دور تا دور این قلعه را دیوار بزرگ خشتی به قطر $5/92$ متر احاطه کرده و آثار خندق بزرگی به عرض ۳۰ متر که سه سمت آن را فرا گرفته، دیده می‌شود. جبهه شمالی آن رود ارس و روستای اولتان در قسمت جنوبی این قلعه است. وضع ظاهری ساختمان مانند قلعه نظامی است، از روی برشی که قبلًا به وسیله بولدوزر در دیوار شرقی قلعه ایجاد شده توانسته‌اند قطر دیوار و اندازه خشت‌های به کار رفته ($41 \times 41 \times 10$ تا $44 \times 44 \times 44$ سانتی‌متر) را مشخص کنند. بانیان نخستین قلعه اشکانیان بوده‌اند ولی به واسطه استحکام و موقعیت مناسبی که داشته تا قرن دوازدهم هجری از آن استفاده شده و سفال‌های متعددی که در نتیجه کمانه زنی به دست آمده موید این نظر است. سفال‌های بی‌نظیر و متنوع دوره‌های مختلف قلعه اولتان، در خور توجه و شایان اهمیت است.

قیز قالاسی: در ۱۵ کیلومتری شمال شهرگئرمی مغان و در روستایی بنام قیزقالاسی قلعه‌ای به همین نام وجود دارد که بانیان آن اشکانیان بوده‌اند، هر چند به خاطر تعمیر و مرمت آن در دوره ساسانیان این قلعه را به دوران اشکانی و ساسانی منسوب می‌دانند. این قلعه به شماره ۶۲۹ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده است. مصالح به کار رفته در آن قلوه سنگ و ملات ساروج می‌باشد و در حال حاضر دو برج و دیوارهایی به ارتفاع دو تا سه متر از آن باقی مانده ولی فرسایش روز به روز از ارتفاع آن می‌کاهد و نیاز شدید به مرمت و بازسازی دارد.

برزند قالاسی: این قلعه در روستایی به همین نام در منطقه برزنده مغان و در دامنه ارتفاعات سالاوات داغی در کنار رودخانه برزندچایی بنا شده و به دوران اشکانی مربوط است. برزند قالاسی در هنگام جنگ بابک با اعراب یکی از قلعه‌های اصلی استقرار نیروهای بابک بوده که بعدها به دست آخشین(افشین) فتح شده است.

دیوارها و برج‌های آن تا زمان ناصرالدین شاه قاجار باقی بوده که در این سال‌ها یکی از حکام محلی به نام حسنعلی‌ژنرال که حاکم مناطق اردبیل، مشکین و مغان بوده برای مقابله با اشرار و کنترل عشایر منطقه به فکر بازسازی این قلعه می‌افتد و آن را از نو می‌سازد از این زمان، مدتی به قلعه ژنرال یا جنرال تغییر نام پیدا می‌کند. اما حوادث ایام دوباره کمر او را خم کرده و قسمت‌های اعظم آن را ویران می‌سازد. هم‌اینک دیوارهایی به ارتفاع یک تا دو متر از این قلعه باقی است که نیاز به مرمت و بازسازی دارد.

دیگر قلعه‌های منطقه عبارتند از:

بئل سویوقالاسی یا سامبورقالاسی: روستای بئل سویو اونگوت، دوره اشکانی.

اوغلان قالاسی و قیزقالاسی: روستای دومولو اونگوت، قرون اول اسلامی.

دئوقالاسی: واقع در ارتفاعات شرقی شهرگئرمی مغان در محل معروف به زینه گونئی یا ساپاندداشی مربوط به دوره اشکانی.

چای زئیوه قالاسی: روستای چای زئیوه، بخش اونگوت، دوره قاجاریه.

داش زئیوه قالاسی: روستای داش زئیوه، بخش اونگوت (هزاره اول و دوم ق.م).

قالابوینیو یا هود قالاسی: روستای دیزده بخش مرکزی گئرمی مغان.

گیلدئیمان قالاسی: روستای پشگه (پشتکوه)، بخش اونگوت، قرون اول اسلامی.

ماراللو قالاسی: واقع در کوه ماراللو و در کنار روستایی به همین نام در جنوب غربی شهرگئرمی مغان مربوط به قرون اول اسلامی.

قیزیل قایا قالاسی و عرب سنگری: واقع در روستای قوزلو بخش مرکزی شهرستان گئرمی مغان، مربوط به قبل از اسلام و قرون اول اسلامی.

آنزیر قالاسی: واقع در ارتفاعات حد فاصل روستای کنده، دومولو، گلین بولاغی و کلانتر، جنوب غرب بخش اونگوت مربوط به قرون اول اسلامی و



قسمتی از دیوارهای برزند قلاسی

۲- اوجاق‌ها و اماکن مذهبی: در منطقه مغان به زیارت‌گاه‌ها و اماکن مقدس قدیمی اوجاق گفته می‌شود. مقابر امامزاده‌ها و مساجد قدیمی زیادی هم در منطقه وجود دارد که هر یک می‌توانند در صورت توجه مسئولان در رونق گردشگری منطقه مؤثر واقع شوند. برخی از اوجاق‌ها و اماکن مذهبی مغان عبارتنداز:

اوجاق برزند: اوجاق برزند در روستای قلابرزند واقع و در بین اهالی به برزند اوجاقی و سیحالاغ اوجاغی معروف می‌باشد. قبر به امامزاده محمدبن محمدحنفیه مربوط بوده و نوع بنای قدیمی مقبره حکایت از تعمیر و مرمت آن در دوره صفویه دارد. قسمتی از ساختمان قدیمی مقبره فرو ریخته و در حال ویرانی بود که خوشبختانه در سال‌های اخیر به شکل مناسبی بازسازی گردید.

اوجاق آلازار: «آلازار» یا «آلزرا» روستایی است که در هفت کیلومتری شرقی شهر گئرمی مغان قرار دارد. در این روستا و در گوشه مسجد فعلی آن قبری وجود دارد که به اعتقاد اهالی متعلق به یکی از امامزاده‌هاست. مردم منطقه اعتقاد خاصی به آن داشته و به ویژه در دهه‌های گذشته نذورات زیادی برای آن می‌آورده‌اند.

اوجاق میرو: در روستای میرو در دامنهٔ غربی کوه میروداغی، بخش موران مقبره‌ای وجود دارد که اهالی امامزاده «پیرزید» می‌نامند. ساختمان مقبره بین مردم به «الله الله» معروف بوده و با این‌که خراب شده هنوز هم به همین نام نامیده می‌شود. مردم اعتقاد خاصی به آن داشته و دارند. این مقبره متأسفانه در دهه‌های گذشته مورد تجاوز قرار گرفته و آسیب دیده است.

مقبره سید نجفقلی: این مقبره در روستای شاوون در شرق شهر گئرمی مغان قرار دارد و مربوط به امامزاده‌ای بنام سید نجفقلی می‌باشد که در اثر جنگ با اژدرمار بزرگی که مزاحم مردم محل می‌شده و به «چاین» معروف بوده و در اثر نیش آن به شهادت رسیده است. این مقبره از قدمت و احترام زیادی برخوردار بوده و مردم روستاهای اطراف از خاک آن برای تبرک و جلوگیری از مارگزیدگی با نام «کیمه» استفاده می‌نمایند.

مقبره میر عطاء: در کنار قاراسو و در روستای کوچک مسجدلو(بخش اونگوت) مقبره‌ای وجود دارد که اهالی احترام خاصی به آن قائلند. این مقبره به فردی بنام میر عطاء(میر آتا) فرزند میر محram منسوب است.

مسجد غربیان: این بنای مقدس در جنوب شرق گئرمی مغان و شرق روستای اینی قرار دارد. قدمت آن بیش از ۲۰۰ سال بوده و در طول ایام سال، به ویژه محرم پذیرای هزاران نفر از عاشقان ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌باشد. حضور دستجات زنجیرزنی روستاهای اطراف در روز ششم ماه محرم در این مسجد فضای معنوی خاصی را می‌آفریند. دو مسجد دیگر هم با همان نام و ویژگی در شهرستان‌های بیله‌سوار و پارسا آباد مغان وجود دارد.

دیگر اوجاق‌ها و اماکن مذهبی منطقه مغان عبارتند از:

اوجاق روستای اوجاق قیشلاغی؛ واقع در روستای اوجاق قیشلاغی، ۲۰ کیلومتری شمال غربی گئرمی مغان، دامنه جنوبی خوروز لوداغی.

اوجاق چای گئرمی؛ واقع در چای گئرمی، ۲ کیلومتری شمال شهر تازه‌کند اونگوت.

اوجاق اینی؛ واقع در تپهٔ شرق قبرستان اینی، جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.
اوجاق روستای کول تپه؛ واقع در روستای کول تپه در بخش آسلامدوز مغان.
اوجاق دریامان؛ واقع در روستای دریامان، ۵ کیلومتری جنوب غرب گئرمی مغان.
اوجاق یئل سویو؛ واقع در غرب روستای یئل سویو، بخش اونگوت مغان.
مسجد بابا حمزه؛ واقع در روستای تاریخی رامازانلی (رمضانلو) بخش موران.
مقبره ده ماسید(دده مقصود) واقع در روستای داش زئیوه، بخش اونگوت مغان.
مقبره آیت‌الله شیخ حبیب‌الله قارادونلو؛ در روستای پیرلو، بخش اونگوت مغان.
مقبره مرحوم آقا میرعزیز؛ واقع در قبرستان محله هلال احمر شهرگئرمی مغان.
مقبره مرحوم سید علیش؛ واقع در قبرستان شهرستان پارسا آباد مغان.
مقبره میربویوک آقا و میربهمن موسوی؛ واقع در روستای ایزمار، ۵ کیلومتری شرق
شهرگئرمی مغان.

۳- گورستان‌های قدیمی: حضور اقوام مختلف در طول تاریخ در منطقه مغان سبب به وجود آمدن صدها گورستان تاریخی مربوط به اقوام و طوایف مختلف گردیده است. این گورستان‌ها از قله‌های ارتفاعات سالاوات داغی در جنوب مغان تا سواحل رودخانه آراز در شمال مغان پراکنده هستند. برخی از گورستان‌های تاریخی منطقه عبارتند از:

گورستان آسلامندوز: در اطراف شهر آسلامندوز مغان گورستان‌هایی وجود دارند که قدمت‌شان به هزاره اول پیش از میلاد مربوط می‌شود. این گورستان‌ها در روستاهای قیشlagات افچی، کارلار، گندایلو، قولی بیلو و... قرار دارند و تحت نام عمومی گورستان‌های آسلامندوز مغان از آن‌ها یاد می‌شود.

گورستان سیدلر: در روستای سیدلر در بخش موران شهرستان مغان گورستانی وجود دارد که به هزاره اول پیش از میلاد منسوب است از این گورستان که متأسفانه از معرض تجاوز و حفاری قاچاقیان در امان نمانده قالب‌های آجری منقوش و زیبایی به دست آمده است.

گورستان آلايلا: در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر گتمی مغان و در روستای آلايلا قبرستانی وجود دارد که سنگ قبرهای متنوع آن از نظر شکل، جنس و نوشههای متعدد جالب توجهاند. علاوه بر خطوط عربی در روی پرخی از سنگ قبرهای آن، نقوش هندسی و

خط کشی‌های زیبا و تصاویری چون ظروف خانگی و... در آن‌ها دیده می‌شود. برخی از آن‌ها متأسفانه در سال‌های اخیر غارت شده و بقیه هم در معرض غارت شدن هستند.

مقابر سربازان گمنام: در شهر بیل‌سوار مغان و در مرز این شهر با جمهوری آذربایجان گورستانی وجود دارد که بنام گورستان سربازان گمنام و گورستان شهدای جنگ جهانی دوم معروف می‌باشد. این گورستان مربوط به شهدای غائله شهریور سال ۱۳۲۰ در جریان جنگ جهانی دوم می‌باشد که در اثر حمله روس‌ها جهت اشغال ایران به دست آن‌ها شهید شده و در این محل به خاک سپرده شده‌اند.

دیگر گورستان‌های مهم مغان: از دیگر گورستان‌های مهم تاریخی مغان می‌توانیم، گورستان آغاجاران بخش قیشلاق دشت مربوط به هزاره اول قبل از میلاد و ثبت شده به شماره ۶۲۳۶، گورستان دیگه بر در حد فاصل روستاهای اینی و قوزلو، گورستان روستای داش زئیوه، گورستان‌های ممیش و چیرچیر قوزلو، گورستان سالالا و... را نام ببریم.

در کاوش باستانی گورهای نواحی جنوبی مغان، سه نوع ساختمان مقبره که نماینده چهار دوره استقرار و حیات مادی در منطقه مغان می‌باشد مشاهده شده که با خاطر اهمیت این مبحث و جهت آشنایی به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

گورهای نوع اول (۵۷ ق.م تا اوایل سده اول میلادی): این نوع گورها از سنگ‌های تخته‌ای و قلوه‌ای بسیار بزرگ به صورت مکعب و مستطیل ساخته شده و عموماً در عمق ۱/۵ متر از سطح زمین حفر شده‌اند. طول مقبره ۲ تا ۵/۲ متر، عرض آن ۱ تا ۵/۱ متر و ارتفاع آن هم تا ۵/۱ متر می‌باشد. سر مقبره‌ها توسط سنگ‌های ورق آهکی بزرگ مسدود شده است. این گورها کف‌بندی و بوسیله قیر معدنی محکم و نفوذ ناپذیر شده‌اند. در یک ضلع عرضی مقبره، محفظه‌ای سنگی تعییه شده که به وسیله دریچه‌ای به مقبره اصلی منتهی می‌شود این محفظه‌ها در ضلعی ساخته شده‌اند که به پای مرده ختم می‌شود و در آن انواع ظروف سفالی معمول آن زمان چون کاسه، کوزه و جام شراب برای مصارف مرده به صورت هدیه، قرار داده شده است. در کنار اسکلت برای دفاع از اجنه و شیاطین و یا دشمنان، اسلحه معمول زمان چون خنجر، شمشیر، گرز و وسایل زینتی مانند گردنبند، گوشواره، انگشتر و در صورتی که مرده زن بوده وسایل آرایشی چون سرمه دان، سمه جوش، هاون‌های و بیژه خرد کردن مواد رنگی آرایش، آبینه، وسایل طبخ و پخت و پز و نیز انواع دوک‌های

پشم‌ریسی گذاشته شده است. در یک سری از این گورها، سکه «ارد» پادشاه اشکانی و در برخی سکه فرهاد چهارم پیدا شده است.

گورهای نوع دوم(۵۱ تا ۴۰ میلادی): در این دوره هنوز ساختمان قبرهای سنگی معمول بوده و کاملاً متروک نشده و از خمره‌های بزرگ و کوچک هم جهت دفن استفاده می‌شده است. خمره‌ها آجری رنگ و سخت ساخته می‌شده‌اند و سفالشان خوب پخته شده و دارای خمیر قرمز رنگ بوده‌اند. اندازه تعدادی از این گورها چنین است؛ بزرگ‌ترین آن‌ها دارای ۱/۸۰ متر طول و ۱/۲۰ متر قطر شکم و ۶۵ سانتی‌متر قطر دهانه و کوچک‌ترین آن‌ها که خمره مخصوص کودکان بوده ۹۰ سانتی‌متر طول، ۵۶ سانتی‌متر قطر شکم و ۳۰ سانتی‌متر قطر دهانه دارند.

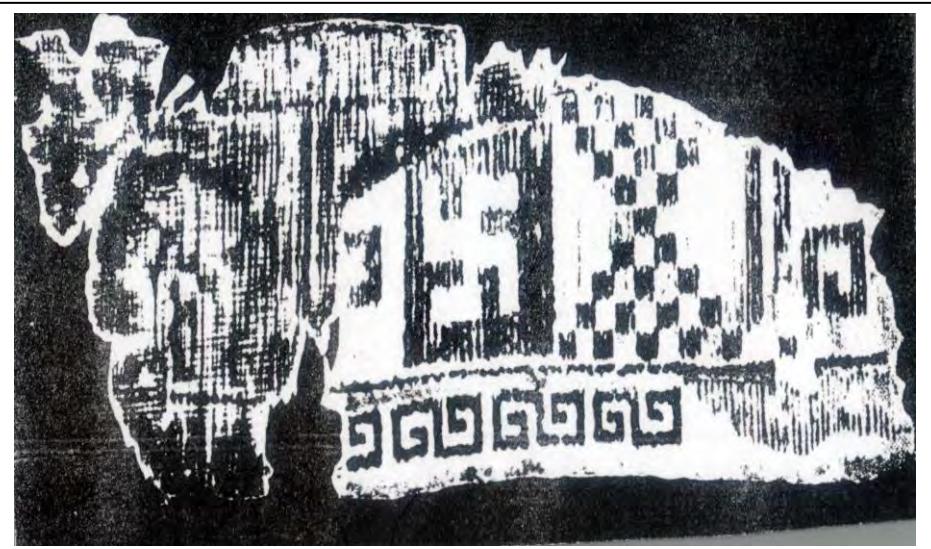


گورهای خمره‌ای بخش موران منطقه مغان (عکس از صفحه ۲۶ کتاب گورخمره‌های اشکانی اثر کامبیش فرد)

این دوره خمره‌ها را بعد از گذاشتن مرده در آن‌ها در شیب تپه‌های مشرف به رودخانه‌ها به عمق ۲/۵ تا ۳ متر از سطح زمین قرار می‌داده‌اند و بر دهانه خمره، یک یا دو تخته سنگ نهاده و با اندوده گچ، تمام درزهای آن را می‌گرفته‌اند هم‌چنین خمره‌ها را به فاصله ۱ تا ۱/۵ متر از هم در یک ردیف قرار می‌داده‌اند.

گورهای نوع سوم(۱۳۷ تا ۱۹۱ میلادی): گورهای این دوره که زمان پادشاهی بلاش سوم پادشاه اشکانی می‌باشد مانند گورهای خمره‌ای نوع دوم است، ولی در جای-گذاری آن‌ها خاکبرداری و عمق زیاد احتیاج نبوده بلکه شیب و دامنه تپه‌های مشرف به رودخانه را به ارتفاع یک متر از بالا حفر کرده و خمره را به صورت مایل در آن قرار داده و بر دهانه آن سنگی گذاشته و با خاک می‌پوشانده‌اند. در زیر سر اسکلت‌های این خمره‌ها هم سکه‌هایی از بلاش سوم پیدا شده است.

طرز تدفین در این سه نوع گورها تقریباً یکسان بوده است. در گورهای نوع سنگی و هم-چنین گورهای خمره‌ای اسکلت به پهلو، دست و پا جمع شده و به طریق دست چپ به محاذات دهان پیش آمده و احتمالاً ظروف سفالی را در دست دارد. به خاطر وجود دو تا سه جناه در برخی از این گورهای خمره‌ای می‌توان احتمال داد که گورهای مشترک یا فامیلی در این دوره مرسوم بوده است. ضمن کاوش در این گورها انواع وسایل و لوازم زینتی، آرایشی و... به دست آمده است. در یکی از گورهای خمره‌ای روستای سالالای گئرمی معان، خمره‌ای به دست آمده که خاک سنگین آن را در دل خود سالم به یادگار و امامت نگه داشته بود. دهانه این خمره علاوه بر تخته سنگ با اندود گچ بسته شده و تمام مناطق نفوذ هوا گرفته شده بود. عدم نفوذ هوا به درون خمره تقریباً تمام لوازم و وسایل داخل قبر را سالم نگه داشته بود. در زیر سر اسکلت سکه‌ای از «گودرز» پادشاه اشکانی به دست آمده است. مرده با لباس دفن شده و در کنار او سبدی از ترکه‌های جوان بافته شده قرار داشته که چند دانه گرد، انار و انجیر در آن بوده است. چند ظروف سفالی و یک جعبه چوبی در طرف دیگر اسکلت قرار داده شده بود که این اوّلین باری است که سبد میوه و ظروف چوبی جزو هدایای اموات باستانی بوده است. لباس این مرده همان تکه پارچه معروف است که حدود ۲۰ سانتیمتر می‌باشد و امروزه در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود و بعد از تکه فرش پازریک هخامنشی قدیمی‌ترین و زیباترین پارچه منقوش و رنگین جهان است و از لحاظ باستان‌شناسی حائز اهمیت می‌باشد. این پارچه دارای یک نقش صلیب شکسته یا گردونه خورشید(سواشیکا) در وسط و نقوش شطرنجی است. به عقیده برخی باستان‌شناسان صلیب شکسته مظهر مهر و آیین اشکانیان بوده است.



تکه پارچه دوره اشکانی مکشوفه از گور خمره‌های گرمی مغان (عکس از ص ۹۷ کتاب گور خمره‌های اشکانی اثر کامبخش فرد)

۴ - تپه‌های تاریخی: بقایای شهرهای آباد و عمارتها و کاخها و ساختمان بزرگانی که در مغان بوده‌اند تپه‌های تاریخی منطقه هستند که به مرور زمان ویران و به صورت تلی از خاک درآمده‌اند. این تپه‌ها تاریخ نانوشته منطقه می‌باشند، که در صورت کاوش و بررسی علمی، می‌توان زوایای پنهان و تاریک تاریخ این دیار را روشن ساخت. تعداد صدها تپه تاریخی در مغان وجود دارد که ده‌ها مورد آن تا حال شناسایی و ثبت شده و کار ثبت و شناسایی بقیه ادامه دارد. تپه‌های مهم تاریخی مغان عبارتند از:

خارمان تپه‌سی: این تپه در دامنه جنوب شرقی میرو داغی در روستای شیخ لار در بخش موران شهرستان مغان قرار دارد. بر اثر گمانه‌زنی آزمایشی که توسط هیأت حفاری بر روی آن در حدود سال ۱۳۴۴ صورت گرفته، آثاری مربوط به دوران اشکانی به دست آمده است. آقای طباطبائی در صفحه ۶۶۶ آثار باستانی آذربایجان می‌نویسد: «به احتمال قریب به یقین پس از حفاری چند تپه ساختمانی و قبر (در کنار این تپه) ممکن است تیره نژادی و موطن اصلی قوم پارت را که تاکنون در پرده ابهام مانده است روشن نمود».

این تپه در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان و در ساحل چپ رودخانه بولغارچایی در دامنه کوه میروداغی قرار دارد و به شماره ۶۳۶ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده است.

تپه نادری: در جنوب غربی شهرآستاندوز مغان و در ملتقای رودخانه‌های آراز و قاراسو تپه تاریخی نادری قرار گرفته که محیط اطراف آن حدود ۱۵۰۰ متر، ارتفاع آن حدود ۳۰۰ متر، طول آن حدود ۱۲۰ متر و عرض آن هم حدود ۱۰۰ متر است. این تپه بشماره ۷۹۶ به ثبت رسیده است.

به اعتقاد باستان‌شناسان تپه نادری از هزاره اوّل پیش از میلاد تا اواخر سده یازدهم هجری قمری مسکونی بوده و در کاوشهای اخیر از آن آثاری از عصر مفرغ اوّل، خشت پخته شده مربوط به دوران اشکانی، سفال‌هایی مربوط به قبل از اسلام، سفال‌های منقوش دوران اسلامی، سنگ اپسیدین و... کشف شده است.

تپه ایلان چیغ: این تپه در غرب روستای دمیرچی در ۶ کیلومتری جنوب غربی شهر بیله‌سوار مغان واقع شده و مربوط به دوران قبل از اسلام است. تپه ایلان چیغ که به صورت‌های ایلان‌جوق و النجق نیز نوشته شده به شماره ۶۳۸ در فهرست آثار تاریخی به ثبت رسیده است.

تپه‌های تاریخی شوکورلو: در روستای شوکورلو واقع در ۵ کیلومتری شمال شرقی شهرگئرمی مغان دو تپه تاریخی در جوار هم و در کنار رودخانه گئرمی چایی قرار دارند که به دوره‌های اشکانی تا اوایل اسلام مربوطند. این تپه‌ها بنام‌های آقامال و مطلب به شماره‌های ۶۲۴ و ۶۲۷ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده‌اند.

برخی دیگر از تپه‌های تاریخی مغان که به ثبت رسیده‌اند و یا گمانهزنی آزمایشی رویشان صورت گرفته عبارتند از:

تپه همت: واقع در روستای سالالای بخش موران و ۲۴ کیلومتری شرق شهرگئرمی مغان، شماره ثبت ۶۳۷ مربوط به دوران اشکانی.

تپه پیه دره: واقع در روستایی به همین نام در بخش موران و ۲۵ کیلومتری شرق شهرگئرمی مغان، شماره ثبت ۶۳۹ مربوط به دوران اشکانی.

شاه تپه‌سی: واقع در روستایی به همین نام در شمال غرب شهرگئرمی مغان و کنار ساری قمیش چایی به شماره ثبت ۶۲۲ مربوط به قبل از اسلام و اسلامی.

تپه عودجه: واقع در ۱۱ کیلومتری آسلامدوز مربوط به سده دهم هجری قمری با سفال‌های لعابدار.

هاچا تپه‌سی: واقع در روستای ناغارا، ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهرگئرمی مغان، کنار رودخانه گئرمی چایی با شماره ثبت ۶۲۶ مربوط به قبل از اسلام.

تپه روستای تپه: واقع در روستای تپه، ۱۵ کیلومتری شرق شهرگئرمی مغان، کنار اوچارلی چای به شماره ثبت ۶۴۰ مربوط به دور قبل از اسلام.

قیزیل تپه: روستای علیرضا آباد(اسلام آباد) پارسا آباد مغان، قبل از اسلام.

تپه بیگ‌باغی: در روستایی به همان نام در ۳ کیلومتری شمال شرق گئرمی مغان. یاریم تپه: در روستای قالابرزند گئرمی مغان مربوط به دوره قبل از اسلام.

تپه آغداش: در روستایی به همین نام در ۲۰ کیلومتری شمال غربی گئرمی مغان.

تپه سد قاتیریوران: در قاتیر یوران، ۱۰ کیلومتری شمال غربی شهرگئرمی مغان.

تپه نصرالله بگلو: در روستایی به همین نام، ۲۵ کیلومتری شمال غرب گئرمی مغان.

تپه دیگه برو: حد فاصل قوزلو و اینی در ۹ کیلومتری جنوب شرق گئرمی مغان.

تپه داش بولاق: روستای قوزلو در ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهرگئرمی مغان.

کول تپه: شماره ثبت ۶۳۱، روستای حاجی‌احمد کندي گئرمی مغان.

تپه ناغارا: روستای ناغارا، دوره اشکانی، بخش مرکزی گئرمی مغان.

تپه جعفرقلی: روستای جعفرقلی قیشلاقی، بخش مرکزی بیله‌سوار مغان.

یاریم تپه: شماره ثبت ۶۲۳۷، روستای اودولوی بیله‌سوار مغان.

کول تپه: شماره ثبت ۶۲۳۸، روستای نصرالله بگلوی گئرمی مغان.

شهر تپه سی: شماره ثبت ۶۱۹۸، روستای قیزقالاسی شهرستان بیله‌سوار مغان.

تپه غیبعلی: شماره ثبت ۸۸۹۷، روستای اسلام آباد قدیم پارسا آباد مغان و...

۵ - سایر آثار تاریخی: غیر از موارد مذکور در مباحث قبلی دهها اثر تاریخی دیگر در منطقه مغان قرار دارند که به خاطر این که نتوانستیم در مباحث قبلی آنها را جای دهیم به شرح برعی از آنها می‌پردازیم:

کاروانسرای خوروزلو: در دامنه رشته کوه خوروزلو در جنوب شرق شورگل و در جنوب غرب روستای قوبادکندی کاروانسرای وجود دارد که به کاروانسرای خوروزلو معروف است. این کاروانسرا در محوطه‌ای به ابعاد 150×200 متر در روی تپه‌ای به ارتفاع ۳ متر از زمین-های اطراف قرار گرفته و ابعاد آن 20×29 متر می‌باشد. ورودی بنا در ضلع جنوبی است که پس از آن راهرویی به طول ۶۰ متر تعییه شده که از طریق آن وارد حیاط مرکزی به ابعاد 18×9 متر می‌شویم. ورودی این فضا به شکل قوس هلالی و با مصالح سنگ لاشه و ملات آهکی است. با توجه به محل پا طاق که خیز طاق اثرش در بعضی قسمت‌های باقی‌مانده می‌توان استنباط نمود که سقف این تالار قوسی بوده است. از جمله اختصاصات این کاروانسرا استفاده از لاشه سنگ در کل بنا حتی در زدن طاق‌ها، قوس‌ها و سردرهاست و در طاق جنوبی در لای سنگ‌ها آجر نیز استفاده شده است.

مرور ایام، پلان بعضی از قسمت‌های آن را به زیر خاک برده که با خاکبرداری و کاوش می-توان پلان دقیق آن را بازسازی نمود. ارتفاع دیوار باقی‌مانده در بعضی قسمت‌ها از جمله در ضلع غربی $1/80$ سانتی‌متر است. در این قسمت نیز می‌توان خیزطاق را مشاهده نمود. در این کاروانسرا سفال‌هایی از دوران اسلامی و نیز دوران اشکانی جمع‌آوری شده که بر اساس آن‌ها انتساب آن به دوران بین قرن پنجم تا اواخر قرن هشتم می‌قطعی است. عدم حفاظت، مراقبت و مرمت این اثر ارزشمند در سال‌های اخیر بر سرعت تخریب آن افزوده است.

پل خدا آفرین: در روی رودخانه آراز دوپل تاریخی به فاصله کمی از هم بنا شده‌اند که بنام خدا آفرین معروفند. یکی از پل‌ها $4/5$ متر عرض، 10 متر ارتفاع و 160 متر طول و نیز دارای 15 تاق جناقی هلالی در ابعاد نامساوی می‌باشد و دیگری هم 6 متر عرض، 12 متر ارتفاع و 130 متر طول و نیز 10 تاق دارد. پل اویی را مربوط به دوره پیش از اسلام که البته در دوره‌های بعدی تعمیر و بازسازی شده و پل دوم را مربوط به دوره صفوی می‌دانند. مصالح به کار رفته در پل اویی سنگ و سنگ‌های لاشه در پایه و آجر در تاق‌ها و ملاط آهک و کچ و در پل دوم سنگ تراشیده و ملاط گچ و آهک می‌باشد.

دولمن‌ها یا ابنيه‌های انسان‌های اوییه: دمورگان محقق فرانسوی که درباره این نوع بنای تحقیقات ارزشمندی دارد چنین می‌نویسد: این گونه ابنيه ابتدایی که با تخته سنگ‌های بزرگ و بدون استفاده از ملات ساخته می‌شوند تحت نام عمومی «دولمن» شناخته می‌شوند

و در اکثر نقاط پیش از تاریخ جهان به نمونه‌های متعدد آن بر می‌خوریم. این نمونه اتفاقی است به ابعاد تقریبی 4×2 متر که تخته سنگ‌هایی به ارتفاع حدود $1/5$ متر دیوارهای آن را تشکیل می‌دهند و سقف آن را نیز تخته‌سنگ‌های بزرگی پوشانیده‌اند که بیش از دو متر عرض دارند.

البته در مناطق سرد کوهستانی سنگ‌چین دیگری به شعاع تقریبی هشت متر، دور این اتفاق‌ها چیده می‌شده و گاهی هم این بناها ابعاد کوچک‌تری داشته‌اند، اما همان سبک و نقشه بنایی قبلی را داشته‌اند. ساکنین چنین اینیه‌هایی انسان‌های اولیه بوده‌اند که از راه شکار زندگی می‌کردند تحقیقات ارزشمند آقای ژاک دمورگان که در مناطق لرستان در غرب و صفحات شرقی آذربایجان یعنی نواحی نمین، لنکران و جنوب مغان صورت گرفته نشان از آن دارد که از این نوع بناها البته با ابعاد تا حدودی متغیر در این نواحی وجود دارد مثلاً در لنکران و تالیش که کوه‌های سالاوات داغلاری را هم شامل می‌شود این نوع بناها نقشه مستطیل شکل و کشیده دارند که دمور گان برخی از آن‌ها را متعلق به عهد برنز می‌داند.

در ارتفاعات سالاوات داغی مغان و کوهپایه‌های آن از جمله در قسمت‌های جنوبی و غربی اینی قالاسی نمونه‌ای از این نوع بناها وجود دارد که متأسفانه مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. در صورت بررسی علمی و کارشناسانه می‌توان از این نوع بناها در سایر نقاط مغان هم شناسایی نمود.

برج قارلوجا: در روستای قارلوجا در 18 کیلومتری جنوب غربی آسلاندوز و در کنار رودخانه آراز در مسیر راه آسلاندوز- خومارلو، برج هشت ضلعی منظمی قرار دارد که به شماره ۷۹۹ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده است. اصلاح این برج از سنگ‌های تراشیده ساخته شده و دارای گنبدی از سنگ و دخمه‌ای در زیر است. برج حدود پنج متر ارتفاع دارد و عرض هر یک از اضلاع آن حدود $1/73$ متر می‌باشد و منصوب به سده هفتم هجری قمری و دوره مغلان می‌باشد.

سنگ افراشت‌ها: «فرهنگ سنگ افراشتی بخشی از فرهنگ و تمدن تاریخی و دوران تاریخی بشر است که آثار باقی‌مانده از آن از شرق و جنوب آسیا گرفته تا شرق و شمال اروپا به طور پراکنده گسترده شده است. مگالیتیک عنوانی است که دانشمندان غربی به این فرهنگ داده‌اند و در ایران این اصطلاح به خرسنگی و کلان‌سنگی ترجمه شده و در

برخی مأخذ نیز اصطلاح سنگ‌افراشت یا «منهیر» که به زبان سلتی به معنی سنگ دراز می‌باشد برای نام‌گذاری این فرهنگ برده شده است» (مقاله تمدن و فرهنگ سنگ افراشتی در شرق آذربایجان؛ آوای اردبیل؛ شماره ۱۶). سنگ افراشت‌ها که دولمن‌ها یا ابینیه‌های ساخته شده از لایه‌های بزرگ سنگی هم جزو آن‌ها می‌باشند شامل تخته‌سنگ‌های بزرگی هستند که بشر اولیه از آن‌ها برای ساختمان‌سازی و مصارف دیگر استفاده می‌کردند. بیشتر سنگ افراشت‌های شناسایی شده امروزه روی مقابر نهاده شده‌اند. در منطقه مغان از این نوع آثار می‌توانیم؛ سنگ افراشتۀ روستای دیکداش در شمال غربی بخش اونگوت، سنگ افراشت‌های دره قوبول دره‌سی در روستای چیناب بخش اونگوت و سنگ افراشت‌های محوطه تاریخی چوبان‌داشی یا داشادونن در حدفاصل روستاهای ایزمار، قوزلو و اینی و... را نام ببریم.

قوچ‌های سنگی: در سراسر مغان سنگ‌های تراشیده به اشکال مختلف وجود دارد که در مباحث قبلی هم توضیح دادیم.



برخی از این سنگ‌ها به شکل قوچ تراشیده شده که از آن‌ها در بیشتر قبرستان‌های منطقه، در دهه‌های گذشته به وفور دیده می‌شدند اما متأسفانه اغلب آن‌ها امروزه غارت شده و تعداد انگشت‌شماری در برخی روستاهای باقی است.

غارهای تاریخی: در منطقه مغان چندین غار تاریخی وجود دارد که زیستگاه انسان‌های اولیه بوده‌اند، از جمله این غارها می‌توانیم غارهای تاریخی روستاهای پتلقان، آباز(عباس) علیلو، قوزلو و آلايلا را نام ببریم.

مدارس قدیمی: بخاطر قدمت تاریخی منطقه مغان پیداست که مدارس قدیمی هم در آن وجود داشته باشد. از جمله این مدارس، خواجه نصیرگئرمی، امام خمینی بیل‌سوار و عباسی اونگوت می‌باشند.

مدرسه امام خمینی بیل‌سوار مغان که تا به امروز از آن استفاده می‌شود از قدیمی‌ترین مدارس آذربایجان و قدیمی‌ترین مدرسه در استان اردبیل می‌باشد که در زمان اواخر حکومت احمدشاه قاجار به سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ توسط شخصی بنام یاورماکوی که مرزبان منطقه بوده، در محل مدرسهٔ خشتی این شهر بنا شده است. معمار این بنای باشکوه و دیدنی که به سبک مدارس دوران قاجار بنا شده سرگرد ماکوی و بنایها اردبیلی بوده‌اند. تخته‌های سقف شیروانی این مدرسه از آنسوی مرز آورده شده و در و پنجره آن هم توسط نجارهای شهر بیل‌سوار مغان ساخته شده‌اند. این بنا به شماره ۷۵۱۷ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده است. از ویژگی جالب توجه این مدرسه ضمن قدمت زیاد آن، زندگی حدود سه هزار کبوتر وحشی در سقف شیروانی چوبی آن است که برای دانش-آموزان و بازدیدکنندگان جذاب و جالب توجه می‌باشد.

حمام‌های قدیمی: در محلات سرچشم‌های (بولاق‌باشی) و قاراخان‌داغی شهرگئرمی مغان دو حمام تاریخی بنام‌های آتابله حمامی و حاج‌حسین حمامی وجود داشت که مربوط به دوران قاجاریه بودند. این حمام‌ها که دارای هشتی بسیار زیبا با گنبد کروی شکل بودند متأسفانه در یکی دو سال اخیر در برابر دیدگان مسئولین شهر و شهرستان تخریب شدند در حالی که حفاظت از آن‌ها و تغییر کاربری‌شان از جمله تبدیل نمودن به موزه مردم‌شناسی و... می‌توانست در رونق گردشگری شهر مؤثر باشد. امیدواریم مسئولان شهر نسبت به احیاء آن‌ها همت گمارند.

آسیاب‌های آبی: در گذشته‌های دور مردم برای آرد کردن گندم و جو از وسایل ساده‌ای استفاده می‌کرده‌اند که با پیشرفت جامعه کم‌کم استفاده از نیروی طبیعت چون آب برای این منظور رایج گشته و به این ترتیب آسیاب‌هایی در کنار رودخانه‌ها احداث شده‌اند. از این نوع آسیاب‌ها که به «سو دییرمانی» معروف بودند در مناطق جنوبی مغان به ویژه در کنار رودخانه‌ها به تعداد زیاد وجود داشته‌اند و تا حدود سال ۱۳۳۰ فعال بوده‌اند که در این سال‌ها با آمدن آسیاب‌هایی که با موتور کار می‌کردند و در منطقه به «اوت دییرمانی» معروف بودند از رونق افتادند و امروزه ساختمان آن‌ها ویران شده و به تلی از خاک تبدیل

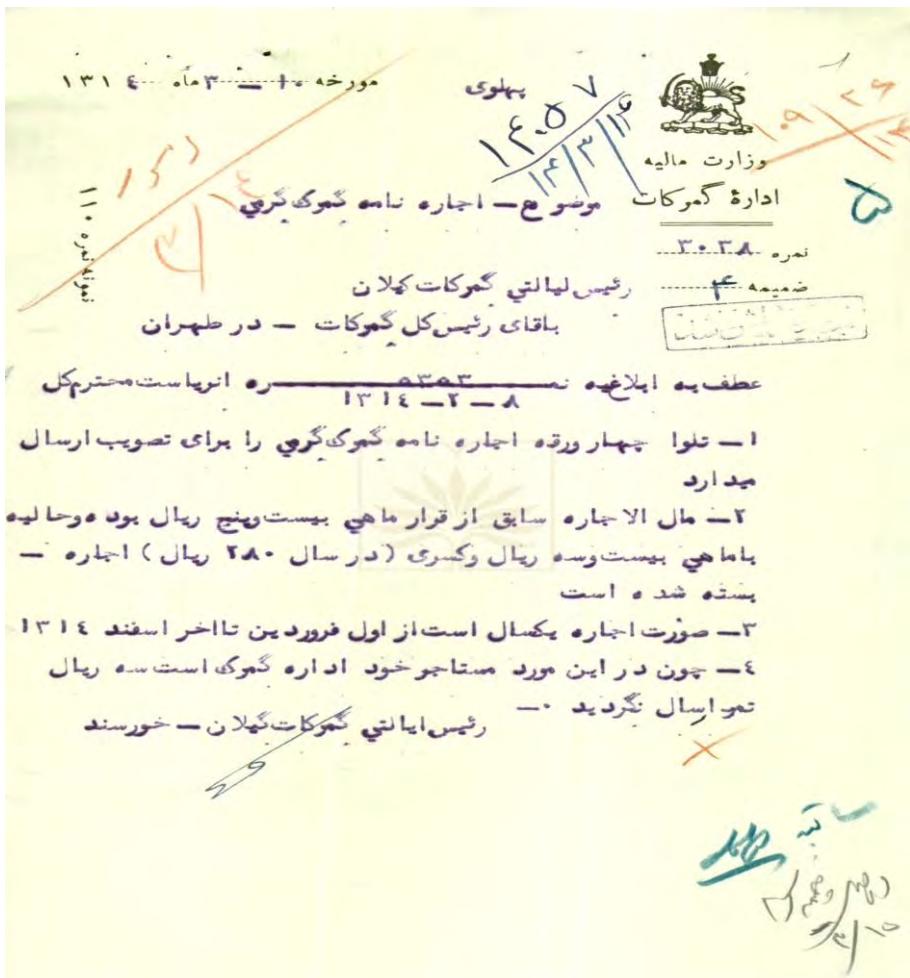
گشته است. از جمله این آسیاب‌ها سه آسیاب آبی مخروبه در کنار رودخانه سامبورچایی و به ویژه در اطراف شهر تازه‌کند اونگوت و چهار آسیاب آبی مخروبه در کنار رودخانه اوجارلی در روستای قوزلو در ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهر گئرمی مغان را می‌توانیم نام ببریم که زمانی نیازهای مردم منطقه را برطرف می‌کردند.

خانه‌های قدیمی: در شهرها و روستاهای منطقه مغان چندین ساختمان قدیمی وجود دارند که قدیمتشان دست‌کم به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد. امروزه متأسفانه در بیشتر آن‌ها تغییرات صورت گرفته و یا در حال انجام است و برخی هم در حال ویرانی است. از این ساختمان‌ها می‌توان در محلات قدیمی شهرهای گئرمی و بیله‌سوار مغان و نیز روستاهای منطقه از جمله روستاهای یوخاری و آشاغا وان در بخش موران و... مشاهده کرد.
گمرک خانه‌ها: بعد از دونیمه شدن مغان و آذربایجان، مبادلات تجاری و رفت‌وآمدۀای خویشاوندی سبب ایجاد گمرک در بیله‌سوار و آزادلوی گئرمی مغان شد.

احداث گمرک در مغان به حدود سال ۱۲۵۰ و اوایل مشروطیت برمی‌گردد. سروان خلیلی عراقی در سفرنامه خود در مورد گمرک بیله‌سوار مغان چنین نوشته؛ «گمرک بیله‌سوار از لحاظ آمار ورودی و خروجی اهمیت خاصی داشته و به همین جهت در دکاکین اطراف آن همه رقم اشیاء وجود داشت... عمارت گمرک که حدود ۴۰ سال قبل ساخته شده بی‌اندازه زیبا و امروزه قسمتی از آن برای مرزبانی تخصیص داده شده است».

گئرمی مغان هم با حدود ۸۶ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری آذربایجان از قدیم دارای گمرک بوده و بنا به گفته سالخوردگان روستای آزادلو، گمرک این آبادی دارای ساختمانی زیبا و انبارهای کالا بوده و ارتباط از طریق آن برقرار بوده و در اوایل دهه ۱۳۰۰ این گمرک نسبت به گمرکات شرق آذربایجان رونق بیشتری داشته و چه بسا گمرکات مذکور زیر نظر آن اداره می‌شده‌اند. به گفته آنان آخرین رئیس گمرک میرزا حسین طاهری بوده و این گمرک کارمندانی زیادی هم داشته که بخاطر گذاشتن کلاه مخصوص، بین مردم منطقه به «قاشغاپاپاق» معروف بوده‌اند که امروزه هم معمرین منطقه در صحبت‌هایشان به این مورد اشاره می‌کنند که مثلاً پدر یا پدربرزگ فلانی قاشغاپاپاق بوده است و از جمله این قاشغاپاپاق‌ها، آقای جهانگیری از افراد همین روستا بوده است. ضمن این‌که هنوز هم بعضی از برگه‌های تردد مرزی صادره از این گمرک در دست اهالی موجود است اما ساختمان و

انبارهای آن به خاطر عدم حفاظت از بین رفته ولی محل آن‌ها مشخص و کاملاً معلوم است. گمرک آزادلوی مغان در سال ۱۳۱۹ در اداره ثبت شهرگئرمی مغان به ثبت رسیده است. در بررسی اسناد مربوط به مغان در مرکز اسناد ملی ایران، در سال ۱۳۹۰ به دهه سند، مربوط به اداره گمرک شهر گئرمی مغان برخورد نمودیم که انشاالله در کتابی که در خصوص تاریخ مغان در دست تهیه داریم آن‌ها را ارائه خواهیم کرد.



یکی از اسناد اداره گمرک گئرمی مغان مربوط به سال ۱۳۱۳ که در خصوص اجاره ساختمان این اداره می‌باشد

بخش چهارم

جادبه‌های انسانی و فرهنگی مغان

۱- زبان و دین مردم مغان: تورکی مانند تمام مردم آذربایجان، زبان دل و قالب تفکرات و احساسات مردم ساکن در مغان نیز می‌باشد. این زبان شاخه مرکزی تورکی اوغوز یا تورکی غربی است و جزو زبان‌های التصاقی بوده و منشاً آلتایی دارد، بدین صورت که ریشه کلمات ثابت می‌ماند و با افزودن پیشوندهای گوناگون، کلمات جدید به وجود می‌آیند. در خصوص دین مردم منطقه هم باید گفت که مردم این خطه در دوران باستان باورهای دینی خاصی داشته‌اند. وجود نقش‌هایی از قبیل خورشید، ماه، ستاره و حیوانات مختلف بر روی آثار به دست آمده از گورستان‌ها و تپه‌های تاریخی منطقه نشان از آن دارد که قبایل باستانی ساکن این خطه، اشکال مذکور را مقدس می‌شمرده‌اند. در زمان خلافت عمر و در سال ۲۶۱ هجری قمری منطقه مغان توسط نیروهای اسلام به فرماندهی بکیر بن عبد الله فتح شد و از این تاریخ اسلام دین رسمی مردم منطقه گردید. اکنون هم دین رسمی مردم، اسلام و مذهب اکثريت آنان تشيع می‌باشد. براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۹۹/۷۷ درصد مردم این خطه را مسلمانان تشکیل می‌داده‌اند. در سال مذکور در مغان ۳٪ درصد زرتشتی و ۳٪ درصد هم کلیمی سرشماری شده‌اند.

۲- آداب و رسوم و اعتقادات: هر ملتی یک سلسله رسم‌ها و آیین‌های مخصوصی دارند که به آن زنده‌اند. مردم مغان هم در مراسمات مذهبی، شادی‌ها و غم‌ها، آداب و رسوم مخصوصی دارند. فرهنگ مردم این خطه مجموعه‌ایست از سنت‌های قدیمی که بیشتر بر مبنای اصول اعتقادی اسلام است و مردم به نگهداری این مجموعه که یادگاری از گذشتگان می‌دانند علاقه زیادی نشان می‌دهند.

مراسماتی چون عید سعید فطر، عید سعید قربان، عید سعید غدیر خم، مراسمات شب چله، عید نوروز، مراسمات مخصوص چهارشنبه آخر سال، جشن‌های عروسی، مراسمات عزاداری و... به طرز مخصوصی در این منطقه انجام می‌گیرد.

رسم‌های مربوط به عید نوروز یا «بایرام روسوملاری» از رسم‌های مهم منطقه است که همه ساله به شیوه خاصی انجام می‌گیرد. از جمله این رسم‌ها «اوستن آتناندی»، «سو اوستن آتناندی»، «قورشاق آتدی» یا «شال آتدی»، «قولاغ آسdi»، «گوروشوگ» و... را می‌توان نام برد.

یکی از برنامه‌های بسیار زیبا، دیدنی و شاد قبل از عید در گذشته آمدن «تکمچی» به در خانه‌ها و رقصاندن تکم و خواندن شعر بوده است. تکم مجسمه چوبی به شکل قوچ بود که توسط افراد در هر منطقه به شکل مخصوصی درست می‌شد. پاهای آن طوری به تن وصل می‌شد که کاملاً متحرک بود. این عروسک چوبی را با پارچه‌های رنگارانگ و تکه‌های کوچک آینه به طرز جالبی زینت می‌دادند که بیننده را مجدوب می‌کرد. تکمچی با یک دست تخته را نگه می‌داشت و با دست دیگر چوب را بالا و پایین می‌آورد. با این حرکت پاهای تکم با تخته برخورد می‌نمود و صدا می‌کرد و همراه این حرکت اشعاری را می‌خواند که برای نمونه چند بیتی را می‌آوریم:

صباح چـرشنـبه دـی خـونـچـا بـزـلـلـر	قاـشـی قـارـا، گـوزـو شـهـلـا گـوزـلـلـر
خـانـلـار، بـگـلـر دـسـتـه دـسـتـه گـزـلـلـر	اـونـون دـورـه سـيـنه نـوـغـول دـوـزـلـلـر
آـيوـز، آـيلـوز، هـفـتوـز، گـونـزوـمـوـبـارـك	سيـزـين بوـيـئـنـى باـيرـامـيزـمـوـبـارـك

در بین مردم این خطه اعتقادات عجیبی هم رواج دارد که همه ریشه در دوران‌های گذشته دارند. برای آشنایی با این اعتقادات و باورها نـمـونـهـهـایـی اـزـ آـنـهـاـ رـاـ مـیـآـورـیـمـ: - از جارو کردن خانه و حیاط در موقع غروب خودداری می‌کنند و معتقدند که جارو کردن در این وقت سبب می‌شود خیر و برکت از خانه دور شود. - در هنگام شب ناخن نمی‌گیرند و مدام از سوی بزرگترها توصیه که شب ناخن نگیرید چون اعتقاد دارند که این کار عمر انسان را کوتاه می‌کند.

۳- ادبیات شفاهی: «ادبیات شفاهی مردم آذربایجان که مغان هم یکی از مناطق آن است بسیار غنی می‌باشد و با تاریخ مردم بستگی نزدیک دارد. در این آثار احساس و افکار مردم، طرز زندگی و مناسبات خانوادگی و اجتماعی و مذهب و عقایدشان نسبت به دنیا و آخرت به اشکال گوناگون و به طرز بدیع و شاعرانه منعکس شده است».

از ویژگی‌های بارز ادبیات شفاهی، محصول آفرینش جمعی بودن، مردمی بودن، گوناگونی بیان و ایفا و بازتاب بقایای اساطیر و آداب و سنت گذشته در آن است. از ویژگی‌های دیگر ادبیات شفاهی حالتها و عواطفی از قبیل امید و آرزو به آینده‌ای روشن و نیکاندیش و خوش‌بینی است».

اغلب محققان، مردم آذربایجان را خالق غنی‌ترین گنجینه‌های ادبیات شفاهی یا همان فولکلور ملل خاورمیانه و ایران می‌دانند. هر سیاحی که برای اولین بار به این خطه قدم نهاده شیفتۀ فولکلور آن شده و از این‌جاست که آذربایجان را مهد شعر و هنر نامیده‌اند. بایاتی‌ها، دوبيتی‌های محلی و رایج‌ترین انواع ادبیات شفاهی این خطه می‌باشند که به صورت منظوم بیان می‌شوند. بایاتی‌ها از زندگی عاطفی، صمیمی و راز و نیازهای مردم باصفای منطقه سرچشمه می‌گیرند و در قالب الفاظ روان و درخور فهم مردم و به شکلی ساده بیان می‌شوند. این قسمت از ادبیات شفاهی در هنگام کار، یا موقع مرگ عزیزان یا هنگام عروسی‌ها و... با احساسات ویژه‌ای خوانده می‌شوند که برای آشنایی بیشتر برای هر یک از موارد مذکور نمونه‌هایی را می‌آوریم:

در هنگام عروسی در برخی از روستاهای به ویژه در نواحی جنوبی معان مراسم (هالایلامشاغ) رایج می‌باشد. در این مراسم دختران جوان از دو طرف عروس و داماد روپرورد هم قرار می‌گیرند و با آهنگ شعر بایاتی‌هایی را به هم می‌گویند و طرف مقابل هم جواب آن‌ها را با همان شیوه و آهنگ می‌دهد. نمونه‌ای از طرف عروس:

بیزدن سیزه قیز گلیر

جواب از طرف افراد داماد:

او گوللی آرخدان سوگلیر

برای آشنایی با بایاتی‌هایی که مضمون عاشقانه دارند نمونه‌هایی را می‌آوریم:

بولاغیـن باشینا باخ - دیبینیـن داشینا باخ

من سئودیگیـم گوزه لین - گوزونه قاشینا باخ

سارالمیشام سولموشام - بولودکیمین دولموشام

سارآلماـیـم نیله ییـم - یاریـمـدان آیریـلـمـیـشـام

در هنگام عزاداری برای مرگ عزیزان نیز بایاتی‌های خاصی که در معان «اوخشاما» می‌نامند توسط زنان خوانده می‌شوند. اوخشاماها با صدای محزون و غمگین توسط یکی از

خانم‌ها با صدای بلند و آوازی مخصوص ادا می‌شوند و دیگر خانم‌های حاضر در مجلس هم او را با صدای گریه و زاری همراهی می‌نمایند. برای نمونه:

گوی باغلار قاراباغلار	گول آچماز قاراباغلار
قیزیل گول قاراباغلار	باغـدا بولبول اولنده

یاغا یاغا گلمیشم	من بـو باغا گلمیشم
آغلاماغا گلمیشم	گوتورمیشم دردیمی
دردمیدم حشم اولدی	قیزیل گول حشم اولدی
آ glamاق پئشـدن	سندن آیری دوشـدن

در هنگام خواباندن بچه هم دهها بایاتی توسط مادران دلسوز برای بچه‌ها زمزمه می‌شود که چند نمونه را برای آشنایی می‌آوریم:

قیزیل گـوله باتاسان	لای لای دـیـم یاتاسان
شیرین یـوخـی تاپاسان	قیزیل گـولـون ایچینده

سـسـیـم چـیـخـسـیـن باـجـادـان	لـای لـای دـئـدـیـم اوـجـادـان
چـیـچـکـدـن قـیـزـیـل جـادـان	تـارـی سـنـی سـاخـلـاسـیـن

بایاتی‌ها در هنگام کارهای روزمره چون فرش و گلیم‌بافی، شیردوشی و... توسط زنان خانه‌دار روستایی زمزمه می‌شوند. مثلاً هنگام شیردوشی چنین زمزمه می‌کنند:

اوـتـلاـهـامـارـی اـینـک	سـاـگـالـی سـارـی اـینـک
چـوـخـ سـوـدـوـئـبـارـی اـینـک	نـمـ سـنـی سـاـگـانـدـا

یـونـو بـیر توـشـک قـوـیـون	نـنـما شـیـشـک قـوـیـون
قـیرـیـلـدـی اوـشـاغـ قـوـیـون	بـولـامـانـی تـئـزـ یـئـتـیر

چوپان‌ها نیز هنگام چراندن گله بایاتی‌هایی را با خود زمزمه می‌کنند که برای نمونه چند بیت از آن‌ها را از کتاب خیاو یا مشکین شهر آقای ساعدی می‌آوریم:

کئفون چاغ اولسون چوبان	ئئرون داغ اولسون چوبان
اوژون آغ اولسون چوبان	سورونو یاخشی ساخلا

دولان گل دوزو قویون	سورونون گوزو قویون
سئویندیر بیزی قویون	ائیله‌ده بیر ایکیز گئتیر

علاوه بر بایاتی‌ها، از دیگر قسمت‌های مهم ادبیات شفاهی «ناغیل لار» می‌باشد. ناغیل لار یا همان داستان‌ها از زمان‌های دور، سینه به سینه نقل شده‌اند و امروزه هم توسط پدر-بزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای نوه‌ها نقل می‌شوند.

آتالارسوزو(ضربالمثل)، قسمت دیگر ادبیات شفاهی مردم مغان می‌باشند. ویژگی مهم این قسمت از ادبیات شفاهی، در امان ماندن‌شان از هجوم لغات بیگانه می‌باشد. هم‌چنین تاپیماجالار(چیستان)، ماهینی‌لار(ترانه‌های عامیانه)، قوشمالار و... از دیگر قسمت‌های ادبیات شفاهی مردم مغان می‌باشند.

۴- جشن‌ها و سرورها: در گذشته جشن‌ها و سرورها قسمت اعظم زندگی روزمره مردم را به خود اختصاص می‌دادند، اما امروزه به خاطر این‌که برخی از آن‌ها از بین رفته و یا کمرنگ شده‌اند تأثیرشان هم در زندگی کم شده است. امروزه بیشتر جشن‌های مربوط به ازدواج تا حدودی پابرجا مانده و ویژگی‌های قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. از رسم‌های ازدواج که تا حدودی باقی مانده موارد زیر را می‌توانیم نام ببریم:

اوّلین مورد از مراسمات عروسی، رسم «ائل چیلیک» است که برای خواستگاری به خانه دختر می‌روند و سرودهایی را در این مورد می‌خوانند چون:

آل آلماغا گلمیشوک	شاں آلماغا گلمیشوک
آداخلاماقا گلمیشوک	بیزاوغلان آدامیوک

پیش از بردن عروس به خانه بخت، زنان در خانه عروس جمع شده و لباس‌های عروس را بریده و می‌دوزنند این عمل را «پارچاکسدى» می‌گویند.

هنگام آوردن عروس به خانه بخت اسب‌سواران ماهر برای به نمایش گذاشتن خوشحالی خود از پیوند مقدس زناشویی، اسب‌های خود را به جولان درآورده و سوارکار زبده یا برنده این جشن کسی می‌شد که در حین سوارکاری توب یا شیئی را از زمین بردارد و از سایرین

آوردن عروس به خانه داماد سرودهایی هم خوانده می‌شد از جمله: عروس خیلی کمنگ شده به رسم «آت چاپدی» معروف است. غیر از آت چاپدی در هنگام جلو بیفت. این رسم که بخاطر گسترش تکنولوژی و استفاده از ماشین در هنگام آوردن

اوه گي چين چين گلين - چيني گو گرچين گلين
گلين لر آراسيندا - هاميدان گويچك گلين

از رسماهای دیگر عروسی «آلما آتدی» میباشد که تا بحال هم مقام خود را حفظ کرده است. براساس آن بگ(داماد) چند تا سیب قرمز رنگ را بعد از ورود عروس به خانه شوهر، بسوی او پرتاب میکند. این سیبها که به «توی (طُوی) آلماسی» معروفند توسط حاضرین در جشن عروسی گرفته میشوند.

یکی دیگر از رسم‌هایی که تا بحال هم انجام آن در جشن‌های عروسی معمول است، انجام بازی زیبای «بی من گیزیر» است که در مبحث بازی‌های محلی توضیح آن را خواهیم آورد.

یکی از زیباترین رسم‌های عروسی خواندن ابیاتی بنام «قاراباغی» در جشن‌های عروسی است. وقتی فردی در مجلس عروسی در حال رقص است تقریباً در فاصله دو یا سه دقیقه شخص دیگری که مهارت خاصی در خواندن قاراباغی دارد با آواز بلند و کشیده ابیات ترانه مانندی را می‌خواند. تا زمانی که قاراباغی خوانده می‌شود رقص از رقص باز می‌ایستد و آرام در مجلس قدم می‌زند افراد حاضر در مجلس هم در هر بند قاراباغی با صدای بلند «یاشا» و «ساغ اول» فرد قاراباغی خوان را همراهی می‌کنند. هدف از خواندن قاراباغی در وهله اول شاد و سرحال نگهداشتمن مجلس و در وهله بعدی استراحت دادن به رقص است، تا زود خسته نشود و اصطلاحاً می‌گویند که «قاراباغی» به رقص «قول دینجی» (فرصت استراحت) می‌دهد. برای آشنایی نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم:

قیزیلام ساتمامنی / دیللرە سالما منى
آپارمنی صرّافا گورسد / بدل اولسام آلمامنی
عازیزیم کئش دی مندن / اوخ دیدی کئشدى مندن
مردلرە کورپو اولدوم / نامردلر کئشدى مندن

غیر از مراسم عروسی، دیگر مراسماتی که می‌توان در مبحث جشن‌ها و سرورها گنجانید عبارتند از: «اوشاقا آد قویماگ» (نامگذاری نوزاد)، «اوشاقد کسدیرمک» (ختنه سوران)، «آدگونو

یا دوغوم گونو»(جشن تولد)، جشن «الله لاما» و... که برای آشنایی بیشتر، از بین این‌ها جشن «الله لاما» را توضیح می‌دهیم: این جشن از جشن‌های مربوط به زراعت است و پس از پایان کار برداشت محصول، مخصوصاً گندم و جو انجام می‌گیرد. انجام آن چنین است که به محض اتمام کار برداشت محصول، «بیچین چی» شخصی که کار برداشت را با داس انجام می‌دهد در جلو و چند نفر دیگر هم(چون صاحب زمین، و سایر افرادی که در کار برداشت، بیچین چی را یاری نموده‌اند) پشت سر او می‌ایستند. بیچین چی با صدای بلند و با نام خدا، سلامتی تمام افراد جامعه و ایل و صاحب زمین را از خدا خواستار شده و به دشمنان حضرت علی علیه السلام لعنت می‌فرستد و بقیه افراد پشت سر او با گفتن «یاعلی» وی را همراهی می‌کنند. جملاتی که بیچینچی به صورت کشیده و با آواز بلند می‌خواند چنین است:

حقوق حاقلیغینه / ائلون بیرلیگینه / اکین چینین ساغلیغینه / «الله»، «محمد»

افراد پشت سر او می‌گویند: «یا علی»، بیچینچی ادامه می‌دهد. «دوشمانووا لعنت» بقیه می-گویند: «یا علی» و بدین ترتیب کار برداشت گندم تمام می‌شود. در همان روز(برای نهار یا شام) غذایی برای بیچینچی و سایر میهمانان آماده می‌کنند که به «الله‌لاما یئمه‌گی» معروف است. این رسم هنوز هم در روستاهای نواحی کوهستانی جنوب مغان که کار برداشت محصول با دست انجام می‌گیرد رایج است. علاوه بر این مراسمات، مردم منطقه مانند ساکنان دیگر نقاط کشور در عیدهای مذهبی و ملی همچون نوروز، قربان، فطر و... مراسمات ویژه و شادی برگزار می‌کنند که چون انجام بیشتر آن‌ها مانند سایر نقاط کشور است از شرح آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

۵- سوگ‌ها و عزاهای انجام مراسمات ویژه عزاداری در مغان در ماه‌های مبارک رمضان و محرم به ویژه در روزهای شهادت حضرت علی علیه السلام و تاسوعا، عاشورا و اربعین حسینی علیه السلام به شیوه خاصی رایج است. از جمله این مراسمات رسم «شبیه‌خوانی» است که روزهای عاشورا و اربعین حسینی علیه السلام انجام می‌شود. در این روزها آش مخصوصی هم از ترکیب گندم، نخود، شیر و... درست می‌کنند که به «ایمام آشی» معروف می‌باشد. انجام مراسم ویژه در روز ششم محرم در مسجد تاریخی غریبان با حضور دسته‌های زنجیرزنی و سینه‌زنی از

روستاهای اطراف و حضور عاشقان ابا عبدالله در آن و نیز انجام مراسم مشابه در مسجد قیشلاق شوردره در روز هفتم محرم و حضور دسته‌جات عزاداری در طول ایام محرم در کنار بقعه‌های مرحوم میرعزیز در گئرمی مغان و مرحوم سیدعلیش در پارسا آبادمغان از دیدنی‌ترین عزاداری‌های مغانیان عاشق اهل بیت می‌باشد.

انجام مراسم سوگواری برای درگذشتگان و شیوه تدفین و احسان هم در مغان مانند سایر نقاط انجام می‌شود. نکته قابل توجه در این مبحث، خواندن بایاتی‌های خاصی است که به «او خشاما» یا «آغی» معروفند. نمونه‌هایی از آن در مبحث ادبیات شفاهی آورده شده است.

۶- موسیقی بومی: موسیقی بومی منطقه مغان مانند سایر نقاط آذربایجان از گذشته‌های دور تا به امروز در وجود «آشیق‌لار» خلاصه می‌شود.



آشیق‌لار هنرمندانی هستند با کوله باری از شادی و غم که حماسه‌ها و رزم‌ها و رویدادهای مهم تاریخی منطقه را روایت می‌کنند. آشیق‌لار اغلب خود، سرودها را می‌آفرینند و خود با ساز (قوپوز)، آن‌ها را در مراسم‌های مختلف می‌خوانند. در اغلب مراسم‌های عروسی مخصوصاً بین عشایر، آشیق‌لار را به جشن دعوت می‌کنند. سخنان حکمت‌آموز و ترانه‌های دلنشیز آن‌ها معمولاً با استقبال پرشور حضار مواجه می‌شود. در گذشته به آشیق، «اوزان و وارساق» هم می‌گفتند و شایسته‌ترین این هنرمندان را با پیشوند «دده» خطاب می‌کردند. از

مهمترین آشیق‌های آذربایجان در سال‌های گذشته می‌توانیم از «دده قورقود» مربوط به قرن چهارم یا پنجم هجری، «دده یادیار» مربوط به قرن دهم هجری قمری و... را نام ببریم. هم‌چنین آشیق عباس توفارقانی، آشیق معصوم، آشیق علسکر، آشیق قربان و... از برجسته‌ترین هنرمندان آذربایجان در زمان خود بوده‌اند.

امروزه هم تعداد آشیق‌های آذربایجان و مغان کم نیستند و دهها نفر از این‌ها زیر پوشش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌نمایند و در مراسمات عروسی و جشنواره‌ها به اجرای برنامه می‌پردازند. امروزه بالابان، سرنا، دهل، نقاره، قاوال(دف)، تار، گیتار، قارمان، آکارائون، توک، ساز و... جزو آلات موسیقی مورد استفاده در جشن‌های مردم منطقه می‌باشد که بالابان، سرنا و قاوال نقش همراهی کننده را دارند.

۷ - بازی‌های محلی: هر چند ورزش و انواع بازی‌ها نقش ارزنده‌ای در پر کردن اوقات فراغت داشته و دارند اما شیوه انجام آن در قدیم به نحو امروزی نبوده و تغییرات زیادی کرده است. از بازی‌های محلی و سنتی منطقه مغان می‌توانیم «گیزلین پاج»، «گول گول»، «قايش گوتدي»، «بن بنوشه»، «قارتوبو»، «بي من گيزير»، «آت چاپدي»، «تپيك دوشي»، «يئددى داش»(هفت سنگ)، «ايپ چكدى»، «بئش داش»، «چيلينگ آغاچى»، «گوله شمگ» و... را نام ببریم که برخی از آن‌ها با تغییراتی امروزه هم مرسومند. برای نمونه به شرح «بي من گيزير» از بازی‌های سنتی و پژوهه منطقه می‌پردازیم: در بازی بي من گيزير يك نفر به عنوان بگ يا داماد غيرحقيقى و يك نفر بنام گيزير به عنوان مجرى دستورات(بگ) انتخاب می‌شود. اين انتخاب بدین صورت است که ابتدا از طرف فرد مسن مجلس يك كاپ که در محل آشوق می‌نامند خواسته می‌شود. آشوق توسط حاضرين مجلس دور تا دور اندخته می‌شود و در يكى از حالت‌های اوچى(آلچى)، توخان، بوک، جيك و اوomba قرارمی گيرد. اگر در حالت توخان باشد فرد «بگ» می‌شود و مجلس تا مادامی که توخان ديگرى نيفتاده در اختيار او می‌افتد. اگر در حالت اوچى باشد فرد گيزير، اگر در حالت بوک يا اوomba باشد هيج مسئوليتى متوجه فرد نمی‌شود و اگر در حالت جيك باشد به فرد اصطلاحاً «اوغرى» می‌گويند و وي آن چه «بگ» دستور می‌دهد را باید انجام دهد. از اوغرى عموماً آواز خواندن، رقص، جوک گفتن و... خواسته می‌شود. در صورتی که اوغرى هيج کاري از دستش برنيايد به

خوردن چند شلاق که از پارچه یا پشم به هم تابیده شده متهم می‌شود و این کار توسط گیزیر انجام می‌گیرد.

۸ - شیوه‌های معیشت در مغان: در بررسی جوامع بشری به طور کلی دو نوع زندگی و معیشت را می‌توان تشخیص داد که در حقیقت دو پدیده جوامع انسانی هستند. یکی زندگی کوچنشینی است که اساس آن بر گله‌داری و پرورش دام استوار می‌باشد و دیگری زندگی یکجانشینی است که اساس آن هم بر زراعت، تجارت و صنعت استوار می‌باشد. از آن‌جا که هر دو پدیده یعنی کوچنشینی و یکجانشینی در مغان دیده می‌شود به بررسی مختصر هر یک می‌پردازیم:

کوچنشینی در مغان: کوچنشینی در آذربایجان سابقه‌ای بس دراز دارد و در حقیقت عشاير از عناصر تفکیک ناپذیر آذربایجان به شمار می‌روند. مغان هم به عنوان یکی از مناطق مهم و تاریخی آذربایجان، از سالیان دراز مردمی کوچنشین در خود جای داده و عشاير و کوچ فصلی و منظم آن‌ها، بارزترین فصل جغرافیای انسانی این خطه می‌باشد. کوچ عشاير زیبایی خاصی دارد، هم‌چنان که لحظه لحظه زندگی آن‌ها سرشار از زیبایی است. کاروان‌های کوچک آن‌ها را چند نفر شتر، چند رأس اسب و قاتیر و الاغ و گله‌های گوسفندان و وسایل یک زندگی جمع و جور تشکیل می‌دهد و هر یک این کاروان‌ها طوایفی هستند از میان طوایف ریز و درشت عشاير مغان که بی‌خیال از عبور شتابناک چارچرخ‌های تکنولوژی از کارشان و گذر دقایق و ثانیه‌ها، تکیه بر مرکب خویش داده و در پیچ و خم جاده‌های بی-انتهای کوچ همیشگی، دورتر و دورتر می‌شوند. آری این است سرنوشت ایل و عشاير، رفتن و رفتن و دوباره رفتن، طایفه‌ها و عشیره‌ها هنوز زنده‌اند مثل صدای دلنواز آشیقلار و سازشان مثل بایاتی‌لار و اوخشامالار و آغی‌لار. مغان جایگاهی ایمن برای گله‌های برون از شمار ایل شاهسئون، سوّمین ایل بزرگ کشور است و هر بار در بهار و پاییز از این وادی از دامنه‌های سواulan تا کرانه‌های آراز و بولغارچایی بگذری، در انبوه کوهستان‌ها و تپه ماهورها و کوهپایه‌ها و زمین‌های صاف و جلگه‌ای رمه‌ها و آلاچیق‌ها را می‌بینی که پراکنده‌اند و عاشقانه به طبیعت زیبای منطقه چسبیده‌اند. شاهسئون‌ها دامداران متحرکی هستند که نیایشان در دور دست‌های تاریخ به هوای یافتن چراگاه مناسب در این جلگه خیال‌گستر مؤاً گزیده‌اند. حیات عشاير به دام بسته است و حیات دام‌های آن‌ها به گیاه و حیات گیاه به

باران، پس نگاه ایل به زمین است و نگاه زمین به آسمان تا بیارد و فراوانی و برکت برای زندگی بیاورد و مغان این گستره بی‌انتها و این جلگه خیال‌انگیز، قیشلاق این بزرگ مردان باهمت و سختکوش و بی‌باک است و به عنوان مادر، آلاچیق‌ها را در آغوش گرم خود محافظ و نگهبان است.

شاهسئون یک کلمه تورکی به معنی دوستدار شاه می‌باشد و آن طور که مشخص است این نام از دوره صفویان بر این جماعت کوچنشین نهاده شده است. حاج زین‌العابدین شیروانی مؤلف بستان‌السیاحه در صفحه ۳۲۷ اثر خود در این خصوص چنین می‌نویسد: «جمعی از نمک به حرامان قزلباشیه بر شاه عباس خروج کرده و پای جرأت و جسارت پیش نهادند. شاه فرمود: «شاهسئون گل‌سین» یعنی هر که شاه را دوست دارد بباید. لهذا از هر فرقه آمده، طاغیان شاه را شکست دادند. پادشاه آن جماعت را شاهسئون نام نهاد. در میان آن طایفه، طوایف مختلفی است. مسکن ایشان در ملک مغان و آذربایجان و فارس است و قلیلی در کابل و کشمیر سکونت دارند. در غریب‌نوازی و مهمانداری و شجاعت بر امثال خود طریق سبقت سپارند». شاهسئون‌ها مردمانی غیور، شجاع، پرتحرک، مهمان‌نواز و صمیمی هستند و در برابر مشکلات مقاوم و صبور می‌باشند این‌ها به هنگام کوچ راه‌های طولانی و خسته-کننده بین قیشلاق‌ات مغان و بیلاقات سواalan و باگرو را با صبر و حوصله مثال‌زدنی طی می‌نمایند و به دنبال گله‌های خود در دل کوه‌ها و بستر جلگه‌ها و طبیعت زیبای سواalan و مغان برای ادامه زندگی تلاش و فعالیت می‌نمایند. در تاریخ از رشادت‌ها و قهرمانی‌های شاهسئونان بارها سخن به میان آمده و از این مرزداران کشور به نیکی یاد شده است. از دوره حکومت رضاخان مسئله اسکان عشایر مورد نظر قرار گرفت و در این دوره عشایر مغان به همراه سایر ایلات کوچنشین کشور سخت‌ترین روزهای خود را گذراندند. در این زمان عشایری که مقاومت می‌کردند مورد تهاجم وحشیانه قرار می‌گرفتند. از جمله این‌که آلاچیق‌هایشان به آتش کشیده می‌شد و گوسفندانشان کشته می‌شدند، اما با از میان رفتن این محدودیت‌ها دوباره کوچ آغاز و آلاچیق‌ها بر پا شدند. مهم‌ترین حادثه در تاریخ معاصر شاهسئون‌ها جنگ‌های ایران و روس بود که بر اثر آن مغان به دو قسمت تقسیم گردید و بالطبع شاهسئون‌ها و مراتع قیشلاقی آن‌ها هم به دو قسمت تقسیم شد و هم‌اینک بخش عظیمی از بهترین چراغ‌ها و برخی از طوایف شاهسئون در مغان جمهوری آذربایجان قرار دارند. با این‌که امروزه بسیاری از عشایر یک‌جانشین شده‌اند ولی باز هم حدود ده هزار خانوار

با هشتادهزارنفر جمعیت بین چراگاه‌های قیشلاقی مغان و بیلاقی ساوالان و باعرو در حرکتند. کوچ از قیشلاق به بیلاق از اوخر دهه اوّل اردیبهشت و از طریق سه ایلراه که «ائل يولی» می‌نامند آغاز می‌شود. این ایل راهها در نواحی شرقی - مرکزی و غربی مغان قرار دارند.

طول مسیر کوچ حدود ۱۸۰ الی ۲۰۰ کیلومتر است. این‌ها در طول مسیر حرکت از قیشلاق به بیلاق در مراتع یازلیق یا یازلاق(بهاره) و در مسیر حرکت از بیلاق به قیشلاق در مراتع کوزلیق(پائیزه) اوتراق می‌کنند. این مراتع عموماً در کوه‌های سالاوات داغی و منطقه ارشق واقعند. مراتع ارشق در حقیقت مانند پلی است که بین مراتع قیشلاقی مغان و بیلاقی ساوالان و باعرو واقع شده و وسعت این مراتع که به اورتالیق یا آرالیق(میان‌بند) معروف است حدود ۲۹۵ هزارهکتار تخمین زده می‌شود. مراتع بیلاقی ائلsson ها هم، در محدوده ساوالان حدود ۳۷۶ هزارهکتار و در محدوده باعرو حدود ۱۰۰ هزارهکتار می‌باشد.

یکجانشینی در مغان: یکجانشینی نوع دیگری از زندگی است که در آن انسان در محلی ثابت اقدام به کار و فعالیت نموده و نیازهای خود را تأمین می‌نماید. در زندگی یکجانشینی دو نوع جامعه را می‌توان از هم تمایز کرد. جامعه روستایی و جامعه شهری.

جامعه روستایی شامل مکان‌هایی است که کمتر از پنج هزار نفر جمعیت داشته باشند و اکثر ساکنان آن به کارهای کشاورزی و دامداری مشغول باشند. در مغان طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۱۰۵۰ روستا و قیشلاق با ۱۸۹۳۴۳ نفر جمعیت وجود داشته است.

جمعیت روستایی مغان حدود ۶۲۵ درصد از کل جمعیت این خطه را شامل می‌شود.

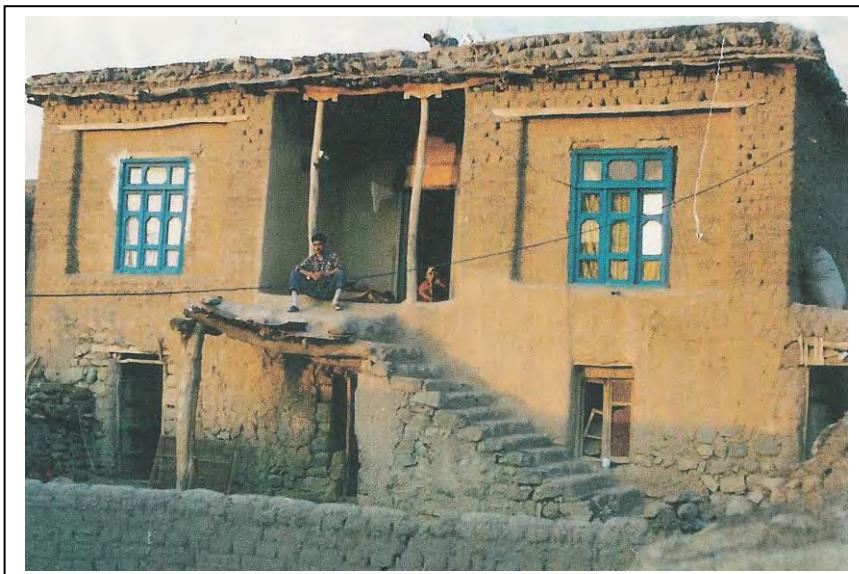
علاوه بر جامعه روستایی مغان، در این خطه شش نقطه شهری با ۱۱۰۶۰۵ نفر جمعیت وجود دارد که برخی از آن‌ها چون شهرهای بیله‌سوار و گئرمی مغان از قدمتی چند هزارساله برخوردارند. شهرهای دیگر مغان؛ پارساآباد(موغان شهر)، تازه‌کند اونگوت، جعفرآباد و آسلامدوز می‌باشند.

۹- نوع مساکن مغان: وضع ساختمان‌های هر منطقه بیشتر از شرایط طبیعی و نوع آب و هوا و درآمد مردم آن متأثر است. در این مبحث با توجه به نوع معيشت و زندگی مردم، مساکن منطقه مغان را در سه دسته شهری، روستایی و عشايري بررسی می‌نماییم.

مساکن شهری: بررسی وضع ساختمان‌های مغان نشان از سه نوع ساختمان و چشم‌انداز شهری در این خطه دارد. در شهر گثرمی که جنوبی‌ترین شهر مغان به حساب می‌آید، بخاطر سردسیر بودن نسبت به نواحی شمالی، اغلب خانه‌ها طوری ساخته شده‌اند که در برابر سرما مقاوم باشند. صالح ساختمانی به کار رفته در این خانه‌ها اغلب از مصالحی است که در منطقه وجود دارد. بخاطر وفور معادن سنگ و ارزان تمام شدن قیمت آن دیوار اغلب ساختمان‌های قدیمی این شهر از سنگ و سیمان ساخته شده و در سقف خانه‌ها هم معمولاً چوب و تیرآهن به کار رفته است. البته امروزه در نوع صالح به کار رفته در مساکن این شهر تحول اساسی ایجاد شده و صالح ساختمانی جدید مانند سیمان، آجر پخته، تیرآهن و غیره در ساخت و سازها راه پیدا کرده‌اند. در محلات قدیمی مخصوصاً در جنوب-شرقی و جنوب‌غربی این شهر به جهت کوهستانی بودن محل و ویژگی‌های خاص آن، ساختمان‌ها به صورت پلکانی بر فراز تپه و کوه بنا شده‌اند. این قسمت شهر منظره جالب و دیدنی دارد و نظر هر رهگذری را به خود جلب می‌نماید. سیمای شهر بیله‌سوار کاملاً متفاوت با سایر شهرهای منطقه مغان می‌باشد. این شهر از نظر بافت شهری شبیه شهرهای شمالی کشور است. بخاطر بارندگی زیاد سقف خانه‌ها در این شهر به شکل شیروانی ساخته می‌شوند. دیوار خانه‌ها هم اغلب با آجر پخته، سیمان و بلوک ساخته شده و در سقف آن‌ها هم از سفال و حلبي استفاده می‌شود تا در برابر باران مقاومت بیشتری داشته باشد. خانه‌ها در شهر پارسا‌آباد با توجه به جوان بودن این شهر و درآمد بالای ساکنان آن اغلب با استفاده از صالح ساختمانی جدید ساخته شده‌اند. خانه‌های شهرهای جعفرآباد، آستانه‌دوز و تازه-کند(تَزَهْ‌کند) هم به خاطر جوان بودن این شهرها نسبت به شهرهای دیگر مغان با استفاده از صالح جدید مانند سیمان، آجر پخته، تیرآهن و غیره ساخته شده‌اند.

مساکن روستایی: شکل خانه در روستاهای عموماً تابع مقتضیات طبیعی، درآمد افراد و صالحی است که طبیعت در دسترس مردم قرار می‌دهد. در نواحی جنوبی مغان که سنگ به وفور یافت می‌شود بنای ساختمان‌ها از سنگ، گل و چوب می‌باشد. هر چه از نواحی جنوبی به طرف شمالی برویم سنگ جای خود را با خشت عوض می‌کند. در نواحی شمالی و جنوبی منطقه مغان سقف خانه‌ها معمولاً به صورت مسطح و با استفاده از تیرچوبی ساخته شده‌اند. اما در نواحی شرقی مخصوصاً روستاهای اطراف شهر بیله‌سوار و نواحی جنوب‌شرقی موران که بارندگی زیاد است، سقف خانه‌ها به صورت شیروانی ساخته شده‌اند.

زرگر، دمیرچی، گؤی تپه، روح کندی، گون پاپاق، اودولو، مرادلو، افچه، سی یا، لجه‌بیر، اوستان و... نمونه‌ای از این‌گونه روستاهای در مغان می‌باشد. خانه‌های روستایی در جنوب مغان اغلب به صورت دو طبقه ساخته شده‌اند و از طبقه اول آن‌ها برای نگهداری دام و یا انبار استفاده می‌شود.



مساکن عشايری: هر خانوار عشايری و کوچنشين به چادر به عنوان مسكن احتياج مبرم دارد بدون چادر که سرپناه کوچ نشينان می‌باشد، زندگی در دامنه کوه و دشت غيرممکن است. ايلات و عشاير مغان بيشتر از دو نوع چادر؛ آلاچيق و کومه استفاده می‌کنند.

آلاچيق از اصلی‌ترین و جامع‌ترین مساکن عشايری به حساب می‌آيد و بزرگی آن بسته به امكانات و تعداد اعضای خانواده می‌باشد. در برپايي آن از چند تا ۲۴ تيرك که «كامانا» نام دارد استفاده می‌شود. آقاي بيگدلی در كتاب شاهسيئون‌های ايران درباره اين نوع مساکن چنین نوشته است: «آلاچيق شاهسيئون که در ييلاق از آن استفاده می‌شود متشكّل است از چهار تا شش چوب به طول چهار متر و يك عدد چنبره به شكل چتر که در اربيل ساخته می‌شود. هنگام برپايي آلاچيق چنبره را يك نفر مرد تا بالاي سرش بلند می‌کند. سپس چوب‌های آلاچيق را زن و مرد به کمک يكديگر که چنبره برای هر چوب يك سوراخ دارد آن را به هم متصل می‌نمایند و سپس با دو قطعه طناب که نام طناب‌ها را «باسديریخ»

گویند، چوب‌ها را به یکدیگر وصل می‌کنند و با ۴ عدد میخ چوبی به زمین کوبیده و محکم می‌کنند و بعد از آن با یک عدد طناب به نام «چوسکی ایپی» از چهار طرف چنبره گره کرده و با یک عدد میخ چوبی بنام «چوسکی میخی» که در زیر مقابل چنبره به میزان ۶۰ سانتی-متری زده و چنبره را محکم به آن می‌بندند سپس چوب‌های آلاچیق را از پایین به بالا میزان کرده و نمد (کِچه) که سه تکه می‌باشد و هر تکه دارای ۸ عدد نمد به طول 1×3 متر که به یکدیگر دوخته شده روی آلاچیق را می‌پوشانند و هنگام پوشاندن آلاچیق یک نفر زن به روی چنبره که احتیاج به بالا کشیدن نمدها می‌باشد، می‌نشینند و نمدها را میزان کرده و دو قطعه چتن (چوبوق) به دور پایین آلاچیق که از نی ساخته می‌شود و طولش ۸۰ سانتی‌متر است و با رسیمان به یکدیگر دوخته می‌شود که به مانند سیم توری می‌شود می-چرخانند، البته وقتی آلاچیق مستقر شد یک خانوار عشاير در آن مسکن گزیده و کلیه وسایل زندگی از قبیل مواد خوراکی، پوشاسک، رختخواب، فرش و... که به وسیله شتر حمل می‌شوند درون آن جای می‌گیرد.

کومه که یکی دیگر از مساکن عشايری است در لغت به معنای کلبه‌ای است که از چوب، گیاه، نی و سایر وسایل غیرگلی و آجری ساخته شده باشد. کومه معمولاً از آلاچیق کوچکتر و نسبت به آلاچیق کم دوام‌تر می‌باشد. کومه به دو صورت یا با استفاده از چوب و نمد و یا با استفاده از گل و خشت ساخته می‌شود. نحوه ساختن کومه با استفاده از چوب و نمد به این صورت است که ابتدا ۷ تا ۸ تیرک چوبی بلند خمیده انتخاب می‌کنند، ارتفاع این تیرک‌ها معمولاً حدود ۳ یا ۴ متر می‌باشد که یک سر آن‌ها را به فاصله‌های ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متری در زمین فرو می‌کنند و سر آزاد آن را به هم می‌بندند. بعد از بسته شدن سر تیرک‌ها به هم آن‌ها به شکل نیمداره درمی‌آیند. ارتفاع داخل کومه از زمین حدود $\frac{2}{5}$ متر و فضای نشیمنی داخل آن حدود ۵ مترمربع می‌باشد. قسمت‌های عقبی کومه را با نمد بزرگ مثلثی شکل می‌پوشانند. در پوشاندن پهلوهای آن هم از دو تکه نمد دراز مستطیلی شکل استفاده می‌شود. در یک طرف آن هم که فاصله تیرک‌ها از هم متناسب باشد درب ورودی را قرار می‌دهند. این نوع کومه‌ها ظاهری شبیه آلاچیق دارند. نوع دیگر، کومه‌های خشتی می‌باشد در این نوع کومه، با استفاده از گل و سنگ و خشت دیوارهایی به ارتفاع ۲ تا ۳ متر در دو طرف ایجاد می‌کنند. قسمت عقب آن هم بر اثر کنده شدن زمین خود به صورت دیوار درمی‌آید و یا در این قسمت هم دیواری ایجاد می‌نمایند. از

قسمت جلویی هم به عنوان درب ورودی استفاده می‌شود و سقف آن را با چوب‌های نازک و سر و شاخ درختان یا با استفاده از گیاهان می‌پوشانند و گاهی مقداری هم گل به روی آن می‌مالند.

۱۰- نهادهای فرهنگی مغان: در این مبحث لازم می‌دانیم هر چند گذرا به برخی از نهادهای فرهنگی مغان اشاره کنیم. یکی از نهادهای مهم فرهنگی منطقه، مراکز آموزش عالی می‌باشند. باسابقه‌ترین و مهم‌ترین مرکز آموزش عالی منطقه، دانشگاه پیام نور مرکز مغان می‌باشد که در سال ۱۳۷۱ با تأسیس آن موافقت شد و از سال تحصیلی ۱۳۷۳-۷۴ با پذیرش ۶۵ نفر دانشجو در رشته زبان و ادبیات‌فارسی شروع به فعالیت نمود. این مرکز شهرستان‌های مغان، بیله‌سوار، پارسا‌آباد، اردبیل و مشکین‌شهر را زیر پوشش داشته و در سال ۱۳۷۸ تعداد دانشجوی آن حدود ۳۵۰ نفر بوده است. ساختمان این مرکز در شمال شهرگئرمی مغان، در کنار جاده گئرمی - بیله‌سوار واقع شده و در سال‌های اخیر چندین رشته بر رشته‌های آن اضافه شده است. دانشگاه آزاد اسلامی پارسا‌آباد، گئرمی و بیله‌سوار مغان از دیگر واحدهای مهم دانشگاهی مغان می‌باشد. دانشگاه جامع علمی کاربردی گئرمی و پارسا‌آباد مغان و دانشکده پرستاری گئرمی مغان از دیگر مراکز آموزش عالی مغان هستند که در سال‌های اخیر با جذب دانشجو از اقصی نقاط کشور جای خوبی در بین مراکز آموزش عالی برای خود باز کرده‌اند. بعد از مراکز آموزش عالی از دیگر نهادهای فرهنگی کتابخانه‌ها می‌باشند. اوّلين کتابخانه‌ای که در مغان شروع به فعالیت نموده، کتابخانه عمومی شهرگئرمی مغان می‌باشد که از سال ۱۳۶۳ و با ۴۸۰ جلد کتاب به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرده است. از دیگر کتابخانه‌های مهم مغان کتابخانه شهرهای بیله‌سوار و پارسا‌آباد مغان می‌باشند که از سال ۱۳۷۳ شروع به فعالیت نموده‌اند. هم اینک این کتابخانه‌ها هر کدام با بیش از ده هزار جلد کتاب در اختیار علاقه‌مندان می‌باشند.

۱۱- صنایع دستی: فرآورده‌های دستی و تولیدات محلی مردم مغان در طی سال‌ها به منظور پرکردن اوقات فراغت و رفع نیازمندی‌های مردم منطقه صورت می‌گرفته و این صنایع به منزله ابزار کار و مکمل کار و زندگی مردم این خطه بوده و بسیاری از عناصر فرهنگی آنان را در خود منعکس کرده است. صنایع دستی منطقه مغان از فرهنگ و آداب و

رسوم و آرمان‌های مردم این خطه، در طی سال‌ها و قرن‌ها حکایت می‌کند و اگرچه در بافت یا تولید بیشتر آن‌ها صرف تزیین یا زیبایی مورد نظر نبوده و به جهت رفع نیاز تولید شده‌اند اما ناخودآگاه، بسیاری از عناصر زیبایی و نیز بسیاری از افکار و جهان باوری مردم مغان را در خود نهفته است.

صنایع دستی این خطه با همه نارسایی‌ها و بی‌توجهی‌هایی که در طول سال‌های قبل با آن مواجه شده هنوز هم به صورت ناشناخته ولی زیبا، زینت‌بخش بسیاری از کانون‌های فرهنگی مسکونی حتی در کشورهای خارج می‌باشد. امروزه انواع دست بافت‌ها، فرش، ورنی، گلیم، جاجیم، مسنند، جوراب، خورجین، ساپاند، نمد، چول اسب و... همراه با نقش و نگارهای زیبا و درخور توجه، هنرمندانه و ماهرانه در این خطه جان می‌گیرند و هنر دستی مردمان هنرمند خطه پربار مغان را به نمایش می‌گذارند. برای آشنایی با صنایع دستی مغان چند مورد از این صنایع را برای نمونه بررسی می‌نماییم.

شالبافی: دستبافی در اصطلاح محلی آذربایجان به شالبافی معروف است. بافتن جوراب، دستکش، کلاه پشمی، شال و بلوز از جمله صنایع دستی می‌باشند که تحت عنوان شالبافی از آن‌ها یاد می‌شود. در برخی روستاهای منطقه، زنان و دختران به تولید و بافتن شال‌های بسیار زیبا و ظریفی اشتغال دارند که تمیز دادن آن‌ها از منسوجات ماشینی دشوار است.

مهم‌ترین مرکز شالبافی آذربایجان منطقه مغان می‌باشد. مردم ساکن در این منطقه مخصوصاً زنان و دختران از سال‌ها قبل با بافت بهترین دستبافت‌ها اوقات بیکاری خود را پر می‌نمایند. با توجه به محسوس بودن بیشتر سرمای زمستان در نواحی جنوبی مغان یعنی نواحی اوچارلی (اوجرلو؛ اوچارود) نسبت به نواحی شمالی، شالبافی در این منطقه بیشتر رایج می‌باشد. غیر از سرمای زمستان، فراوانی پشم در این منطقه از جمله عامل مهم دیگری است که مغان را به صورت مرکز شالبافی آذربایجان درآورده است.

گلیم بافی: گلیم به عنوان نخستین زیرانداز بشر سابقه تولیدی بسیار طولانی دارد. براساس شواهد موجود، نخستین گلیم‌های دستبافت بسیار ساده بوده‌اند. گلیم بافی صنعت بومی و اصیلی است که در اکثر روستاهای منطقه مغان رواج دارد و اکثر شاغلین آن را زنان و دختران روستایی و عشایری تشکیل می‌دهند. این هنر دستی در ایجاد اشتغال و درآمد برای روستاییان نقش مهمی را ایفا می‌کند. حجم تولید گلیم در مغان خیلی زیاد است. در

این خطه مخصوصاً در بخش موران بهترین و زیباترین گلیم‌ها بافته می‌شود. از مهم‌ترین نقشه‌های گلیم مغان نقشهٔ نیس تانا، شیلوه، اوج گؤل، دورد گؤل، داراق نقشه، سیماور نقشه، طیاره نقشه و ... را می‌توان نام برد.

ورنی بافی: ورنی نوعی گلیم ریز بافت فرش نماست که دارای بافت و طرح خاصی می‌باشد. بافت ورنی در ایران مختص نواحی شمال شرقی آذربایجان یعنی خطهٔ مغان می‌باشد. ورنی در واقع همان گلیم‌های سوزن‌دوزی شده و ظریف معروف به «سوماک» به زبان محلی می‌باشد. مهم‌ترین مرکز ورنی‌بافی مغان بخش آسلان‌دوز می‌باشد. در این بخش بیش از ۲ هزار خانوار به ورنی‌بافی مشغولند. غیر از این در ناحیه بیله‌سوار، پارسا‌آباد و گرمی، مخصوصاً روستاهای انجیرلو، آشاغا و یوخاری بوران، سالوات، قارآگاج و مرادلو بافت ورنی رواج دارد.

نقش‌هایی که به وسیله بافندگان بر روی ورنی تصویر می‌شود ذهنی بوده و بسته به ذوق و سلیقه بافندگان طراحی می‌شود. بیشتر نقوش ورنی مغان از اشکال حیوانات و وحش منطقه تأثیر پذیرفته است، نقوش عمدۀ حیوانات عبارتند از گوزن، آهو، گرگ، سگ گله، بوقلمون، مرغ، خروس، گربه، سار، عقرب، گوسفند، ببر، روباه، شیر و پرندگان محلی که به صورت ساده و هندسی بافته می‌شوند و بی‌شباهت به نقوش سفال‌های متعلق به ادوار پیش از تاریخ نیستند.

جاجیم بافی: مهم‌ترین جنبه تولید و مصرف جاجیم در گذشته جهت استفاده برای روکرسی، زیرانداز و روانداز بوده ولی امروزه علاوه بر روکرسی به تهیه انواع پشتی، کیف، ساک، رومبلى، روکش صندلی اتومبیل، خورجین و ... استفاده می‌شود.

بافت جاجیم از آن جهت که تهیه مواد اولیه آن احتیاج به خرج کمتری نسبت به سایر صنایع دستی نظیر قالی‌بافی دارد، تقریباً در اکثر خانواده‌های عشايری و روستایی که عشاير اسکان یافته هستند صورت می‌گیرد. جاجیم از لحاظ طرح و نقش، به طور کلی به دو صورت ساده و گلدار بافته می‌شود و نوع گلدار آن انواع و اقسام مختلف دارد. البته نوع بخصوصی از جاجیم نیز توسط هنرمندان این خطه بافته می‌شود که به پالاز(پلاس) معروف است و از جاجیم ارزان‌قیمت و ساده‌تر به شمار می‌رود.

قالی‌بافی: مغان منطقه‌ای است که از دیرباز قالی‌بافی با زندگی مردم آن عجین شده است. در گذشته که شغل عمده مردم دامداری و دامپوری بود، زنان عشاير و ایلاتی به بافت قالی مشغول می‌شدند.

بر اساس روایت بزرگترها در حدود سال‌های ۱۳۵۰ یا به عبارت بهتر در دهه‌های چهارم و پنجم قرن حاضر، تقریباً هیچ خانه‌ای در مغان نبوده که در آن دار قالی برپا نبوده باشد اما در سال‌های بعد این صنعت از رونق افتاد. از مهم‌ترین نقشه‌های قالی‌های مغانی می‌توان به شیله ن نقشه، مصلحت نقشه، قوچ کله، پودنیس، گُول نقشه، یوردچی نقشه، ریزه ماهی و... اشاره نمود.

۱۲- سوغاتی‌های مغان: وجود مواد اوّلیه فراوان چون پشم، چرم، پوست، چوب و... سبب رونق انواع صنایع دستی در این خطه گردیده و پنجه‌های هنرمندان مرد و زن مغانی این مواد خام را به شکل زیبا و قابل استفاده درآورده است. بنابراین انواع صنایع دستی که در قبل از آن‌ها یاد کردیم چون؛ فرش، گلیم، حاجیم، مفرش، مسنند، چیغ و... بخش مهمی از سوغاتی‌های مغان را تشکیل می‌دهد.

دامپوری یکی از مشاغل اصلی مردم مغان در طول تاریخ بوده بنابراین بخش مهم دیگری از سوغاتی‌ها را انواع مواد غذایی لبni شامل شیر، کره محلی، پنیر و... تشکیل می‌دهد. لبniات مغان از کم‌نظیرترین مواد در نوع خود هستند. گوشت مغان هم که از انواع دام‌های منطقه به دست می‌آید از مرغوب‌ترین، لذیذترین و باطعم‌ترین گوشت‌ها می‌باشد.

پرورش تعداد ۶۵۰۰ فرونده کندوی زنبور عسل در منطقه، سالانه سبب تولید حدود ۹۰ تن عسل طبیعی می‌شود. غیر از این شرکت کشت و صنعت مغان به پرورش ۲ هزار فرونده کندوی زنبور عسل که بالغ بر ۲۵ تن عسل از آن‌ها به دست می‌آید اقدام نموده است. بنابراین عسل طبیعی یکی دیگر از سوغاتی‌های منطقه مغان را تشکیل می‌دهد.

به خاطر وجود باغات فراوان میوه و تولید انواع میوه خوب در این باغات، انواع میوه و آبمیوه، از دیگر سوغاتی‌های این خطه زرخیز می‌باشد.

بخش پنجم

امکانات رفاهی، نواقصات و پیشنهاداتی در خصوص صنعت گردشگری مغان

۱- بررسی امکانات رفاهی موجود: همانطوری که در بخش‌های قبلی بیان نمودیم جاذبه‌های دیدنی مغان اعم از طبیعی، تاریخی، انسانی و فرهنگی بی‌شمار می‌باشد اما با این دارایی‌های خوب و ارزشمند این خطه چندان مورد توجه مسئولان دولتی و بخش خصوصی جهت ایجاد امکانات زیربنایی و گردشگری قرار نگرفته است.

ایجاد غذاخوری‌های بین‌راهی در روستاها و کنار مکان‌های جاذبه‌دار یکی از نیازهای ضروری بخش گردشگری این خطه است. در این خصوص چندین واحد در منطقه ایجاد شده و امید می‌رود با همت و تشویق مسئولان واحدهای دیگری هم ایجاد گردد. پارک‌های زیبا و مناسب برای استراحت موقّت و روزانه گردشگران از دیگر نیازهای ضروری بخش گردشگری می‌باشد که خوشبختانه چندین پارک مناسب در شهرهای این خطه احداث شده و چندین مورد دیگر هم در دست اجراست. پارک ملت گئرمی، پارک تپه نرگس بیله‌سوار، پارک شهر پارسا‌آباد، پارک فدک جعفرآباد و... از جمله پارک‌های مهم شهرهای مغان می‌باشند. علاوه بر این‌ها آماده ساختن باغات منطقه توسط صاحبان آن‌ها برای پذیرایی از گردشگران در سال‌های اخیر افزایش یافته که در جذب گردشگران و رفاه حال آنان مفید می‌باشد.

مکان مناسب برای استراحت شبانه گردشگران، از دیگر نیازهای ضروری بخش گردشگری است که در این زمینه چندین هتل، مسافرخانه و واحدهای اقامتی در منطقه فعالیت دارند که البته کافی نیستند و احداث واحدهای دیگر در این خطه، از نیازهای اساسی امروزه منطقه می‌باشد.

۲- نوادرات صنعت گردشگری مغان: مدیریت واحدهای جذب گردشگر و راهنمایی و پذیرایی از گردشگران و نیز تأمین وسایل ایاب و ذهب و خوراک آنان باید به صورت علمی صورت گیرد و این کارها را اشخاصی بر عهده گیرند که دارای تخصص، تعهد و مهارت علمی می‌باشند. بقول حسین صدر مؤلف کتاب توریست و جهانگرد کیست؛ «به طور یقین جوانی که در تمام عمر خود در روستا و یک شهر کوچک زندگی کرده است اگر تحصیلات بالایی هم داشته باشد تا در این رشتہ آموزش نبیند و کلاس را نگذراند باشد نمی‌تواند تأمین کننده نظرات یک جهانگرد خارجی باشد». بنابراین در وهله اول در جهانگردی باید از متخصصین امر استفاده نماییم و این مشکلی است که در کل کشور قابل لمس می‌باشد و امید داریم مسئولین امر حداقل با برگزاری کلاس‌های کوتاه‌مدت برای این مهم چاره‌جویی نمایند.

یکی از اساسی‌ترین مشکلات بحث جهانگردی در منطقه مغان مشکل عرضه کالاهای گردشگری برای گردشگران است. نبود کاتالوگ، عکس‌های رنگی، کارت‌های پستال و بروشورها با شرح کامل و یا مختصر از مراکز دیدنی اعم از آثار طبیعی، تاریخی، مذهبی و انسانی سبب ناشناخته ماندن دیدنی‌های این خطه گردیده در حالی که در مناطقی که اغلب مردم آن از راه صنعت گردشگری امرار معاش می‌کنند تعداد این قبیل کالاهای زیاد از حد بوده و نیز به خاطر ایجاد تنوع حتی هر چند یکبار حاشیه و نوع نوشته و اندازه این عکس‌ها و کارت‌ها را تغییر می‌دهند تا زیباتر جلوه نمایند.

یکی دیگر از مشکلات جهانگردی منطقه مغان نبود نقشه‌های گردشگری است. جهانگردی که وارد منطقه می‌شود نمی‌داند که از کجا شروع به بازدید نماید و به کجاها مراجعه کند تا بتواند از جاذبه‌های منطقه بهتر استفاده کند و وقت زیادی تلف نکند.

ایجاد مجتمع‌های خدماتی و رفاهی و یا حداقل سرویس‌های بهداشتی مناسب در مناطق مختلف و به ویژه در نزدیکی محل‌هایی که آثار دیدنی دارند از دیگر ضرورت‌های بخش گردشگری است که متأسفانه تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تأمین برخی از کالاهای مواد غذایی برای گردشگر از دیگر موارد بخش گردشگری است که تا بحال در جاهای پر جاذبه به این امر زیاد توجه نشده، پس لازم است در مکان‌های پر جاذبه، فروشگاه‌های شیک و بهداشتی عرضه مواد غذایی ایجاد گردد.

۳- پیشنهاداتی برای رونق صنعت گردشگری مغان: برای یک گردشگر بسیار مهم است که قبل از مسافرت به کشور، منطقه و یا شهری، در مورد آن محل و جاذبه‌های مهم گردشگری آن اطلاعاتی داشته باشد تا بتواند از سفر خود استفاده بهتری نماید. پس ما باید اطلاعات جاذبه‌های گردشگری‌مان را در اختیار گردشگران قرار دهیم و شرایطی فراهم نماییم تا بتوانیم دل گردشگران را به دست آوریم تا این‌که دوباره و چندباره از این منطقه دیدن کنند. برای رونق صنعت گردشگری و رفع برخی از مشکلات این صنعت پیشنهاداتی را در زیر می‌آوریم، باشد که مؤثر واقع شود.

- برای تبلیغ و آشنایی با جاذبه‌های گردشگری و جلب نظر گردشگران و مؤسسات جهانگردی که به مناطق مختلف جهانگرد می‌فرستند باید همه ساله به وسیله سازمان ایرانگردی و جهانگردی، سمینارها و همایش‌هایی تشکیل شود تا این افراد و مؤسسات با جاذبه‌های منطقه بیشتر آشنا شوند. سخنرانی، هدیه دادن سوغاتی‌های محلی، کارت پستال‌هایی که معرف مراکز دیدنی منطقه‌اند و توزیع انواع آلبوم‌ها و بروشورها و... در این سمینارها موجب معرفی منطقه برای گردشگران خواهد شد و بطور یقین هزینه‌هایی هم که برای این کار صرف می‌شود، از طریق افزایش تعداد گردشگران جبران خواهد شد. پس پیشنهاد اول اینست که برای معرفی هر یک از جاذبه‌های منطقه سمینارهایی برگزار شود. برگزاری همایش معرفی شهر کوهپایه‌ای گثرمی مغان در شهریور سال ۱۳۸۲ که اولین مورد از این نوع همایش‌ها در سطح منطقه بود نشان از توجه خاص مسئولین به این مسئله دارد و امید می‌رود که این قبیل سمینارها و همایش‌ها تداوم داشته باشند.

- احداث موزه‌های طبیعی، تاریخی، مردم‌شناسی و... یکی دیگر از عواملی است که در جذب گردشگر مؤثر می‌باشد. موزه‌ها با داشتن آثار ارزشمند فراوان در واقع می‌توانند طبیعت، تاریخ و یا سنت‌ها، پوشاك، خوراک و... مردم یک منطقه را در یک محل به نمایش بگذارند. بنابراین ویژگی مهم آن‌ها این است که به طور مثال به جای گشت‌وگذار در طبیعت و دیدن انواع زندگی جانوری یک منطقه، می‌توان اکونومی آن‌ها را در یک مجموعه زیبا هم مشاهده کرد.

- تهیه نقشه‌های راه‌ها و بروشورهایی که به معرفی جاذبه‌های مهم گردشگری منطقه می‌پردازند از دیگر عوامل مؤثر در رونق گردشگری هر منطقه است. وجود نقشه‌های راه‌ها سبب می‌شود گردشگر به راحتی و بدون فوت وقت از مکان مورد نظر بازدید نماید.

برو شورها هم از دیگر عوامل مهم و مؤثر در رونق گردشگری می‌باشند که قبل از دیدن آثار، اطلاعاتی را ارائه و ذهن بازدید کننده را آماده می‌نمایند. این نکته هم مهم است که گردشگر در صورت نداشتن اطلاعات شاید بسیاری از آثار دیدنی منطقه را در برنامه دیداری خود نگنجاند.



نمونه‌ای از پوسترهایی که توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تهیه شده است.

- ایجاد آژانس‌های مسافرتی و نیز همکاری با آنان و برگزاری تورهای گردشگری در منطقه مخصوصاً در ایامی چون کوچ عشاير، برگزاری رسم «آلادلاما» در تابستان، مراسم ویژه عزاداری در مسجد غربیان و... سبب آمدن گردشگران زیادی به منطقه خواهد شد. بنابراین لازم است که در این خصوص برنامه‌ریزی ویژه‌ای داشته باشیم.

- ایجاد المان‌های مناسب در هر شهر، بخش، محله و روستا و نیز معرفی آن‌ها با یک نماد ویژه که با آن شهرهاند. در این مبحث لازم است اشاره کنیم که شهرستان‌های سه‌گانه منطقه مغان به داشتن گوشت قرمز محلی لذید مشهورند این گوشت از دام‌های مخصوص این منطقه که با نژاد مغانی شناخته می‌شوند و شهرت جهانی دارند به دست می‌آید. هم-

چنین لبینیات مغان اعم از کره، شیر، سرشیر، دوغ(آیران)، پنیر و... شهرت خاصی داشته و می‌تواند به عنوان سوغاتی به مسافران عرضه شود. در کنار این‌ها صنایع دستی و محصولات زراعی و باغی نیز می‌تواند در سبد سوغاتی هر مسافر وارد به مغان جای داشته باشد. علاوه بر این کلیات که مربوط به تمام منطقه مغان است هر شهر و بخش و محله و روستا نیز می‌تواند محصولی ویژه را به سبد مسافران این خطه اضافه کند.

خشیل بخش موران، دوشاب اوچارلو، عسل روستای شیخlar، گردو و «به» یا به زبان تورکی «هئیو» خطه گئرمی مغان، کته(نوعی غذای سنتی روستاهای گئرمی مغان)، شلیل روستای آزادلو، هلوانجیری روستای تپه کندی، کیمه مقبره سید نجفقلی روستای شوون، انار روستای هئزان، سیب روستای کمرقايا، گوجه‌فرنگی یا به زبان محلی پامادر روستای حمزه خانلی، کباب و کله پاچای شهر گئرمی، نان محلی معروف به تندیرچوره‌یی روستاهای منطقه مخصوصاً روستاهای اینی، آلايلا و داشدیبی، توت باغی(باغ توت) روستای اسلام‌آباد پارسا‌آباد، پشم روستاهای محل خوروزلو، شالیزارهای برنج روستاهای کلانسورا، هئزان، شوریستان و قاراداغلی، ورنی آسانندوز، زئیوه و اینجیرلو و... نه تنها شهرت استانی بلکه شهرت کشوری دارند که باید به این مباحث زیاد دقت گردد.

- ایجاد امکانات در باغات منطقه برای پذیرایی از گردشگران از جمله کارهای لازم این صنعت در منطقه می‌باشد. برای این منظور لازم است نهادهای دولتی در مراحل مختلف انجام این کار از صدور مجوز تا ایجاد تأسیسات لازم همکاری لازم را داشته و افراد را به این کار تشویق نمایند. اعطای وام‌های کم‌بهره به این افراد سبب رونق چنین کارها و در نتیجه سبب رونق گردشگری منطقه خواهد شد.

- محدود نکردن گردشگری منطقه به فصل خاص و گسترش آن در تمام فصول از موارد مهم و قابل توجه این صنعت می‌باشد که باید همواره در ذهن مجریان این صنعت باشد. با توجه به این که گردشگری مغان هم زمینه‌های مختلفی را شامل می‌شود ایجاد امکانات و زیرساخت‌ها برای شاخه‌های مختلف گردشگری چون طبیعی، تاریخی، روستایی، عشايری، زمستانی، فرهنگی و... می‌تواند سبب جذب گردشگر در طول سال گردد که این امر در توسعه پایدار منطقه مؤثر خواهد بود.

- معرفی جاذبه‌های گردشگری منطقه براساس مسیرهای پیشنهادی به گردشگران به طوری که گردشگر با انتخاب یک مسیر بتواند به همه جاذبه‌ها دسترسی داشته باشد و از حداقل زمان حداکثر استفاده را بکند از دیگر نیازهای بخش گردشگری منطقه است.

با توجه به پراکندگی روستاهای منطقه و نیز تنوع و پراکندگی آثار و جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و انسانی، برنامه‌ریزی برای تعیین مسیرهای گردشگری در منطقه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. مثلاً اگر در معرفی مسیر گئرمی قوزلو- داشدیبی به گردشگر اطلاعات داده شود که در این مسیر مقبره آقامیربهمن و میربویوک آقا، قلعه دئوقالاسی، محوطه تاریخی ساپاند داشی و... در روستای ایزمارا، مقبره میرсадات خان و حاج آخوند، آبشارها، درختان دیرزیست، باغات و... در روستای قوزلو، مناظر زیبای طبیعی، پوشش جنگلی، یخچال طبیعی، قلعه و مسجد غریبان در اینی، قبرستان تاریخی و مناظر بکر و زیبا در روستای آلایله و نیز مناظر زیبای و دیدنی روستای داشدیبی واقع شده است و نیز برای هر مسیر در بروشورهای جداگانه اطلاعاتی از هر یک از این جاذبه‌ها و نیز مهم‌تر از همه طول مسیر و حتی مسافت هر یک از این جاذبه‌ها از هم مشخص گردد، گردشگر به راحتی می‌تواند با توجه به زمانی و فرصتی که در اختیار دارد با برنامه‌ریزی، این مسیرها را انتخاب و از گردش خود نهایت استفاده را ببرد. ضمناً لازم به توضیح است که هر گونه برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری در منطقه باید در چهارچوب این نیازها انجام گیرد.

این فصل و کتاب را با جمله‌ای زیبا از مولای متقیان حضرت علی‌الله^{علیه السلام} به پایان می-رسانیم. آن حضرت در خطبه ۲۳۷ نهج‌البلاغه فرموده که: «در عبادت و کار خیر و نیکو بشتابید» پس اینک نوبت مسئولان و مردم ماست که آستین همت بالا زند و به این همه دارایی‌های خطه پریار مغان ارج نهند و با کلید گردشگری قفل عقب‌ماندگی و عدم توسعه منطقه را باز نمایند.

«پایان»

بخش ششم

فهرست آثار دیدنی، منابع و مأخذ و تصاویری از جاذبه‌های گردشگری مغان

فهرست آثار دیدنی منطقه به تفکیک شهرستان و بخش:

(الف) فهرست آثار دیدنی شهرستان پارساآباد مغان

- ۱) کارخانه‌های منطقه(بخش مرکزی)
- ۲) شکارگاه خوروزلو(بخش آسلامندوز)
- ۳) دریاچه سد میل مغان(بخش آسلامندوز)
- ۴) آبشار قیرخ پیللله(چهل پله)، (بخش مرکزی)
- ۵) شهرک مغان و دریاچه زیبای آن(بخش مرکزی)
- ۶) باغات کشت و صنعت(بخش‌های مرکزی و تازه‌کند)
- ۷) تالاب‌های زیبا از جمله تالاب توپراق کندی(بخش مرکزی)
- ۸) سواحل زیبای قاراسو(بخش آسلامندوز)
- ۹) سواحل زیبای آراز(بخش‌های مرکزی و آسلامندوز)
- ۱۰) کانال‌های آبرسانی(بخش‌های مرکزی، تازه‌کند و آسلامندوز)
- ۱۱) مزارع و کشتزارهای گندم منطقه(بخش‌های مرکزی، تازه‌کند و آسلامندوز)
- ۱۲) مزارع و شالیزارهای زیبا و دیدنی پنبه و برنج (بخش‌های مرکزی، تازه‌کند و آسلامندوز)
 - ۱۳) تپه نادری(بخش آسلامندوز)
 - ۱۴) پل تاریخی خدافرین(جنوب غرب آسلامندوز)
 - ۱۵) اولتان قالاسی(روستای اولتان، بخش مرکزی)
- ۱۶) مسجد غریبان(غریبه مسجد) (قیشلاق بخش مرکزی)
- ۱۷) مقبره مرحوم سیدعلیش(قبرستان شهر پارساآباد مغان)
- ۱۸) برج تاریخی قارلوجا(روستای قارلوجا، بخش آسلامندوز)

- ۱۹) تپه‌های تاریخی، گوزل‌لی، بوران، ایدیر و... (بخش آسلاندوز)
- ۲۰) محوطه تاریخی و اوجاق کول‌تپه (بخش آسلاندوز روستای کول‌تپه)
- ۲۱) تپه‌های تاریخی قوشاتپه، غیبعلی، آق‌توره، قاراتوره و... (بخش مرکزی)
- ۲۲) نوع معيشت و زندگی عشايري (بخش‌های مرکزی، تازه کند و آسلاندوز)
- ۲۳) منطقه حفاظت شده پرورش آهون مغانی (بخش‌های مرکزی و آسلاندوز)
- ۲۴) نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان (بخش‌های مرکزی، تازه کند و آسلاندوز)

ب) فهرست آثار دیدنی شهرستان بیله‌سوار مغان

- ۱) پارک نرگیس تپه‌سی (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۲) پارک جنگلی گوللو باغ (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۳) تفرجگاه دمیرچی (روستای دمیرچی، بخش مرکزی)
- ۴) مقابر شهدای جنگ جهانی دوم (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۵) مقبره حاج میر محمود کریمی (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۶) مسجد غریبان (غريبه مسجد) (گون‌پاپاقدشت، بخش مرکزی)
- ۷) بنای تاریخی اداره گمرک (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۸) ساختمان مدرسه امام خمینی (ره) (شهر بیله‌سوار مغان)
- ۹) کانال‌های آبرسانی (بخش‌های مرکزی و قیشلاق‌قدشت)
- ۱۰) دریاچه زیبای شورگؤل (روستای شورگؤل، بخش قیشلاق‌قدشت)
- ۱۱) مزارع و کشتزارهای منطقه (بخش‌های مرکزی و قیشلاق‌قدشت)
- ۱۲) باغات کشت و صنعت (بخش قیشلاق‌قدشت)
- ۱۳) سواحل رودخانه بولغارچای (بخش مرکزی)
- ۱۴) خوروزلوداغلاری (بخش‌های مرکزی و قیشلاق‌قدشت)
- ۱۵) ساختمان سیلوی شهر جعفرآباد (بخش قیشلاق‌قدشت)
- ۱۶) قلعه تاریخی قیزقالاسی (روستای قیزقالاسی، بخش مرکزی)
- ۱۷) کاروانسرای خوروزلولو (روستای شورگؤل، بخش قیشلاق‌قدشت)
- ۱۸) تپه تاریخی شهر تپه‌سی (روستای قیزقالاسی، بخش مرکزی)
- ۱۹) تپه تاریخی ایلان‌چیغ (روستای دمیرچیلو، بخش مرکزی)

- ۲۰) محوطه تاریخی آگاجاران(قیشلاق آگاجاران، بخش قیشلاقدشت)
- ۲۱) تونل و غار تاریخی(کوهول) (روستای پتلقان، بخش قیشلاقدشت)
- ۲۲) اوجاق زارینجی مستعلی بیلی و اوچاق اوجاق قیشلاقی(بخش مرکزی)
- ۲۳) نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان(بخش‌های مرکزی، قیشلاقدشت)
- ۲۴) نوع معیشت و زندگی عشايری(بخش‌های مرکزی و قیشلاقدشت)
- ۲۵) تپه‌های تاریخی یاریم‌تپه اودلو و جعفرقلی قیشلاقی، بخش مرکزی)

ج) فهرست آثار دیدنی شهرستان گئرمی مغان

- ۱) سواحل رودخانه داشدیبی چایی(بخش موران)
- ۲) سواحل رودخانه بولغارچایی(بخش‌های مرکزی و موران)
- ۳) سواحل رودخانه‌های قاراسو، سامبورچایی و برزندچایی(بخش اونگوت)
- ۴) سواحل رودخانه‌های گئرمی‌چایی، اوچارلی‌چایی و دیزده‌چایی(بخش مرکزی)
- ۵) کوههای آزنا، ایرناواش، دول‌دول قایاسی، شوش‌داغ، دولوندور و... (شهر گئرمی مغان)
- ۶) رشته کوههای سالاوات‌داغلاری و خوروز‌لوداغلاری(بخش‌های مرکزی، اونگوت و موران)
- ۷) پارک جنگلی سرجه کالان، واقع در کنار نهری معروف به همان نام(تازه‌کند اونگوت)
- ۸) پارک جنگلی ایرناواش و کوتول(در حال ساخت و تجهیز، شهر گئرمی مغان)
- ۹) آثارهای جوماشوله‌سی(بیویک شورران)، شورران بولاق، قیزیل‌قیا، گئن‌دره، وجکلی‌دره، سولدوز اوچن(سولدوز‌شوله‌سی) و ... (روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- ۱۰) آثارهای افچه، سالالا، رمضانی، پرمه، افسوران و ... (بخش موران)
- ۱۱) آثارهای اوجاق آلازار، اینی، بیبره و ... (بخش مرکزی)
- ۱۲) آثار قاری قیشلاقی(قاری قیشلاقی، بخش اونگوت)
- ۱۳) آثارهای آلمالو و میشیله(روستای آلايلا، بخش مرکزی)
- ۱۴) دریاچه سد گیلارلو(بخش مرکزی)
- ۱۵) کانالهای آبرسانی(بخش‌های مرکزی و اونگوت)
- ۱۶) مارال‌لو قالاسی(روستای مارال‌لو، بخش اونگوت)
- ۱۷) دومولوقالاسی(روستای دومولو، بخش اونگوت)
- ۱۸) برزندقالاسی(روستای قالابرزنند، بخش اونگوت)

- ۱۹) زئیوه قالاسی(روستای چای زئیوه، بخش اونگوت)
- ۲۰) قیزقالاسی(روستای قیزقالاسی، بخش مرکزی)
- ۲۱) یئل سویوقالاسی(روستای یئل سویو، بخش اونگوت)
- ۲۲) قالاباشی(باشقالا) (یکی از محله های شهرگئرمی مغان)
- ۲۳) اینی قالاسی(روستای یوخاری اینی، بخش مرکزی)
- ۲۴) دئوقالاسی(حدفاصل روستای ایزمارا و شهرگئرمی مغان)
- ۲۵) گل دیمان قالاسی(قیشلاق کاراناو، کنارقاراسو، بخش اونگوت)
- ۲۶) آنزرقالاسی(حدفاصل دومولو، گلین بولاغی و کالانتر، بخش اونگوت)
- ۲۷) مقبره آیت‌الله شیخ حبیب‌الله قارادونلو(روستای پیرلو، بخش اونگوت)
- ۲۸) مقبره مرحوم آقا میرعزیز میرزاده(شهرگئرمی مغان)
- ۲۹) مقبره میر عطاء(روستای مجیدلو، بخش اونگوت)
- ۳۰) مقبره سیدنجفقلی(روستای شوون، بخش مرکزی)
- ۳۱) مقبره مرحوم سیدبویوک آقا و سیدبهمن موسوی(روستای ایزمارا، بخش مرکزی)
- ۳۲) مقبره محمدبن محمد حنفیه معروف به محمدبن هاشم(روستای قالابرزنده بخش اونگوت)
- ۳۳) مقبره سادات خان از قهرمانان جنگ جهانی دوم و حاج آخوند(روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- ۳۴) مقبره دده ماسید، معروف به مقبره شیخ عبدالله انصاری(داش زئیوه، بخش اونگوت)
- ۳۵) اوجاق‌های چای گئرمی و یئل سویو(بخش اونگوت)
- ۳۶) اوجاق و قبور تاریخی دریامان(روستای دریامان، بخش مرکزی)
- ۳۷) قانبای اوجاغی و اوجاق اینی(روستای یوخاری اینی، بخش مرکزی)
- ۳۸) مسجد تاریخی غریبان، غربیه مچید(روستای آشاغا اینی، بخش مرکزی)
- ۳۹) اوجاق پیر زید میرو و مسجد تاریخی بابا حمزه رامازانلی(رمزانلو) (بخش موران)
- ۴۰) غار تاریخی آلايلا(آلايلا، بخش مرکزی)
- ۴۱) غار تاریخی اوغوزلو(روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- ۴۲) غار تاریخی آباس‌آلیلی(روستای آباز‌آلیلی، بخش اونگوت)
- ۴۳) قبرستان تاریخی آلايلا(روستای آلايلا، بخش مرکزی)
- ۴۴) تپه تاریخی سالالا، شیخalar، پیهدره و... (بخش موران)
- ۴۵) تپه تاریخی برزنده، نصرالله‌بگلو، آرزنه و... (بخش اونگوت)

- (۴۶) تپهٔ تاریخی شوکورلو، تپه، ناغارا، اینی، قوزلو و... (بخش مرکزی)
- (۴۷) سنگ افراشته تاریخی دیکداش(روستای دیکداش، بخش اونگوت)
- (۴۸) محوطهٔ تاریخی چوبان داشی یا داشادون، حدفاصل ایزمارا، قوزلو و اینی(بخش مرکزی)
- (۴۹) محوطه‌های تاریخی اوج‌تپه، بالقوز بولاق، گوور چو خوری، قیران، پَلیلی دره‌سی، خان‌قازدیران، آستَک میدانی، لیغ‌آشا، پوجه‌لر، سورار، نامازدره‌سی و... شهرگئرمی مغان
- (۵۰) محوطهٔ تاریخی قیزیل قایا، آرب(عرب) سنگری، پیل‌چیخان و آغیل‌یئری(قوزلو، بخش مرکزی)
- (۵۱) شکارگاه موران(بخش موران)
- (۵۲) شکارگاه خوروزلوداغلاری(بخش اونگوت)
- (۵۳) شکارگاه جین دره‌سی(روستای زئیوه، بخش اونگوت)
- (۵۴) شکارگاه کوه‌های آقا بابا(روستای آ GAMMIDIگلو)، بخش اونگوت)
- (۵۵) کشتزارهای گندم، جو، پنبه و بنشن و شالیزارهای برنج(بخش‌های مرکزی، اونگوت و موران)
- (۵۶) شوله‌لر دره‌سی(روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- (۵۷) قوبول دره‌سی(روستای چینناب، بخش اونگوت)
- (۵۸) انار دره‌سی(روستاهای هئزان و شورستان، بخش اونگوت)
- (۵۹) ساختمان‌های پلکانی(بافت قدیمی شهر زیبا و دیدنی گئرمی مغان)
- (۶۰) نوع معیشت و زندگی عشايری(بخش‌های مرکزی، اونگوت و موران)
- (۶۱) باغات «به»(محله آل له دره، گئرمی)
- (۶۲) باغات اطراف سامبور چای(اونگوت)
- (۶۳) باغات شلیل روستای آزادلو(بخش مرکزی)
- (۶۴) باغات گردو(روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- (۶۵) باغات انار و انجیر(روستاهای هیزان و شورستان، بخش اونگوت)
- (۶۶) درخت دیرزیست گردو(روستای تولیئیر، بخش مرکزی)
- (۶۷) درختان دیرزیست گردو(روستای افچه، بخش موران)
- (۶۸) درختان دیرزیست گردو(روستای قوزلو، بخش مرکزی)
- (۶۹) درخت دیرزیست و مقدس چنار(روستای چینارکندی، بخش اونگوت)
- (۷۰) جنگل کوه آنژیر داغی(بخش اونگوت)
- (۷۱) جنگل کوه ال له سرداغی(بخش موران)

- ۷۲) جنگل کوههای میروdagی و قاراجاداغی(بخش موران)
- ۷۳) جنگل کوه شین آوارداغی(یوخاری اینی، بخش مرکزی)
- ۷۴) جنگل‌ها و مراتع کوه آلاپلاداداغی(روستای آلايلا، بخش مرکزی)
- ۷۵) نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان(بخش‌های مرکزی و موران)
- ۷۶) بیزخانا(یخچال طبیعی) شین آوار داغی(یوخاری اینی، بخش مرکزی)
- ۷۷) بیزخانا(یخچال طبیعی) قاراقایا(موغان گئروکن داغی، بخش مرکزی)
- ۷۸) دریاچه طبیعی قالغانلی گؤل(روستای خانکندی، بخش مرکزی)
- ۷۹) دریاچه طبیعی گؤل هاماری(روستای قارایاتاق، بخش موران)
- ۸۰) دریاچه‌های طبیعی یوخاری گؤل و آشاغا گؤل(روستای آواس(حوالس)، بخش مرکزی)

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم؛ خطاط اشرفی تبریزی، دفتر فرهنگی نور(مهشاد) ۱۳۷۶ تهران
- ۲- نهج‌البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، نشر موعود اسلام ۱۳۸۰ بوشهر
- ۳- شگفتی‌های سبلان؛ بهروز خاماچی و حسین علیزاده، ایران ویج ۱۳۷۰ تبریز
- ۴- مغان نگین آذربایجان؛ احمد قاسمی، فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۷ تهران
- ۵- قوزلو روستای آبشارهای زیبا؛ سید محمد ابراهیمی، (در دست چاپ)
- ۶- توریست و جهانگرد کیست؟ حسین صدر، کتابسرای تندیس ۱۳۸۰ تهران
- ۷- فرهنگ جغرافیایی آذربایجان؛ بهروز خاماچی، سروش ۱۳۷۰ تهران
- ۸- پژوهشی در جغرافیای مغان؛ سید محمد ابراهیمی، نیک آموز ۱۳۸۵ اردبیل
- ۹- آثار باستانی آذربایجان؛ سید جمال ترابی طباطبائی، آثار ملی ۱۳۵۵ تهران
- ۱۰- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی شهرستان‌های مغان سال ۱۳۷۵
- ۱۱- گیتاشناسی ایران (جلد ۱) کوهها و کوهنامه ایران، عباس جعفری، گیتاشناسی ۱۳۶۸ تهران
- ۱۲- جمهوری آذربایجان؛ بهنمازسدی کیا، وزارت خارجه، چاپ اول ۱۳۷۴ تهران
- ۱۳- ایلسون(شاهسون)‌های آذربایجان؛ محمدرضا بیگدلی، پاسارگاد ۱۳۷۲ تهران
- ۱۴- افسانه‌های آذربایجان؛ احمد آذر افشار، نشر دی ۱۳۸۹ تهران
- ۱۵- خیاو یا مشکین شهر؛ غلامحسین ساعدی، امیرکبیر ۱۳۵۴ تهران
- ۱۶- بستان‌السیاحه؛ زین‌العابدین شیروانی، به اهتمام انوار، کتابخانه سنایی، هـ.ق ۱۲۴۷ تهران
- ۱۷- راهنمای جامع شهری؛ «شهریمیز ۲» (ویژه منطقه مغان)، مغان هنر ۱۳۸۱ پارسا آباد
- ۱۸- روزنامه همشهری؛ شماره ۶۰۰ سال سوم
- ۱۹- نشریه آوای اردبیل؛ شماره شانزدهم
- ۲۰- سایت اینترنتی موغان شهر ↪ www.moghanshahr.com
- ۲۱- سایت اینترنتی مغان ارس ↪ www.moghanaras.com
- ۲۲- وبلاگ گروه کوهنوردی آزنا گئرمی مغان ↪ [mhttp://aznamiz.blogfa.co](http://aznamiz.blogfa.co)
- ۲۳- وبلاگ گروه کوهنوردی قوچاقار تال بیله‌سوار مغان ↪ <http://gojagartalbilesavar.blogfa.com>

تصاویری از جاده‌های گردشگری مغان



نمایی از طبیعت منطقه، روستای قوزلو(جنوب شرق گیرمی مغان)



نمایی از طبیعت منطقه، روستای قوزلو(جنوب شرق گیرمی مغان)



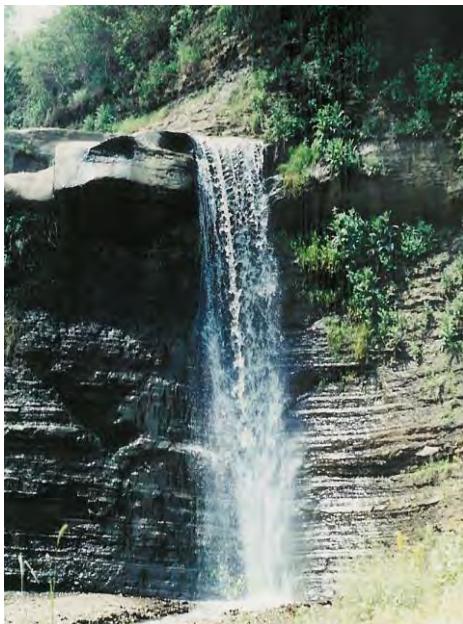
نمایی از رودخانه آراز و سواحل زیبای آن (سایت مغان شهر؛ جلالی)



شبکه مدرن انتقال آب به مزارع در شهرستان پارسا آباد مغان، در تصویر آبشر مصنوعی قیرخ پیله هم دیده می شود.



سولدوز شوله‌سی بلندترین آثار مغان



جوماشوله سی با بیوک شوران از زیباترین آثارهای مغان



آثار زیبای آلمالو، روستای آلايلا



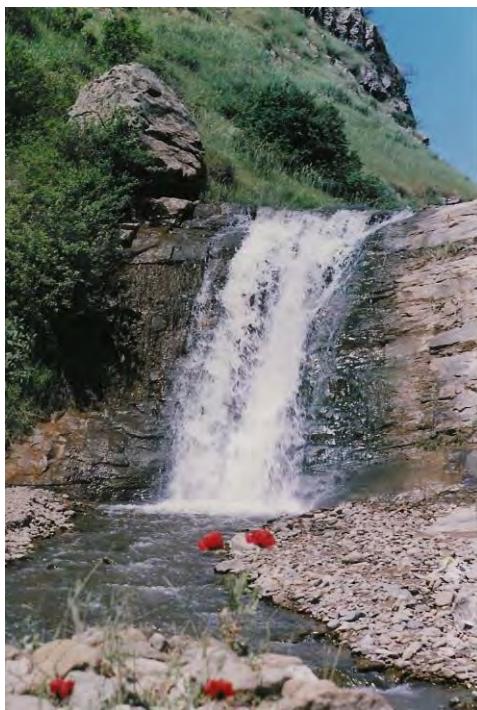
دورنمایی جوماشوله‌سی، از زیباترین آثارهای مغان



قیزیل قایا شوله سی(روستای قوزلو)



دو نمونه از آثارهای دره دیدنی شوله‌لر دره‌سی





نمایی از آبشار زیبای روستای افچه در بخش موران



نمایی از آبشار زیبای دومولی در بخش اونگوت



یکی از دو دریاچه طبیعی آواس(حوالی) کندی، بخش مرکزی گنبد مغان



دریاچه سد گیلارلو گنبد مغان



دریاچه طبیعی شورگوئل، منطقه خوروزلو، بخش قشلاقدشت بیله سوار مغان



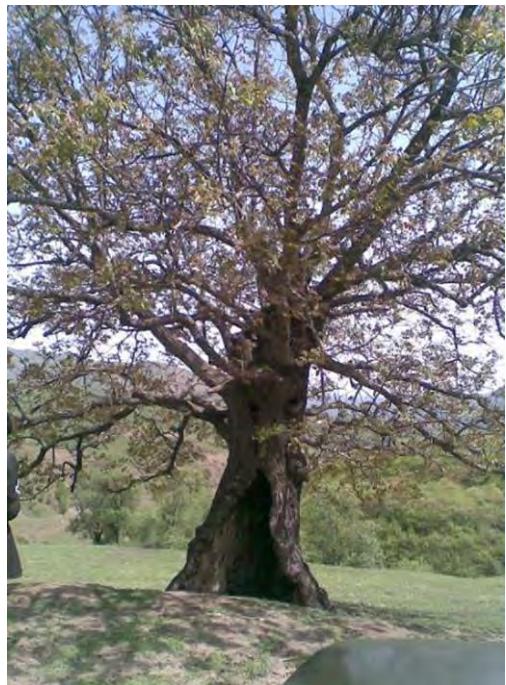
دریاچه طبیعی قالغانلی گوئل، روستای خانکندی بخش مرکزی گئرمی مغان(عکس از آقای خانکشی زاده)



نمونه‌ای از درختان دیرزیست منطقه (روستای قوزلو بخش مرکزی)



نمونه‌ای از درختان دیرزیست منطقه (روستای قوزلو بخش مرکزی)



درخت دیرزیست گردو روستای افچه، بخش موران



درخت دیرزیست گردو روستای تولکییر، بخش مرکزی معنان



گیلديك(نسترن) و تمشك(بويورتیکان) در طبیعت منطقه مغان



آفتابگردن منطقه مغان



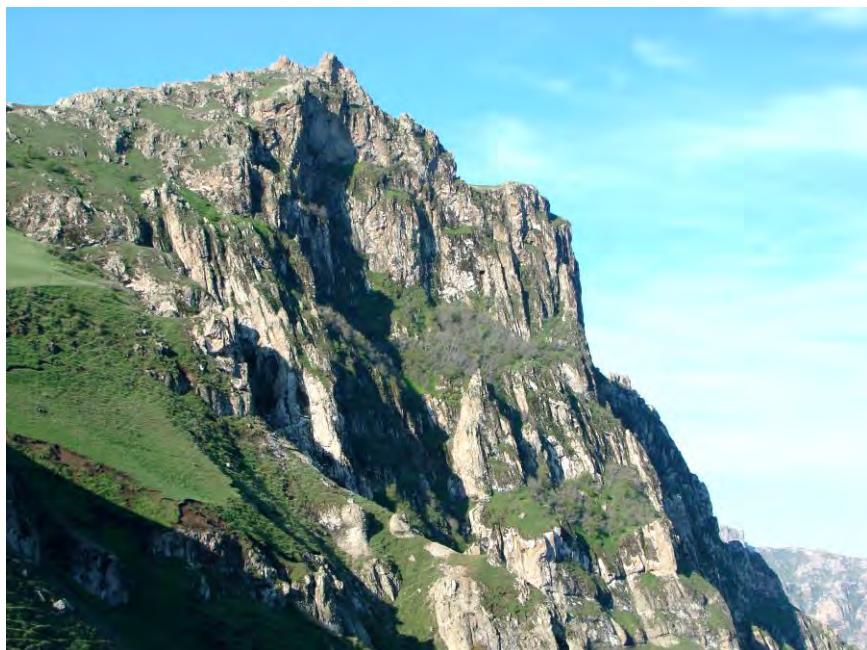
اشکال سنگی دیدنی در طبیعت منطقه، روستای گلین بولاغی بخش اونگوت



اشکال سنگی دیدنی در طبیعت منطقه، روستای دیزده بخش مرکزی گنبد مغان



تصویری از طبیعت بهشتی منطقه، حدفاصل روستاهای اینی و قوزلو (فصل بهار)



تصویری از ارتفاعات بخش اونگوت، آنژیرداغی روستای گلین بولاغی



طبیعت زیبا و دیدنی حوالی روستای گوللو بولاق، بیله سوار مغان (عکس از گروه کوهنوردی قوچاقار تال بیله سوار مغان)



نمایی از جنگل کوه شین آوار روستای اینی (جنوب شرق گرمه مغان)



نمایی از محله‌های کوهپایه‌ای شهر گهرمی مغان



نمایی از شهر گهرمی مغان در زمستان. در تصویر ارتفاعات خوروزلوداغلاری هم دیده می‌شوند.



تصویری از خیابان گمرک و بازارچه مرزبیله سوارمغان(عکس از سایت فرمانداری این شهرستان)



نمایی از شهر پارساآبادمغان(عکس از سایت مغان شهر؛ جلالی)



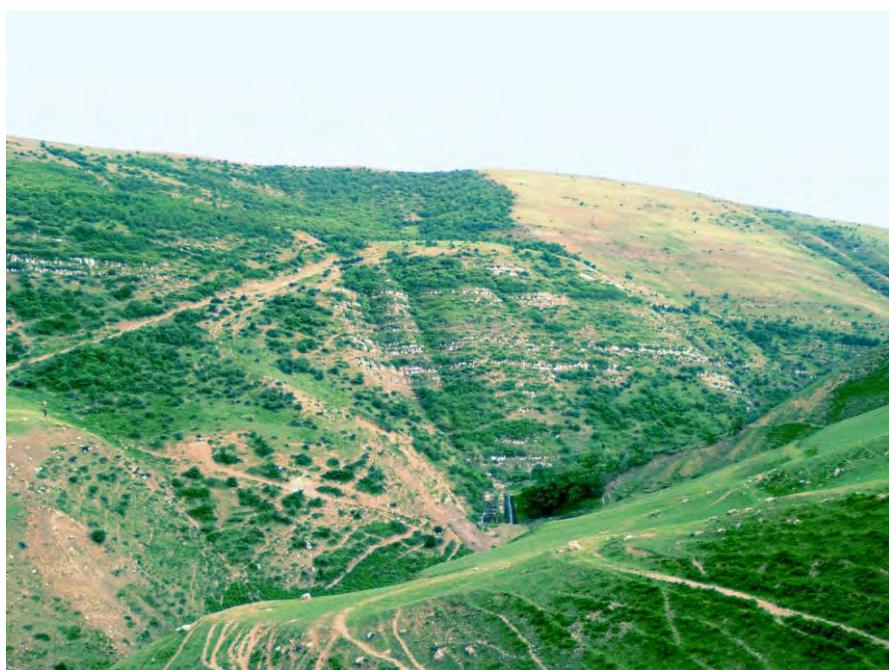
روستای دیدنی و زیبای افچه، بخش موران



دورنمایی از روستای زیبا و دیدنی قوزلو، بخش مرکزی گیرمی مغان



روستای زیبا و دیدنی داشدیبی، بخش مرکزی گنبد مغان



نمایی از طبیعت روستای آوسوران، بخش موران. در تصویر آبشار زیبای این روستا قابل مشاهده است.



استفاده از آبیاری تحت فشار در مغان



کشت زارهای گندم در مغان



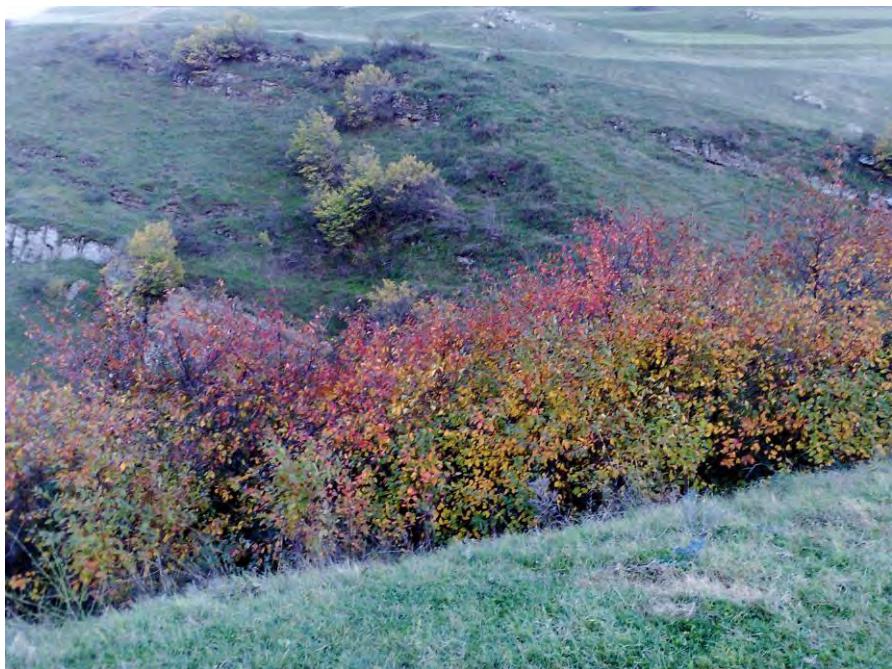
کشتزارهای گندم در مغان



برداشت مکانیزه گندم در مغان(عکس از سایت مغان شهر)



نمایی از طبیعت منطقه در خردادماه



نمایی از طبیعت منطقه در فصل پاییز



نمایی از طبیعت منطقه در فصل بهار



نمایی از طبیعت منطقه در خردادماه (بخش موران)



نمایی از طبیعت منطقه در خردادماه(بخش موران)



نمایی از طبیعت منطقه در خردادماه(بخش موران)



نمایی از طبیعت منطقه در زمستان(بخش مرکزی گترمی مغان)



کوهنوردان مغانی در طبیعت زیبای زمستانی منطقه(عکس از سایت گروه کوهنوردی آذنای گترمی مغان)



پنبه و نخود در مغان



«بویمه درن» و «آی به» از گیاهان دارویی مغان



گردو (گیرده کان) و به (هندوا)، از محصولات تولیدی باغات مغان



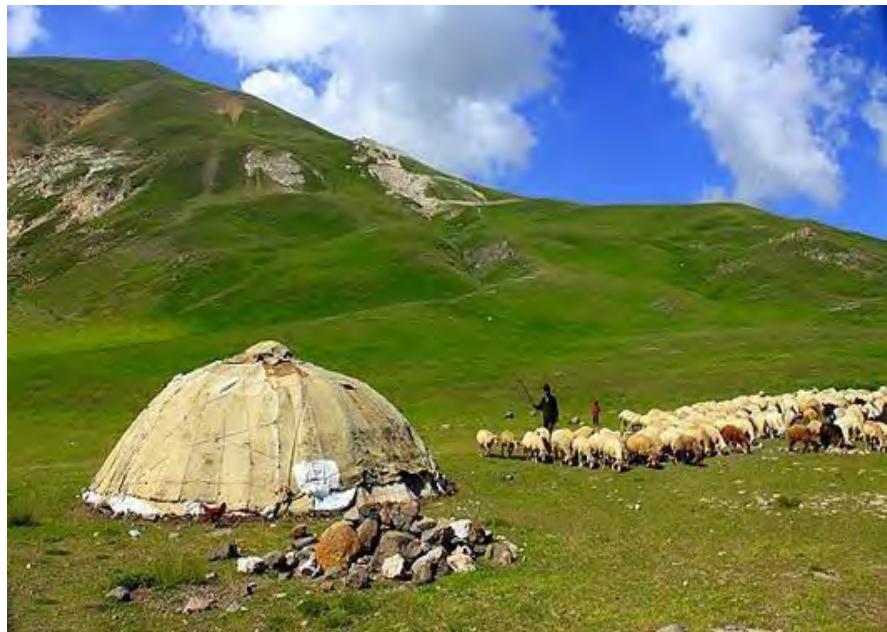
زنیورداری در مغان



زنیورداری در مغان



عشایر مغان در حال کوچ (عکس از؛ پوریا فیلم، کمال نعیمی)



گله گوسفند و آلاچیق عشایری (عکس از سایت شبکه خبر (۱۳۹۲/۵/۳۰)



تصویری از باغات کشت و صنعت مغان



تصویری از باغات کشت و صنعت مغان



نمایی از قلعه سنگی روستای اینسی بخش مرکزی گنبدکوهی مغان



یکی از برج‌های قلعه قیزقالاسی، بیله سوار مغان



نمایی از قلعه یتل سویو، بخش اونگوت



دو نمونه از آب انبارهای قلعه روستای داش زئیوه، بخش اونگوت



نمونه‌ای از اشیاء تاریخی دوره اشکانی مغان در موزه‌های تهران و کاشان



سنگ قبرهای منقوش و زیبای موجود در قبرستان تاریخی روستای آلايلا، بخش مرکزی گلرمی مغان



مدرسه امام خمینی (ره) قدیمی‌ترین مدرسه منطقه، شهر بیله‌سوار مغان (عکس از سایت فرمانداری بیله‌سوار)



مدرسه امام خمینی(ره) قدیمی‌ترین مدرسه منطقه، شهر بیله‌سوار مغان



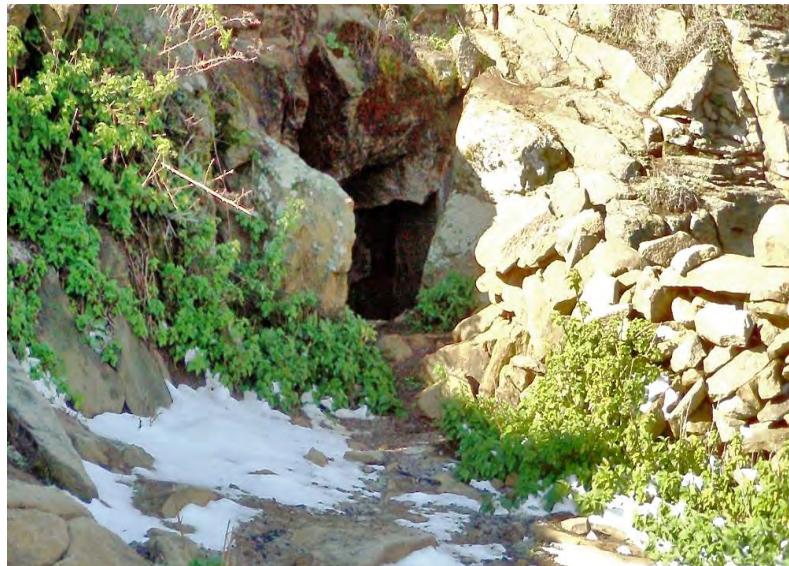
تپه تاریخی نادر تپه‌سی در آستانه‌دوز مغان



تپه تاریخی روستای چونه‌خانی، بخش مرکزی گنبدکنار



غار تاریخی کوه‌لوداش، روستای قوزلو بخش مرکزی گنبدی مغان



بیز خانان (یخچال طبیعی) روستای اینی بخش مرکزی گنبدی مغان



کاروانسرا مخربه دوره صفوی در شورگول، بخش قیشلاقدشت بیله‌سوار مغان



قلعه تاریخی قالاباشی (باش قالا) شهر گنبدکاووس مغان



نمایی از غریبیه مچید روستای اینی بخش مرکزی گنگویی مغان



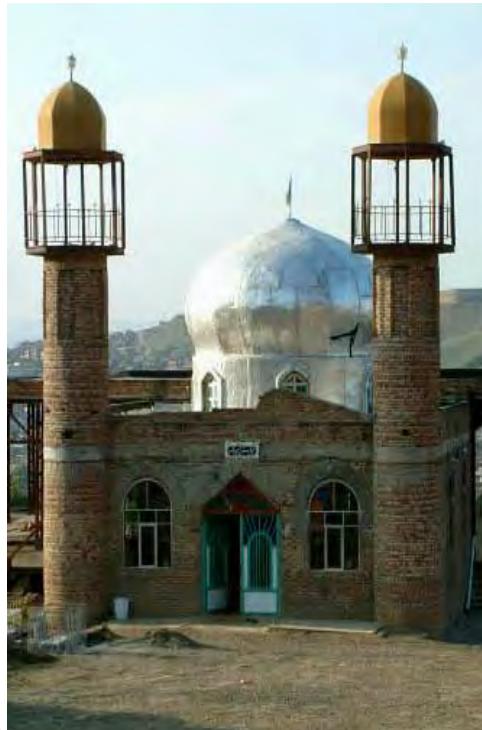
مقبره محمدبن محمدحنفیه در روستای قالابرزند بخش اونگوت گنگویی مغان



مقبره ۵۵ ماسید در روستای داش زیوه، بخش اونگوت



مسجد تاریخی محله چشمبه‌اشی شهر گنبدکنار



مقبره آقامیرعزیز در شهر گنبدکاوی مغان



مسجد جامع شهر بیله سوار مغان



جوراب‌بافی و سبدبافی از صنایع دستی مغان



نمونه ورنی (فرهنگ جغرافیایی آذربایجان)



گلیم‌بافی از صنایع دستی مهم منطقه مغان



چول خوروزی (قرقاول) و کهلهیک (کبک) از پرنده‌گان بومی منطقه مغان



گوسفند نژاد مغانی (عکس از کتاب جغرافیای استان)



دامداری در مغان (عکس از سایت مغانشهر)